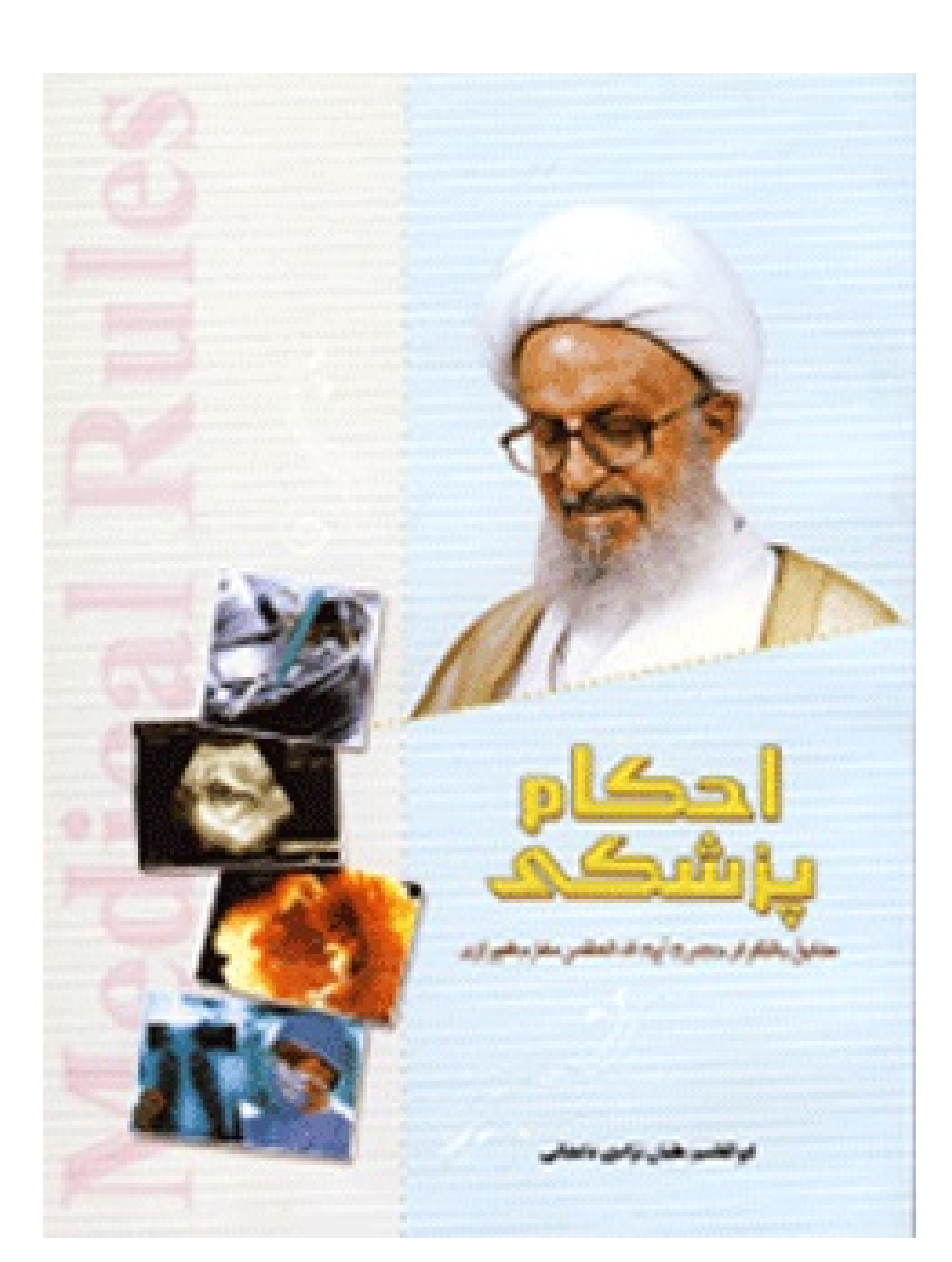

احکام
پزشکی
Medical Rules


بسم الله الرحمن الرحیم

احکام پزشکی مطابق با فتاوای حضرت آیت‌اللهالعظمی مکارم‌شیرازی

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصرمکارم شیرازی (دام ظله)

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احکام پزشکی مطابق با فتاوای حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم‌شیرازی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ - عنوان و نام پدیدآور : احکام پزشکی مطابق با فتاوای حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم‌شیرازی/ ابوالقاسم علیان‌نژادی‌دانغانی. مشخصات نشر : قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی طالب (ع ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص. شابک : ۲۰۰۰۰ریال (چاپ اول) ؛ ۲۰۰۰۰ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۳۸-۳ : یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Abolqasem Alian Nejadi. Medical rules... یادداشت : چاپ اول: ۱۳۸۷. یادداشت : چاپ دوم. موضوع : پزشکی -- فتواها موضوع : فتواهای شیعه -- قرن ۱۴ موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه شناسه افزوده : علیان‌نژادی‌دامغانی، ابوالقاسم. رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/م۷الف۳ ۱۳۸۷ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲ شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۳۹۲۸۰

پیشگفتار

مدّتها بود که فکر جمع‌آوری نظریات فقهی مرجع عالیقدر جهان تشیّع حضرت آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه العالی)، پیرامون مسائل و احکام پزشکی ذهن ما را مشغول داشت، و در برابر پرسش بسیاری از مقلدان و دوست داران معظّم‌له مبنی بر اینکه: «آیا استفتائات پزشکی حضرت آقا منتشر شده یا نه؟» پاسخ ما منفی بود، امّا این امور انگیزه شروع کار را تقویت می‌کرد، تا اینکه در ماه پر خیر و برکت رجب المرجب سال ۱۴۲۴ در مدینهٔ الرسول این موضوع را خدمت آن مرجع بزرگوار مطرح نموده، و با کسب موافقت ایشان در سالروز میلاد حضرت علی علیه السلام کار را آغاز کرده، و تقارن شروع کار را با ولادت آن حضرت به فال نیک گرفتم. و پس از فراز و نشیب‌های زیاد و مطالعات فراوان، این کار بحمداللّه در سالروز مبعث پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله روز ۲۷ رجب سال ۱۴۲۸ هجری قمری به پایان رسید. این مجموعه پاسخگوی نیازها و پرسش‌های فقهی دانشجویان رشته پزشکی و پزشکان و بیماران خواهد بود، بنابراین مطالعه دقیق آن به همگان، مخصوصاً این سه گروه توصیه می‌شود. در پایان، از همه عزیزانی که به شکلی ما را در تهیّه این مجموعه یاری احکام پزشکی، ص: ۱۴ نموده‌اند، به ویژه جناب آقای دکتر مختار دربانی، که از ابتدا تا انتهای کتاب را با دقّت مطالعه نموده، و نکاتی را برای پربارتر شدن کتاب یادآور شدند، تقدیر و تشکّر نموده، و با آغوش باز پیشنهادات خوانندگان عزیز را پذیرا خواهیم بود. قم- حوزه علمیّه ابوالقاسم علیان نژادی ۲۰/ ۵/ ۱۳۸۶ احکام پزشکی، ص: ۱۵

۱ احکام دانشجویان رشته پزشکی

۱. مسائل تحصیلی

سؤال ۱- اکثر پزشکان مجاری ادرار و کلیه، مرد هستند؛ آیا گرفتن این تخصّص جهت کم کردن ارتباطات غیر هم جنس، برای خانمها واجب است؟ جواب: با توجّه به اینکه نگاه به غیر همجنس، در مورد عورت گناه سنگین‌تری دارد، لازم است به عنوان واجب کفایی گروهی از همجنس‌ها این دوره را بگذرانند. سؤال ۲- غالب پزشکان متخصّص قلب را آقایان تشکیل می‌دهند، آیا به منظور کاهش ارتباطات با جنس مخالف، اخذ مدرک تخصّصی قلب برای خانمها واجب کفایی است؟ جواب: آری واجب کفایی است. سؤال ۳- جهت تشخیص بعضی از بیماری‌ها، از جمله بیماریهای زنان، بیشتر از سونوگرافی استفاده می‌شود، و متخصّص زن در آن کم است، آیا بر دانشجویان دختر واجب است که در این رشته تحصیل کنند؟ جواب: لازم است به عنوان واجب کفایی

عدّه‌ای در این رشته تحصیل کنند. سؤال ۴- برخی از رشته‌های پزشکی درآمد مناسبتری دارد، لذا متخصّص احکام پزشکی، ص: ۱۶ کافی در آن رشته تربیت شده است. امّا رشته هایی وجود دارد که درآمد آن نسبت به آنچه در بالاـ آمد کمتر است، لذا متخصّص کافی هم ندارد. آیا دانشجویان می‌توانند برای کسب درآمد بیشتر به تحصیل در رشته‌های مورد نظر بپردازند؟ جواب: در صورتی که به اندازه کافی برای رشته‌های دیگر طبیب وجود داشته باشد مانعی ندارد. سؤال ۵- چه اموری باید مهمترین اولویّت‌های تعیین رشته برای دانشجویان پزشکی باشد؟ درآمد بیشتر و زحمت کمتر؟ نیازهای جامعه؟ کاهش برخورد با غیر همجنس یا امور دیگر؟ جواب: مهمتر از همه نیاز جامعه و سپس کاهش برخورد با غیر هم جنس است. سؤال ۶- دانشجویانی که با استفاده از امکانات دولت اسلامی تحصیل کرده، و موفّق بر اخذ مدرک پزشکی شده‌اند، آیا می‌توانند از مسئولیّتهایی که شرع و قانون بر عهده آنها گذاشته شانه خالی کنند؟ مثلًا برای خدمت به بیماران به مناطق محروم نروند، یا اصلًا در کشور خود طبابت نکنند، و بدین منظور هجرت کنند؟ جواب: باید به این مسئولیتها شرعاً عمل کنند. سؤال ۷- فرزندم در رشته پزشکی تحصیل می‌کند، و إن‌شاءاللَّه پس از فراغت از تحصیل قصد خدمت به برادران و خواهران دینی خود را در کشور ایران اسلامی دارد. ولی اکنون در تأمین هزینه‌های تحصیلی او با مشکل مواجه شده‌ام. آیا مجاز هستم بخشی از وجوهات شرعیّه خویش را به ایشان اختصاص دهم؟ جواب: مجاز هستید از ۳ ۱ سهم مبارک امام برای این منظور هزینه کنید. سؤال ۸- هرگاه دانشجویی (خدای ناکرده) در کنکور تقلّب کند، و قبول شود، چنانچه شک یا یقین داشته باشد که تقلّب مذکور تأثیری در قبولی نداشته، احکام پزشکی، ص: ۱۷ اکنون که می‌خواهد شروع به تحصیل کند وظیفه‌اش چیست؟ جواب: اگر شک داشته باشد اشکالی ندارد، و اگر یقین داشته باشد و موارد تقلب کم و محدود بوده آن هم مانعی ندارد، در غیر این صورت اشکال دارد. و در هر حال تقلب کردن خواه کم باشد یا زیاد کار حرامی است. سؤال ۹- من بر خلاف ضوابط و مقرّرات در کنکور شرکت کرده، و در رشته پزشکی قبول شده‌ام. مثلًا مشمول بوده و دفترچه آماده به خدمت تهیّه نکرده‌ام، یا سرباز فراری بوده و با جعل پایان خدمت امتحان داده‌ام، یا از این قبیل، ولی در امتحانات تقلّبی نکرده‌ام، و اکنون دچار عذاب وجدان شده‌ام، وظیفه شرعی من چیست؟ جواب: گرچه کار خلاف شرعی کرده‌اید، ولی فعلًا می‌توانید به تحصیلات خود ادامه دهید. سؤال ۱۰- به منظور تأمین برخی از هزینه‌های تحصیل مجبورم در ضمن تحصیل کار کنم، ولی وقت برخی از درس‌ها همزمان با ساعت کار است، و با توجّه به آشنایی استاد با وضعیت من، اجازه داده که در آن ساعت در کلاس حاضر نشوم، امّا موقع امتحان باید امتحان داده و نمره لازم را بیاورم. در صورتی که مادّه درسی مرتبط با رشته درسی‌ام (پزشکی) باشد، یا ارتباطی نداشته باشد حکم چیست؟ جواب: در هر صورت با اجازه استاد و در حدود مقررات اشکالی ندارد. سؤال ۱۱- دانشجویان با استعدادی هستند که در رشته پزشکی یا مهندسی مشغول به تحصیلند، و در عین حال علاقه خاصی به تحصیل در علوم اسلامی دارند. وظیفه شرعی آنها چیست؟ جواب: بهتر این است که تحصیلات دانشگاهی را به پایان برسانند، سپس به تحصیلات حوزوی بپردازند.

۲. احکام نگاه و نظر

سؤال ۱۲- در کلاسهای دانشکده پزشکی اساتید مرد و زن هر دو تدریس می‌کنند. نگاه دانشجویان به استاد غیر همجنس و بالعکس چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی‌که نگاه هوس‌آلودنباشد، در مورد وجه و کفّین اشکالی ندارد. سؤال ۱۳- حکم مشاهده بیش از مقدار مجاز به دستها و صورت استاد زن که به هنگام نوشتن مطلب درسی بر روی تخته سیاه ظاهر می‌گردد چیست؟ با توجّه به اینکه این کار جهت آموزش به دانشجویان لازم است. جواب: باید حجاب را به گونه‌ای مراعات کنند که زاید بر وجه و کفّین ظاهر نشود. سؤال ۱۴- نگاه کردن به تصاویر عریان موجود در کتابهای پزشکی، که آموزش آن برای دانشجویان ضروری است، چه حکمی دارد؟ جواب: بدون قصد لذّت و ریبه «۱» اشکالی ندارد. و در صورت ریبه تنها در موارد ضرورت و به

مقدار ضرورت نگاه کنند. سؤال ۱۵- نگاه به جسد همجنس و غیر همجنس، مسلمان و غیر مسلمان، در مقام آموزش پزشکی برای معاینه و کالبد شکافی، یا قطع اعضا و پیوند چه حکمی دارد؟ جواب: تنها در مورد ضرورت و به مقدار ضرورت جایز است. سؤال ۱۶- نگاه کردن به اعضای جدا شده از جسد نامحرم که گاه در سالن تشریح و به هنگام آموزش مسائل پزشکی، رخ می‌دهد چه حکمی دارد؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۱۷- لطفاً نظر خود را در مورد نگاه کردن در موارد زیر بیان فرمایید: الف) در صورتی که انسان احتمال زیادی بدهد که در طیّ آموزش بیماران زن احکام پزشکی، ص: ۱۹ وجود نخواهد داشت، یا اینکه اگر وجود داشته باشد شرایط آموزش مهیا نخواهد شد؛ در هر دو صورت فوت این فرصت موجب نقصان سطح علمی او خواهد شد، یا اینکه یادگیری بهتر را از دست می‌دهد. جواب: در صورتی که نگاه کردن مقدّمه انحصاری برای تکمیل علم طب جهت نجات جان مسلمانان بوده باشد، به مقدار ضرورت جایز است. ب) همان فرض بالا، در صورتی که انسان بداند عدم اطلاع و مهارت کافی به کوتاهی و قصور در درمان بیماران خواهد انجامید. جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد. سؤال ۱۸- آیا نگاه مستقیم به عورت بیمار، برای یادگیری مسأله مهمّ پزشکی، یا درمان جایز است؟ با فرض اینکه در حال حاضر در محیطهای آموزشی از طریق نگاه مستقیم به عورت بیمار آموزش داده می‌شود و شرایط و مقدّمات نگاه غیر مستقیم فراهم نشده است. جواب: اگر راهی جز نگاه مستقیم نداشته باشد به مقدار ضرورت جایز است.

۳. احکام لمس و تماس بدنی

سؤال ۱۹- لمس و تماس دست دانشجوی پزشکی با بدن بیمار غیر همجنس، به هنگام گرفتن نبض، معاینه و معالجه که از نظر استاد جهت آموزش الزامی است، چه حکمی دارد؟ جواب: تنها در موارد ضرورت جایز است. و اگر امکان داشته باشد از روی لباس انجام گیرد مقدّم است. سؤال ۲۰- در دانشگاههای کشورهای غربی، هنگام برخورد با اساتید غیر همجنس، دانشجویان ناگزیر از دست دادن هستند، و اگر آن را ترک کنند حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می‌شود. وظیفه شرعی دانشجویان چیست؟ جواب: وظیفه شرعی آنان دست ندادن است. و باید این فرهنگ اسلامی را احکام پزشکی، ص: ۲۰ برای آنها توضیح داد، تا حمل بر اسائه ادب نشود. سؤال ۲۱- معاینه و لمس افراد سالم در مقام آموزش پزشکی جهت کنترل سلامتی و استخدام و سربازی و مانند آن، در صورتی که همجنس نباشد چه حکمی دارد؟ جواب: در اموری که برای جامعه ضرورت دارد جایز است. سؤال ۲۲- لمس بدن زن یا مرد کافر برای تشریح، یا نگاه به آن برای دانشجویان پزشکی چه حکمی دارد؟ جواب: تنها به مقدار ضرورت جایز است. سؤال ۲۳- آیا لمس و نگاه مولاژ (مجسّمه‌های آموزشی که از جنس پلاستیك و شبیه اعضای بدن انسان ساخته شده) برای دانشجویان یا اساتید غیر هم‌جنس، بدون قصد لذّت جایز است؟ جواب: برای آموزش‌های لازم مانعی ندارد. سؤال ۲۴- آموزش هایی که همراه لمس و نظر به نامحرم است، و به احتمال اینکه در آینده حفظ جان فردی منوط به آن باشد، چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه مقصود یادگرفتن و تکمیل اطّلاعات طبّی برای نجات جان مسلمانان بوده باشد و بدون این کار، آن مقصود حاصل نشود جایز است. سؤال ۲۵- در بعضی از بیمارستان‌ها، از دانشجویانی که دوره عملی آشنایی با کارهای پزشکی را می گذرانند می‌خواهند که بیماران مراجعه کننده را معاینه کنند، و قصدشان تعلیم امور درمانی می‌باشد، بفرمایید: ۱. در صورت عدم رضایت بیماران، آیا می‌توان آنان را به نوعی مجبور به معاینه نمود؟ مثل اینکه پزشك معالج اصلی بگوید: «اگر از معاینه دانشجویان ممانعت نمایی، تو را معالجه و درمان نخواهم کرد.» این کار چه حکمی دارد؟ ۲. اگر اقدام فوق فقط در مورد ضرورت تعلیم جایز باشد، مورد ضرورت احکام پزشکی، ص: ۲۱ کدام است؟ جواب: ۱. کسی را نمی‌توان مجبور به معاینه کرد، ولی اگر درمان، فوری و واجب نباشد، و طبیب درمان را مشروط به اجازه معاینه کند، و او هم این شرط را بپذیرد، مانعی ندارد از این راه وارد شود. ۲. منظور از ضرورت این است که اگر این معاینات صورت نگیرد دانشجویان طب نمی‌توانند اطّلاعات خود را کامل کرده، وجان

مسلمانان را از خطر نجات دهند. سؤال ۲۶- در بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی، دانشجویان جهت آموزش مبادرت به معاینه نواحی مختلف بدن مانند شکم، سینه، لگن، نواحی تناسلی و دیگر اعضای بیمار غیر همجنس می‌نمایند. با توجّه به اینکه این امر یک موضوع آموزشی است که در برنامه تربیت پزشکان قرار دارد چه حکمی دارد؟ و نظر مبارک در مورد حدود آن چیست؟ جواب: تنها در صورتی جایز است که این آموزش برای غیر همجنس ضرورتی داشته باشد، یعنی بدون آن تعلیمات کافی برای نجات جان بیماران از خطر یا بیماری میسّر نشود. سؤال ۲۷- گرفتن نبض و فشار خون و عمل کردن سایر دستورات پزشک توسّط دانشجوی جنس مخالف بیمار چه حکمی دارد؟ جواب: مانند جواب سابق است. سؤال ۲۸- چنانچه بنابر ضرورت در آموزش پزشکی لازم شود دانشجو یا پزشک نامحرم، بیمار را معاینه یا درمانی کند که ملازم لمس و نظر می‌باشد، آیا اجازه بیمار یا بستگان وی لازم است؟ جواب: هرگاه آموزش ضروری، منحصر به آن مورد باشد رضایت طرف لازم نیست؛ ولی اگر موارد دیگری برای آموزش پیدا شود، که طرف مقابل رضایت نمی‌دهد، نمی‌توان از مواردی که راضی نیستند استفاده کرد.

۴. گفتگو و اختلاط

سؤال ۲۹- شوخی و خنده استاد خانم در کلاس درس دانشجویان دختر و پسر، به منظور رفع کسالت وخستگی وتجدید روحیه دانشجویان چه حکمی دارد؟ جواب: رعایت آداب عفّت در کلاس درس واجب است. سؤال ۳۰- دختری هستم که در رشته پزشکی قبول شده‌ام، ظاهراً کلاس‌های دانشگاه به صورت مختلط برگزار شده، و غالب اساتید مرد هستند، با این توصیف شرکت در کلاسها چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه توأم با امر حرامی (نظیر خلوت با اجنبی و مفاسد دیگر) نباشد مانعی ندارد. سؤال ۳۱- گاه دانشجوی پسر در بین عدّه‌ای از دانشجویان دختر یا بالعکس درس می‌خواند، با توجّه به اینکه اگر با این شرایط ادامه تحصیل ندهد متضرّر می‌شود (مثلًا دیرتر فارغ التحصیل می‌شود) آیا ادامه تحصیل با این شرایط حرام است؟ جواب: اگر موجب کار حرامی نشود اشکالی ندارد. ولی سزاوار است مسئولین کشورهای اسلامی برنامه‌ای برای جدا ساختن مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم نمایند.

۵. احکام پوشش

سؤال ۳۲- در برخی از مراکز علمی مسائلی به وجود آمده که سبب ایجاد ذهنیّت ناخوشایند، و بدبینی به اسلام، و موجبات دوری جوانان از دین و مذهب را فراهم آورده است، مسائلی که هیچ گونه ممانعتی برای انجام آن، نه از سوی دین و نه از سوی مراجع عالیقدر تقلید، ذکر نشده است. در دانشگاه پزشکی «ع- ک» پوشیدن لباس‌های آستین کوتاه برای مردان احکام پزشکی، ص: ۲۳ ممنوع است، و این مسأله بحث و گفتگوهایی را در پی داشته است. از آنجایی که طرح تمام گفتگوهای مطرح شده فی ما بین ما و مسئولین دانشگاه قدری مشکل است. سعی کرده‌ایم خلاصه آن را در این استفتا بگنجانیم: دانشگاه: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه ممنوع است. دانشجویان: در کجای دین پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان حرام شمرده شده است؟ دانشگاه: بعضی از مراجع تقلید حرام دانسته‌اند. دانشجویان: کدام مرجع تقلید حرام شمرده است؟ شاید ما مقلّد ایشان نباشیم. دانشگاه جوابی ندارد و فقط می‌گوید: شما باید مقلّد همان کسی باشید که ما هستیم. چندی بعد یکی از روحانیون سرشناس به دانشگاه ما تشریف آوردند، موضوع را با ایشان در میان گذاشتیم، ایشان فرمودند: هیچ مرجع تقلیدی آن را حرام نشمرده است. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟ جواب: پوشیدن لباس‌های آستین کوتاه برای مردان شرعاً حرام نیست، ولی مسئولین دانشگاه حق دارند مقرّراتی را طبق مصالحی که در نظر دارند برای محدوده دانشگاه‌ها وضع کنند، مثلًا بگویند شرط ورود به دانشگاه استفاده از فلان نوع و رنگ لباس است. همان گونه که در محیطهای نظامی و انتظامی لباس‌های خاصی را شرط می‌کنند. بنابراین خوب است دانشجویان عزیز با

مسئولین دانشگاه‌ها در این گونه مسائل به طور منطقی و بدون جرّ و بحث کنار بیایند، تا مشکل شرعی برای هیچ یک از دو طرف پیدا نشود. سؤال ۳۳- وظیفه خواهران دانشجوی مسلمان ترکیه و دیگر کشورها نسبت به رعایت حجاب در دو فرض زیر چیست؟ احکام پزشکی، ص: ۲۴ ۱. شرط گذراندن تمام ترمهای دانشجویی در دانشگاه‌های تحت مدیریّت آنها، رعایت نکردن حجاب شرعی است. ۲. شرط اتمام چند ترم باقیمانده از رشته خاصّی در دانشگاه ترک حجاب است. جواب: با توجه به اینکه اگر دختران مسلمان و متدیّن دروس عالی را نخوانند تنها افراد بی بند و بار و لامذهب پست‌های مهم را اشغال می‌کنند، به افراد متدیّن اجازه داده می‌شود که حجاب را در خصوص مواردی که ضرورت دارد رعایت نکنند، ولی در غیر آن موارد حتماً مراعات نمایند.

۶. استفاده شخصی از امکانات عمومی

سؤال ۳۴- مشاهده می‌شود که برخی از دانشجویان و اساتید پزشکی از امکانات دولتی و بیت المال، مثلا فرمهای بیمارستانی و کاغذهای مکاتبه‌ای استفاده شخصی می‌کنند، در حالی که هزینه این وسایل یا از بیت المال تأمین می‌شود، یا به هزینه بیماران اضافه شده و از آنان گرفته می‌شود. آیا این کار جایز است؟ جواب: جایز نیست، مگر به اجازه مسئولان بیمارستان، با در نظر گرفتن مصالح مجموعه.

۷. ضمان

سؤال ۳۵- در معاینات و درمان‌هایی که توسّط دانشجویان رشته پزشکی، انترن‌ها و مانند آن صورت می‌گیرد، چنانچه ضرر و خسارت مالی یا جانی متوجّه بیمار گردد، چه کسی ضامن است؟ جواب: کسی که مباشر ایجاد ضرر و زیان است ضامن است. مگر اینکه قبلًا از احکام پزشکی، ص: ۲۵ طرف مقابل برائت گرفته، و در کارهای خود کوتاهی ننموده باشد. سؤال ۳۶- در مراکز آموزشی، درمانی و پزشکی دولتی دستیاران، به ویژه در سالهای نخست باید با حضور و راهنمایی اساتید خود اقدام به عمل جرّاحی کنند. چنانچه دستیار با اجازه استاد خود، یا به این امید که استاد گفته: «شما کار را شروع کنید، من هم می‌رسم» به تنهایی یا به همراه سایر دستیاران، عمل جرّاحی را شروع کنند و استاد حاضر نشود، و آسیبی به بیمار برسد که ناشی از عدم حضور استاد است، چه کسی ضامن است؟ جواب: دستیار مسئول است؛ مگر اینکه تخلّف استاد از وعده‌اش سبب این مشکل شده باشد که در این صورت هرچند دستیار مقصّر است، ولی می‌تواند خسارتی را که پرداخته از استاد که او را مغرور ساخته (فریب داده) بگیرد. سؤال ۳۷- در مراکز آموزشی که برای آینده پزشک متخصص تربیت می‌نمایند، به دلیل کمی مهارت فی نفسه دستیاران و دانشجویان، عوارض و خطراتی متوجه جان بیمار می‌گردد؛ اگر احیاناً نقص عضوی واقع شود، یا بیمار فوت کند، آیا دستیار مربوطه ضامن است، یا پزشک مسئول، و استادیار مربوطه؟ جواب: اگر دستیار در کار خود مستقل و از خطرات آگاه باشد ضامن است، و اگر به صورت آلت دست استاد باشد ضامن نیست.

۸. مسائل دیگر

سؤال ۳۸- اگر دانشجوی پزشکی از اسرار استادش، که پزشک است آگاه باشد، و فساد اخلاقی او را بداند، وظیفه‌اش چیست؟ در حالی که بقیّه او را کاملًا مؤمن می‌دانند، و در مسایل بسیاری به او مراجعه می‌کنند. جواب: او باید به وظیفه خود عمل کند و کاری به دیگران نداشته باشد. سؤال ۳۹- پیروی از دستورات اساتیدی که مقیّد به ضوابط شرعی نیستند، احکام پزشکی، ص: ۲۶ مثلًا با وجود دانشجویان همجنس به دانشجوی غیر همجنس دستور معاینه بیمار را می‌دهند، چه حکمی دارد؟ با توجّه به اینکه سرپیچی از دستور آنان ممکن است در نمره قبولی دانشجو تأثیر گذار باشد. جواب: در این صورت که ضرورت نیست باید به صورت معقولی

تمرّد کند، مگر اینکه معاینه بیمار غیر همجنس برای تکمیل تحصیلات پزشکی لازم باشد، که در این صورت جایز است. سؤال ۴۰- آیا دانشجویان دختر و پسر جهت جلوگیری از ارتکاب گناه (در رابطه با مسائل تحصیلی و رفت و آمد) می‌توانند بدون اجازه پدرِ دختر، صیغه محرمیّت بخوانند؟ جواب: این کار برای دختران باکره- که سابقه ازدواج ندارند- بدون اجازه پدر جایز نیست. سؤال ۴۱- بعضی از دانشجویان در سال‌های انتهایی تحصیل قادر به کار کردن در رشته تحصیلی خود و کسب درآمد هستند، آیا بایستی با دریافت اوّلین حقوق، برای خود سال خمسی تعیین کنند؟ جواب: در صورتی که درآمد سالیانه آنها بیش از هزینه‌ها و مخارج سالیانه باشد، باید هر سال در همان تاریخ خمس اضافه درآمد را بپردازند.

۲ مسائل مربوط به تشریح

۱. تشریح مجاز

سؤال ۴۲- آیا مجازیم مسلمانی که وصیت کرده بعد از وفاتش وی را تشریح کنند، تشریح نماییم؟ جواب: تشریح مرده مسلمان برای مقاصد پزشکی با چند شرط جایز است: ۱. مقصود یاد گرفتن و تکمیل اطلاعات طبّی برای نجات جان مسلمان بوده باشد، و بدون تشریح این مقصود حاصل نشود. ۲. دسترسی به مرده غیر مسلمان نباشد. ۳. به مقدار ضرورت و احتیاج قناعت شود، و اضافه بر آن جایز نیست. با چنین شرایطی تشریح جایز، بلکه واجب است. سؤال ۴۳- اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست جسد مسلمان است، یا کافر، یا اهل کتاب، آیا مجاز به تشریح آن هستیم؟ جواب: اگر جسد از بلاد اسلامی نباشد مانعی ندارد. و اگر مربوط به بلاد اسلامی است، ظاهر این است که جسد مسلمان است، و احکام مسلمان بر او جاری می‌شود. و اگر از بلدی است که هر دو گروه به طور وسیع در آن هستند، تشریح آن مانعی ندارد. و اگر ندانیم از کدام بلد است آن هم جایز است. احکام پزشکی، ص: ۲۸ سؤال ۴۴- آیا می‌توان جسد افراد به ظاهر مسلمان- مسلمان اسمی- را که به خاطر ارتداد، فساد اخلاقی، قاچاق موادّ مخدّر، مسائل سیاسی و ... اعدام شده‌اند تشریح نمود؟ جواب: در مورد مرتد جایز است، و در مورد دیگران تنها طبق ضرورتهای فوق مجاز خواهد بود. سؤال ۴۵- در صورت کمبود جسد و استخوان، آیا می‌توان استخوانهایی که در بیابان و قبرستان‌ها یافت می‌شود، و یا به وسیله عملیّات حفّاری شهرداری‌ها در سطح خاک ظاهر می‌شود- چه متعلّق به مسلمان باشد، یا غیر مسلمان- مدّتی جهت آموزش استفاده کرد، و بعد از اتمام کار، به یک مرکز آموزشی هدیه نمود، یا دفن کرد؟ جواب: نسبت به غیر مسلمان اشکالی ندارد، و نسبت به مسلمین تنها در صورتِ ضرورتِ تشریح و تکمیل اطّلاعات طبّی جایز است. و بعداً باید آن را دفن کرد. سؤال ۴۶- تشریح بدن جنین چه حکمی دارد؟ بر فرض جواز، آیا دیه دارد؟ جواب: در صورتی که برای پیشرفت علم پزشکی، و جهت حفظ جان مسلمین ضرورتی داشته باشد جایز است، و دیه هم ندارد.

۲. تشریح غیر مجاز

سؤال ۴۷- آیا در عدم جواز تشریح بدن میّت بدون ضرورت، تفاوتی بین شیعه و اهل سنّت وجود دارد؟ جواب: تفاوتی ندارد. سؤال ۴۸- جدا کردن اعضای میّت چه حکمی دارد؟ آیا در این حکم تفاوتی میان رضایت قبلی وعدم‌آن، یارضایت ولیّ میّت و عدم رضایت وی، وجود دارد؟ جواب: جز در موارد ضرورت برای تشریح، با شرایطی که در پاسخ سؤال اوّل احکام پزشکی، ص: ۲۹ این فصل گفته شد، یا در مواردی که معالجات ضروری أحیا بدون آن ممکن نیست، جایز نمی‌باشد.

احکام تشریح

سؤال ۴۹- آیا می‌توان برای تشریح، جهت آموزش به علّت کمبود جسد و استخوان که بدون آنها آموزش امکان‌پذیر نیست، اقدام به نبش قبر غیرمسلمانان نمود؟ جواب: هرگاه مفسده خاصّی بر آن مترتّب نشود، اشکالی ندارد. سؤال ۵۰- در فرض مسأله فوق، اگر ندانیم قبر مورد نظر متعلّق به مسلمان است، یا غیر مسلمان، آیا مجاز به نقش قبر هستیم؟ جواب: مانند جواب سؤال دوم همین فصل است، به شرط اینکه قراینی که نشانه اسلام است در آن قبر نباشد. سؤال ۵۱- آیا خرید و فروش میّت مسلمان جهت تشریح، در جایی که جسد کافر در دسترس نباشد، جایز است؟ جواب: هرگاه آن تشریح برای فرا گرفتن علم پزشکی جهت حفظ جان مسلمین ضرورت داشته باشد، و از غیر این راه دسترسی نداشته باشد، مانعی ندارد. سؤال ۵۲- برخی از اساتید برای فراهم ساختن استخوان جهت تشریح، نمره در نظر می‌گیرند. آیا برای چنین کاری تشریح استخوان‌های مکشوفه از قبرستان جایز است؟ آیا در این جهت، میان قبرهای قدیمی و جدید، استخوان‌های زیر زمین و آنچه در سطح قرار گرفته، زن و مرد، تفاوتی وجود دارد؟ جواب: هیچ کدام جایز نیست. سؤال ۵۳- نگاه کردن به دستگاه تناسلی مردان و زنان میّت در حال تشریح چه حکمی دارد؟ آیا این حکم در مورد بدن مسلمانان وغیر مسلمانان یکسان‌است؟ جواب: جز در موارد ضرورت جایز نیست؛ و فرقی در میان آنها نیست. احکام پزشکی، ص: ۳۰ سؤال ۵۴- تشریح جسد مردان برای دانشجویان پزشکی دختر چه حکمی دارد؟ تشریح جسد بانوان برای دانشجویان پزشکی مرد چطور؟ جواب: مادام که ضرورت قطعی نباشد جایز نیست. سؤال ۵۵- در مواردی که تشریح بدن مسلمان به خاطر ضرورتها جایز است، آیا اجازه او قبل از مرگ، ضرورت دارد؟ جواب: جایز است، هرچند خودش قبل از مرگ اجازه نداده باشد. و احتیاط آن است که از اولیای میّت اجازه بگیرند. سؤال ۵۶- با وجود امکان تهیّه جسد کافر از خارج- همان گونه که در بعضی از ممالک اسلامی عمل می‌شود- آیا واجب است مسئولین مربوطه اقدام بر این کار نمایند؟ و با وجود امکان تهیّه، تشریح میّت مسلمان چه حکمی دارد؟ جواب: لازم است تا آنجا که امکان دارد از جسدهای دیگر استفاده شود. سؤال ۵۷- آیا تشریح بدن در جایی که جایز است دیه دارد؟ جواب: تشریح بدن انسان در آنجا که شرعاً جایز است دیه‌ای ندارد. احکام پزشکی، ص: ۳۱

۳ مسائل مربوط با معاینه و درمان

۱. ویزیت

سؤال ۵۸- آیا به دلیل رفاقت و آشنایی، یا موقعیّت اجتماعی، ملاقات پزشک خارج از نوبت و بدون در نظر گرفتن حقّ دیگران جایز است؟ جواب: باید در غیر موارد ضرورت از این کار پرهیز شود. سؤال ۵۹- چنانچه ملاقات پزشک خارج از نوبت اشکال شرعی داشته باشد، مسئولیّت آن متوجّه کیست؟ پزشک، منشی، یا همه کسانی که در نادیده گرفتن حق دیگران نقش داشته‌اند؟ جواب: تمام کسانی که به این کار کمک کنند مسئولیّت دارند. سؤال ۶۰- در صورتی که پزشکان بتوانند با برنامه ریزی و نوبت قبلی جلوی تلف شدن وقت مردم را در مراجعات به مطب بگیرند، آیا اتلاف وقت مردم جایز است؟ جواب: بهتر آن است برنامه ریزی کنند که وقت مردم تلف نشود. سؤال ۶۱- برخی از پزشکان ادّعا می‌کنند در صورت برنامه ریزی برای جلوگیری از اتلاف وقت مردم، ممکن است در مقاطعی پزشک بدون بیمار بماند. در تعارض بین هدر رفتن وقت مردم، و معطّل شدن احتمالی پزشک، کدام ترجیح دارد؟ جواب: موارد مختلف است؛ گاه مشکل طبیب مهم‌تر است، و گاه مشکل بیمار. احکام پزشکی، ص: ۳۲ سؤال ۶۲- پذیرش خانم‌های بیمار که با حجاب نامناسب و چهره آرایش کرده به مطب مراجعه می‌کنند چه حکمی دارد؟ در صورت جواز، نگاه به صورت آنها به هنگام معاینه چه صورتی دارد؟ جواب: پذیرش و معاینه آنها اشکالی ندارد، ولی امر به معروف و نهی از منکر را نباید فراموش کرد.

۲. هزینه‌های درمان و معاینات

سؤال ۶۳- با توجّه به اینکه حقّ طبابت- همانند حقّ وکالت و مواردی از این قبیل، بر خلاف اجناس که دارای قیمت خاصّی هستند- از لحاظ مادّی، غیر قابل تعیین می‌باشد؛ به نظر حضرت عالی بهترین راه تعیین میزان حقّ طبابت چیست؟ آیا مقداری که دولت تعیین می‌کند در هر شرایطی قابل دریافت است و پزشک مدیون نخواهد بود؟ جواب: آنچه مطابق عرف و عادت است مجاز می‌باشد. سؤال ۶۴- به نظر حضرت‌عالی بهترین روش دریافت حق طبابت کدام است؟ جواب: اگر منظور جنبه شرعی آن است، باید با رضایت طرفین صورت گیرد. و اگر قبلًا تراضی حاصل نشده، آنچه در عرف وعادت اجرة المثل است باید پرداخت گردد و در هر حال رعایت انصاف و عدالت از طرفین بسیار خوب است. سؤال ۶۵- آیا دریافت حقّ طبابت قبل از بهبود بیماری طبق روش مرسوم صحیح است؟ جواب: از جواب قبل معلوم شد. سؤال ۶۶- آیا پزشکان مؤظّف به رعایت نرخ‌های دولتی هستند؟ جواب: آری باید نرخ‌های دولتی را رعایت کنند. سؤال ۶۷- پزشکان و پرستاران که در مقابل خدمات مختلف پزشکی دستمزد احکام پزشکی، ص: ۳۳ می گیرند، آیا اجر و پاداش اخروی نیز دارند؟ جواب: هرگاه نیّتشان خدمت باشد و گرفتن اجر و مزد برای تأمین زندگی صورت گیرد، اجر و پاداش اخروی آنها محفوظ است. سؤال ۶۸- آیا بستری نمودن بیمار جهت انجام شوک برقی (با وجود احتمال عوارض جانبی برای بیمار) به دلیل درآمدزا بودن آن مجاز است؟ جواب: جایز نیست؛ ولی اگر این کار از طرق درمان محسوب شود، و احتمال عوارضی برود و به بیمار گفته شود، و از او اجازه بگیرند مانعی ندارد. سؤال ۶۹- برخی از جرّاحان خارج از تعرفه تعیین شده از بیماران پول دریافت می کنند، و بیمار نیز به ناچار آن را می‌پردازد. آیا این کار مجاز است؟ جواب: در صورتی که طبیب استخدام دولت باشد، در برابر انجام وظیفه خود نمی‌تواند پول اضافی بگیرد، ولی اگر در استخدام نبوده باشد، هر قدر با بیمار توافق کند مانعی ندارد؛ ولی باید عدل و انصاف را رعایت کند. سؤال ۷۰- در صورتی که بیماری به طبیبی مراجعه کند و طبیب برای او نسخه‌ای بنویسد و بیمار مداوا نگردد، و علّت آن عدم پاسخ‌های صحیح بیمار به سؤالات دکتر، یا عدم صرف کافی وقت از سوی طبیب برای سؤالات لازم و معاینه بیمار، یا عمل نکردن دقیق بیمار به دستورات پزشک، یا امور دیگر باشد، آیا طبیب در مقابل هزینه‌ای که بر بیمار تحمیل شده و نتیجه‌ای نگرفته، ضامن است؟ جواب: در صورتی که بی‌دقّتی طبیب، یا نگذاشتن وقتی کافی، یا عدم سؤال کافی، سبب خسارت بیمار شده، طبیب ضامن است. ولی اگر عدم همکاری بیمار سبب این خسارات شده، یا بیماری او طوری بوده که با دقّت و بررسی لازم نتیجه‌ای عاید او نمی‌شده، طبیب ضامن نیست.

۳. تشخیص بیماری

سؤال ۷۱- اگر تشخیص بیماری به درستی صورت گیرد، ولی داروی مؤثّر در دسترس نباشد، و یا بسیار گران باشد، به گونه‌ای که بیمار قادر بر تهیّه آن نباشد، آیا پزشکِ معالج ملزم به تهیّه آن، به هر طریق ممکن می‌باشد؟ جواب: اگر جان بیمار در خطر باشد و طبیب قدرت بر آنچه گفته شد داشته باشد، لازم است. و هرگاه یکی از این دو شرط حاصل نباشد واجب نیست. سؤال ۷۲- اگر پزشک بر اثر فراموشی انواع و علائم بیماریها- به خاطر گستردگی موضوع- بیماری شخص را تشخیص ندهد، در نتیجه اصلًا دارویی تجویز نکند؛ در صورتی که بیماری تشدید و یا منجر به مرگ گردد، این پزشک در چه حدّی مسئول است؟ (در صورتی که امکان ارجاع به متخصّص باشد) جواب: وظیفه‌اش آن است که دخالت نکند و او را به فرد آگاهتری هدایت نماید. سؤال ۷۳- اگر فرصت و امکان آزمایش وجود داشته باشد، امّا به دلایل دیگر (همانند: عدم قدرت بیمار بر پرداخت هزینه‌ها، نبودن امکانات مورد نیاز، نداشتن وقت کافی از ناحیه بیمار، و مانند آن) آزمایشات لازم صورت نگیرد، در این صورت وظیفه پزشک چیست؟ جواب: اگر بدون آزمایش تشخیص بیماری ممکن نیست باید به سراغ آن برود، (مگر اینکه وقت کافی موجود نباشد). و اگر بیماری طبق موازین تشخیص داده شده، و آزمایش برای اطمینان بیشتر است، وجوبی ندارد. سؤال ۷۴- اگر بدانیم یا احتمال دهیم که یک بیمار در اثر بیماری خاصّی (مثل برخی سرطانها) بزودی خواهد مرد، آیا مجازیم فقط برای افزایش طول عمر وی هرچند به

مدّت کوتاه، روشهای درمانی خطرناك وبسیار پر عارضه را، (مثل شیمی درمانی که گاه عواض آن شدیدتر از بیماری اوّلیه است) برای وی تجویز کنیم؟ جواب: در فرض مسأله دلیلی بر وجوب و جواز این گونه درمانها نداریم. ولی احکام پزشکی، ص: ۱۳۵ اگر بیمار خودش با علم به این عوارض راضی بشود مانعی ندارد. سؤال ۷۵- در بعضی از بیماریها، مثل برخی عفونتهای نه چندان مهم، پزشک جهت تسریع بهبودی بیمار، یا اطمینان از اینکه داروی تجویزی وی بسیار قوی است و در مورد خیلی از عفونتها می‌تواند مؤثّر باشد، یا به خاطر اینکه از هزینه درمان بیمار و مراجعات مکرّر وی بکاهد، اقدام به تجویز داروهایی می کند که ضررهای آن کاملًا شدید، و به اثبات رسیده است، و این در حالی است که شاید بتوان از طریق داروهای دیگر، که ضرر بسیار کمتری دارد، ولی ممکن است با عدم اطمینان کامل و هزینه زیادتر همراه باشد بیمار را معالجه نمود. با چنین فرضی، بهترین کار چیست؟ انتخاب راه سریع و پرخطر، یا راه کم خطر و احیاناً دیر اثر؟ جواب: انتخاب راه دوم لازم است. سؤال ۷۶- مطمئنیم که یک بیماری، بیمار را به زودی خواهد کشت. از طرفی می‌دانیم که با یک عمل درمانی، مثل جرّاحی، ممکن است بیمار بهبودی نسبی و احتمالی پیدا کند، یا حتّی زودتر از موعد از دنیا برد، وظیفه ما در چنین حالتی چیست؟ اگر با این کار به تسریع مرگ بیمار کمک کنیم، مدیون نیستیم؟ اگر اقدام به درمان نکنیم مسئول نیستیم؟ با توجّه به اینکه گاهی نتیجه کار کاملًا نامشخّص است. جواب: اگر احتمال بهبودی، احتمال قابل توجّهی است باید اقدام کرد (البتّه با جلب رضایت بیمار). و اگر احتمال ضعیف است و احتمال خطر نیز وجود دارد اقدام نکنید.

۴. احکام مختلف معالجه و درمان

سؤال ۷۷- برخی از بیماران عاقل و بالغ، که نیازمند عمل جرّاحی هستند، به احکام پزشکی، ص: ۳۶ علّت ترس یا هر دلیل دیگری درد و رنج را تحمّل نموده، ولی تن به عمل نمی‌دهند؛ همراهان بیمار نیز حاضر به این کار نیستند. این در حالی است که پزشک می‌داند در صورتی که عمل انجام نشود بیمار به زودی خواهد مُرد، یا دچار عوارضی خواهد شد که تا پایان عمر زمین گیر می‌شود. با این فرض، آیا پزشك می‌تواند دست به عمل جرّاحی بزند؟ اگر علیرغم مخالفت بیمار، کسان وی چنین اجازه‌ای دهند، تکلیف طبیب چیست؟ جواب: در صورتی که جرّاحی سبب طول عمر شود، مریض می‌تواند به خاطر عوارض ناخوشایند جرّاحی، از آن صرف نظر کند؛ ولی اگر بدون جرّاحی، بیمار در معرض مرگ باشد، طبیب یا کسان مریض مجازند اقدام به جرّاحی کنند، هرچند بیمار راضی نباشد. سؤال ۷۸- آیا پزشک معالج موظّف است عوارض یا ضایعات احتمالی ناشی از عمل جرّاحی را برای بیمار تشریح کند؟ جواب: در صورتی که عوارض مهمّی باشد باید به بیمار بگوید، در غیر این صورت لازم نیست. سؤال ۷۹- گاه به هنگام ختنه کردن در اتاق عمل، دست و پای بیمار را می‌بندند، یا در مواجهه با فریاد شدید بچّه او را می‌زنند، یا دهانش را می‌گیرند. در حالی که با عمل بیهوشی به راحتی می‌توان آنها را ختنه نمود. در این موارد چه باید کرد؟ جواب: باید از طریقی که مشکلات آن کمتر است استفاده کرد، و این منوط به تشخیص اهل خبره است. سؤال ۸۰- در صورتی که پزشک بیماری را تشخیص ندهد، آیا با احتمال ضعیف می‌تواند دارو تجویز کند؟ در حالی که با ارجاع به پزشك حاذق‌تر احتمال درمان بیشتر است و از هدر رفتن پول بیمار نیز جلوگیری می گردد؟ جواب: در صورت عدم تشخیص، لازم است او را به دیگری ارجاع دهد. احکام پزشکی، ص: ۳۷ سؤال ۸۱- بیماری که به ناراحتیهای روانی شدیدی دچار است، جهت معالجه به پزشک مراجعه می‌نماید. پزشک احتمال خوب شدن وی را منحصراً در عمل جرّاحی می‌داند، ولی در صورت عمل کردن احتمال می‌دهد حیات مغزی این بیمار از بین رود، و برای همیشه فلج شود، آیا در این صورت طبیب می‌تواند دست به عمل جراحی بزند؟ جواب: اگر وضع بیماری روانی او و همچنین در صد احتمال نجات با جرّاحی در حدّی است که عقلا چنین اقدامی را معقول و منطقی می‌دانند شرعاً اشکالی ندارد. در ضمن باید شخص نامبرده (اگر قدرت تشخیص دارد) یا ولیّ او (در صورت عدم قدرت تشخیص بیمار) با این کار موافقت کند.

۵. نگاه

سؤال ۸۲- گـاه برای انجـام عمـل جرّاحی یـک گروه ده نفره لازم است، که همگی در همه مراحـل آمـاده سازی بیمار، از تعویض لبـاس تـا انجـام امور دیگر حاضـرند، و هم زمـان هرکس کار مربوط به خود را انجام می‌دهـد. آیا تعویض لباس در مقابل دیـدگان گروه جـایز اسـت؟ جـواب: تنهـا در مـورد ضـرورت جـایز اسـت. سـؤال ۸۳- در مراکز بیمارسـتانی، یـا مطب، یـا رادیولـوژی، یا سونوگرافی، که بعضاً بیمار باید بخشی یا همه بدن خود را عریان نماید، رفت و آمد پرسنل امری عادّی است، و معمولًا چشمشان به بدن نامحرم می‌افتد. آیا این رفت و آمدها، که گاه ضـروری و گاه ربطی به بیمار ندارد، جایز است؟ جواب: جز در موارد ضـرورت جـایز نیست. سؤال ۸۴- بیمـار در مواردی، برای رادیولوژی، بایـد عریـان شود. این کار، گاه در مقابل غیر هم جنس اتّفاق می‌افتـد، مثل موارد اورژانسـی که هم جنس حضور احکام پزشکی، ص: ۳۸ ندارد، در این شـرایط نگاه به بدن نامحرم چگونه است؟ جواب: تا ضرورت قطعی نباشد نگاه کردن جایز نیست. سؤال ۸۵- در مواردی که رادیولوژی یا سونوگرافی شلوغ است، اگر متصدّیان برای انجام خـدمات منتظر پوشیدن لباس نفر قبلی باشـند متضـرّر می‌شونـد، لـذا قبل از اینکه فردی کاملًا لباس بپوشـد. نفر بعد باید آماده شود. در این مواقع مشتریان چشـمشان به بـدن یا موی نامحرم می‌افتـد؛ چنین وضـعیّتی از نظر شـرعی چه حکمی دارد؟ آیا متصدّیان باید ضـرر را متقبّل شوند، تا گناه برای دیگران اتّفاق نیافتد؟ جواب: برای حفظ ارزشهای اسلامی گاه باید ضررهایی را متحمّل شد. سؤال ۸۶- بیهوش سـاختن بیمـار و کنترل علایـم حیاتی وی در اتاق عمل، معمولًا توسّط پرسـنل مرد انجام می‌گیرد، و تا پایان عمل جرّاحی آنچه در معرض دیـد پزشک جرّاح است، معمولًا در معرض دیـد پرسـنل اتاق عمل و گروه بیهوشـی نیز هست. آیا مشاهـده بـدن بیمار غیر هم جنس توسّط این افراد جایز است؟ جواب: در صورت ضـرورت اشـکال نـدارد. سؤال ۸۷- بـا توجّه به اینکه برای بیمـار بیهوش امکان پوشانیـدن بـدن وجود نـدارد، آیا افراد دیگر، اعمّ از پزشک، پرسـنل بیهوشـی، جرّاح، تکنسین‌های اتاق عمل، کارمنـدان عادّی بیمارسـتان، مکلّف به پوشانیـدن بـدن او از نامحرم هسـتند؟ جواب: تا آنجا که می‌تواننـد و امکان دارد باید بدن را بپوشانند. سؤال ۸۸- پزشـکان زن برای معـالجه خانم‌های بیمار به عورت آنها نگاه می‌کننـد، این عمل چه حکمی دارد؟ جواب: این کار تنها در صورت ضرورت و به مقدار ضرورت جایز است. سؤال ۸۹- فلسفه حرمت نگاه به عورت، جلوگیری از مفاسد اجتماعی عنوان احکام پزشـکی، ص: ۳۹ شـده است. آیـا جنبه غیر اخلاقی این کار، و عـدم ورود به حریم خصوصـی افراد، نیز نقشـی در این تحریم دارد؟ جواب: آری این جنبه نیز مؤثّر است.

۶. لمس

سؤال ۹۰- تزریـق آمپـول به جنس مخـالف چه حکمی دارد؟ جـواب: در غیر صورت ضـرورت جـایز نیست. سؤال ۹۱- بسیاری از احکام شـرع در مسائل پزشـکی مشـروط به عـدم لمس و نظر جنس مخالف شـده است، آیا منظور از لمس، لمس مستقیم پوست یا بدن بیمار است، یا در صورتی که دست پزشك با پوششهایی نظیر دستکش طبّی پوشیده باشد، نیز اشکال دارد؟ جواب: در صورتی که بـدن مسـتقیماً تماس پیـدا نکنـد، برای نیازهای پزشـکی اشـکالی ندارد. سؤال ۹۲- لمس بـدن بیمـار با دسـتکش پلاستیکی چه حکمی دارد؟ جواب: اگر مفاسـدی بر آن مترتّب نشود اشـکالی نـدارد. سؤال ۹۳- برای معاینه کلیه‌ها لمس مسـتقیم ضروری است، ولی از روی لباس نازك و بـدون نگاه هم بیماری قابل تشـخیص است. آیا در این صورت لمس و نگاه بدون پوشـش، یا با پوشـش جـایز است؟ جواب: بـا پوشـش مـانعی نـدارد. سؤال ۹۴- هرگـاه گرفتـن نبض و فشـار خـون به راحـتی از روی پـارچه یـا دسـتکش امکان‌پـذیر باشـد، آیـا برهنه کردن جایز است؟ جواب: در فرض مسأله حرام است. سؤال ۹۵- نگاه و لمس در اتاق عمل، به نـدرت شهوانی، بلکه امری کاملًا احکام پزشـکی، ص: ۴۰ عادی است. آیا عادی شـدن، حکم شـرعی را تغییر می‌دهد؟ جواب: عادی شدن

حکم شرع را تغییر نمی‌دهد؛ ولی این کار به مقدار ضرورت جایز است. سؤال ۹۶- آیا لمس و نظر باطن بدن نامحرم، اعم از ریه‌ها، نای، مری، قلب، معده، روده، مثانه و رحم، حکم ظاهر را دارد؟ جواب: لمس و نظر به باطن حکم ظاهر را ندارد؛ ولی بهتر آن است تنها به موارد ضرورت قناعت شود. سؤال ۹۷- آیا حکم لمس و مشاهده فرد بیهوش و باهوش، زنده و مرده، مسلمان و کافر متفاوت است؟ جواب: همه اینها در حال ضرورت جایز است. سؤال ۹۸- خانمی نمی‌دانسته گذاشتن دستگاه درون رحمی اگر مستلزم نظر و لمس حرام باشد جایز نیست، لذا این کار را انجام داده است. با توجّه به اینکه اگر آن را خارج نکند مجبور است هرچند وقت یک بار برای معاینه نزد دکتر برود، و این مستلزم نظر و لمس حرام است. آیا باید آن را بیرون آورد؟ جواب: مادام که بیرون آوردن آن لازم نباشد، می‌تواند آن را به حال خود باقی بگذارد، و بعد به عنوان ضرورت آن را خارج نماید. سؤال ۹۹- با توجه به اینکه ختنه کردن افراد بالغ، بدون مشاهده و لمس امکان ندارد، حکم آن چیست؟ جواب: از بابت ضرورت جایز است. سؤال ۱۰۰- در بسیاری از موارد در اتاق عمل، یا غیر اتاق عمل، نیاز به وصل سوند (لوله مخصوص تخلیه ادرار) است، و این کار بدون نگاه و لمس آلت تناسلی امکان‌پذیر نیست. آیا نگاه و لمس برای این کار جایز است؟ جواب: آری در موارد ضرورت جایز است. احکام پزشکی، ص: ۴۱ سؤال ۱۰۱- در معاینات مربوط به مثانه، باید آلت تناسلی شستشو و ضدّ عفونی شود، و وضع مثانه با وارد ساختن دستگاهی به داخل آن، مشاهده گردد. آیا این کار توسّط پرسنل اتاق عمل (هم جنس، یا غیر همجنس) جایز است؟ جواب: تنها در صورت ضرورت جایز است. سؤال ۱۰۲- مشاغلی چون دندان پزشکی، زایمان، جرّاحی و مانند آن مستلزم نظر و لمس بدن بیمار است. حکم شرعی آن چیست؟ آیا تفاوتی بین صورت ضرورت و غیر آن هست؟ معیار ضرورت چیست؟ جواب: این گونه امور فقط در صورت ضرورت جایز است، و معیار ضرورت تشخیص عرف عام و صالح است. سؤال ۱۰۳- در سازمانهای نظامی کشور و برخی دیگر از سازمانهای دولتی، برای استخدام نیروی جدید، ابتدا بایستی متقاضی را از هر جهت معاینه کامل بدنی نمایند، تا از سلامت جسمی وی اطمینان حاصل شود. در این آزمایشات تمامی اعضای بدن از جمله دستگاه تناسلی مورد معاینه قرار می‌گیرد. آیا پزشک همجنس اجازه دیدن و لمس آن قسمت از بدن را جهت معاینه و احراز سلامتی دارد؟ جواب: در مواردی که ضرورت دارد مجاز است. و منظور از ضرورت این است که معاینه بدنی برای آن کار لازم است، و بدون معاینه بدنی استخدام نمی‌کنند، و شخص هم نیاز به استخدام دارد.

۷. خلوت با اجنبیّه

سؤال ۱۰۴- در بسیاری از موارد مجبور هستم در اطاق ویزیت برای چند دقیقه با بیمار غیر همجنس تنها باشم، تا به راحتی مشکلات خود را بیان کند. آیا این کار خلوت با اجنبیّه محسوب شده و حرام است؟ جواب: چنانچه درب اطاق قفل نباشد، خلوت با اجنبیّه صدق نمی‌کند. احکام پزشکی، ص: ۴۲ سؤال ۱۰۵- در پاره‌ای از اوقات جز من و منشی‌ام کس دیگری در مطب نیست. آیا می‌توانم او را عقد موقّت کنم، تا مرتکب گناه خلوت با اجنبیّه نشوم؟ جواب: با رعایت شرایط شرعیّه- از جمله اینکه در صورت باکره بودن با رضایت پدر دختر باشد- اشکالی ندارد. در ضمن توجّه داشته باشید که این امر عوارض و آثار نامطلوب جنبی نداشته باشد. البتّه در صورتی که درِ مطب از داخل قفل نباشد و هرکس بتواند وارد شود، خلوت با اجنبیّه صدق نمی‌کند.

۸. انواع درمان

الف) روان درمانی سؤال ۱۰۶- آیا بستری کردن بیمار روانی، با توجّه به اینکه هنوز امکان روان درمانی مناسب وجود ندارد، و بخش روانی گاه همچون یک زندان جهت تجویز داروهای خواب آور و خواب کردن بیشتر بیماران مورد استفاده قرار می‌گیرد، جایز است؟ جواب: در صورتی که راه درمان، یا راه پیشگیری از مزاحمت‌ها، منحصر به آن باشد مانعی ندارد. سؤال ۱۰۷- تعدادی

از مبتلایـان به بیماریهـای روانی به علّت انجام کارهای خلاف اخلاق اجتماعی، یا منافی عفّت، به آن گرفتار شده‌انـد. روان پزشـک باید جهت درمان، یا دادن مشاوره، از آنها اطّلاعاتی کسب کند. آیا تجسّس در چنین مواردی برای پزشکان جایز است؟ در صورتی که بخشـی از تجسّـس به دلیل حسّ کنجکاوی خود پزشک بوده، و نقش آن جهت درمان ضـعیف باشد، چه حکمی دارد؟ جواب: تجسّـس‌های روان درمانی، که برای درمان ضـروری به نظر برسد، جایز است. احکام پزشـکی، ص: ۴۳ سؤال ۱۰۸- افشای برخی از اسـرار بیمـاران روانی ممکن است بـاعث جلوگیری از جرمهـای قـانونی شود. آیـا انتقـال چنین اطّلاعـاتی به نیروهای امنیّتی جایز، یا واجب است؟ بـا توجّه به اینکه در صورت افشـا، اعتمـاد مردم از آنها سـلب می‌شود. جواب: در صورتی که بتواننـد به عنوان نهی از منکر اطّلاعات کلّی را برساننـد، بی آنکه نام اشخاصـی فاش شود مانعی ندارد، بلکه گاهی واجب است. سؤال ۱۰۹- افشای بسیاری از اسـرار بیمـاران، ممکن است موجب کـاهش فسـاد یا فحشا گردد. آیا روان پزشک مجاز به افشای آن، و دادن اطّلاعات به نیروی انتظـامی می‌باشـد. جواب: ماننـد جواب سـابق است. سؤال ۱۱۰- در بعضـی از تیمارسـتان‌ها گـاهی اوقـات برای آرام کردن بیماران روانیِ شدیـد، آنـان را کتک می‌زننـد. آیا گناهی متوجّه پرستاران می‌باشـد؟ جواب: در صورتی که راهی برای آرام کردن جز این کار نباشد، ضامن نیستند. ب) جرّاحی زیباسازی سؤال ۱۱۱- نظر شما در مورد عمل جرّاحی زیباسازی چیست؟ قابل توجّه اینکه این عملیّات گـاه برای از بین بردن زشتی مـادرزادی، و گـاه برای از بین بردن زشتی حاصل از زخمها و جراحاتی است که بعـداً عارض می‌شـود، و گـاه برای از بین بردن زشـتی نیست، بلکه برای زیبـاتر شـدن است. حکم هر یـک از صـور سه گـانه چیست؟ جواب: در صورتی که آمیخته با حرام دیگری نباشـد در هیچ صورت اشـکال ندارد، و چنانچه مستلزم حرامی باشد (مانند نظر و لمس نامحرم) تنها در صورت ضـرورت، مجاز است. احکام پزشکی، ص: ۴۴ ج) حجـامت سؤال ۱۱۲- اینجانب از علاقه‌مندان به طبّ اسـلامی و سنّتی می‌باشم. نیازی به توضـیح نیست که جوامع روائی ما سـرشار از توصـیه‌های حکیمانه در زمینه مسائل بهداشتی و درمانی است (برای مثـال توصـیه‌های عدیـده و مؤکّـدی در بـاب حجـامت وجود دارد) که عمل و تمسّک به این گنجینه گرانبها، گذشـته از اجر اخروی، می‌تواند منشاء خیر و برکت برای جامعه اسـلامی و مسـلمانان، بلکه تمام بشریّت گردد؛ زیرا نظر به هزینه‌های گزاف درمان به شـیوه امروزی، و در بعضی اوقات تبعات منفی پزشکی کنونی که ناشی از وارداتی بودن صِرف این شیوه است، عمل به دستورات دین مبین اسـلام به دلیـل همـاهنگی آن بـا روح و جـان انسـان علیرغم سـادگی این فرامین در مرحله اجرا، می‌توانـد ضامن سـلامت روحی و جسـمی جامعه، و در بعـد سیاسـی، اجتماعی موجب اسـتقلال و بی‌نیازی مملکت اسـلامی گردد. از سوی دیگر، در مجامع علمی امروز، اثبـات این مـدّعا منوط به داشـتن پشـتوانه محکم تحقیقـاتی و بررسـی آمـاری منطبق بـا شـیوه‌های پژوهشـی اسـتاندارد می‌باشـد. لـذا بـا توجّه به موارد فوق الـذّکر خواهشـمند است نظر خود را در مورد مسائـل ذیـل بیـان فرماییـد: الف) انجـام تحقیق و پژوهش پیرامون حجامت و فصد (و سایر موضوعات پزشـکی مشابه که در روایات آمده) مطابق با استانداردهای علمی بین المللی و بررسـی آماری نتایج حاصل از آن از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ جواب: این‌گونه پژوهش‌ها بسیار خوب و موجب سربلندی اسلام و مسـلمین است؛ ولی باید موازین شرعی در مورد عوارض جانبی آن رعایت شود. ب) با توجّه به اثرات مثبت ناشی از به کارگیری توصـیه‌های بهداشتی و احکام پزشکی، ص: ۴۵ درمانی دین مبین اسـلام، و نیز اثری که می‌توانـد در خودکفایی و قطع وابسـتگی از بیگانگان داشته باشد، به نظر حضرت عالی ضرورت تحقیق پیرامون این موضوعات به منظور کاربردی کردن آنها در سطح جامعه تا چه حـدّی است؟ جـواب: بی شـک انجـام این کـار مفیـد و سودمنـد، بلکه در بعضـی از مـوارد لازم و ضـروری است. سؤال ۱۱۳- حجامت از نظر شـرعی چه حکمی دارد؟ جواب: طبق روایات متواتره مستحب است؛ مگر نسـبت به اشخاصـی که برای آنها ضرری داشته باشد. سؤال ۱۱۴- آیا اهدای خون در عصر و زمان ما کفایت از حجامت می‌کند و آثار و ثوابهای آن را دارد؟ جواب: هرگاه به نیّت خـدمت به بنـدگان خـدا باشـد ان شـاء اللّه ثواب آن را دارد، ولی ممکن است آثـار آن را نداشـته باشـد. د) هیپنوتیزم سؤال ۱۱۵- آیا هیپنوتیزم از نظر اسـلام مشروع است؟ جواب: برای مقاصد طبّی و مانند آن مشروع است، مشروط بر اینکه تجربه و آگاهی

کافی داشته باشد، و آثار منفی و خلاف شرعی بر آن مترتب نگردد. ولی برای کشف امور پنهانی، یا اطّلاع از گذشته و آینده و حال جایز نیست. ه) درمان با امور حرام سؤال ۱۱۶- تجویز موسیقی برای بیمارانی که مبتلا به افسردگی هستند چه حکمی دارد؟ جواب: اگر راه درمان آنها منحصر به شنیدن موسیقی باشد، به مقدار ضرورت مانعی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۴۶ سؤال ۱۱۷- توصیه بیماران به استفاده از موادّ مخدر به عنوان درمان بیماری چه حکمی دارد؟ جواب: این کار جایز نیست، مگر به مقدار ضرورت؛ آن هم در جایی که هیچ راه دیگری وجود نداشته باشد. سؤال ۱۱۸- آیا پزشکان می‌توانند برای تقویت اسپرم، خوردن اشیای نجس یا حرام (مثل دنبلان) را تجویز کنند؟ جواب: در صورتی که داروی منحصر به فرد باشد و جایگزینی نداشته باشد اشکالی ندارد. و) درمان با گیاهان دارویی سؤال ۱۱۹- آیا بیان تأثیر خواص داروهای گیاهی جهت معالجه امراض و بیماریها براساس روایات و فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام و همچنین سایر کتب داروهای گیاهی مانند طب الرضا علیه السلام، طب الصادق علیه السلام و نسخه عطّار و مانند آن جایز است؟ جواب: در صورتی که بگوید: «در فلان کتاب چنین نوشته شده است» جایز است. سؤال ۱۲۰- در موارد نادری دیده می‌شود که برخی از جوانان متدیّن که تحصیلات پزشکی خود را با موفّقیت پشت سر گذاشته‌اند از معالجه و درمان براساس طب جدید خودداری نموده، و به روش طبّ سنّتی و گیاهی عمل می‌کنند. آیا این روش درمان برای چنین کسانی که با استفاده از بودجه بیت المال تحصیل کرده‌اند جایز است؟ جواب: هرگاه روش طبّ قدیم را به صورت کلاسیک و به شکل علمی و تجربی خوانده و آموخته باشند مانعی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۴۷ سؤال ۱۲۱- متأسّفانه در مورد طبّ جدید و طبّ سنّتی و درمان با گیاهان دارویی افراط و تفریطهایی مشاهده می‌شود. لطفاً جایگاه هر کدام را از نظر شرع مقدّس بیان فرمائید. جواب: در صورتی که هر دو به صورت علمی دنبال شود هرکدام در حدّ خود مفید و کارساز است. احکام پزشکی، ص: ۴۹

۴ تحقیقات پزشکی و تبعات آن

اشاره

سؤال ۱۲۲- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون آزمایش و پژوهش روی افراد پاسخ دهید: الف) آیا می‌توان از انسانها برای آزمایش داروها استفاده کرد؟ برای مثال معمول است که در آزمایش داروها از گروه شاهد (گروه سالم) استفاده می‌کنند، و برخی می‌گویند: اگر اثر داروی مورد مطالعه مشخّص نباشد می‌توان گروه شاهد را انتخاب کرد، ولی در مواردی که اثر درمانی داروی مورد مطالعه حتمی است، یا عدم تجویز آن سبب خطراتی می‌شود تعیین گروه شاهد صحیح نیست. نظر شما چیست؟ ب) آیا از نظر اخلاقی تجویز دارونما اشکالی ندارد؟ برخی می‌گویند استفاده از داروی کاملًا بی اثر (Placebo) اشکال دارد، و در مقایسه یک دارو باید آن را با داروی قدیمی مقایسه کرد؛ ولی اگر داروی قدیمی موجود نباشد، می‌توان از دارونما استفاده کرد. البتّه دارونمایِ کاملًا بی اثر «مثل تزریق مایع نمکی داخل رگ به جای دارو» باید به اطّلاع و موافقت بیمار باشد. آیا بیماران چنین مسأله‌ای را می‌پذیرند؟ بیماری که به بیمارستان مراجعه می‌کند برای درمان است نه برای آزمایش، و پیدا شدن افراد داوطلب که بیمار هم باشند احکام پزشکی، ص: ۵۰ مشکل است. پس راه حل چیست؟ آیا می‌توان بدون اطّلاع بیمار به او دارونما داد؟ ج) آیا استفاده از کفّار، اسرا و محکومین به مرگ، برای آزمایش و پژوهش مجاز است؟ این روش را هیتلر روی یهودیها، و آمریکائیها روی سیاه‌پوستان انجام می‌دادند. جواب: استفاده از داروهایی که خطر مرگ یا بیماریهای مختلف دارد جایز نیست، مخصوصاً با عدم اطّلاع بیمار. و استفاده از داروهای بی اثر اگر جنبه درمانی، هرچند از طریق تلقین داشته باشد، در فرض نبودن داروهای واقعی مانعی ندارد. سؤال ۱۲۳- آیا برای انجام تحقیقات پزشکی، ضرر رساندن به حیوانات یا گیاهان جایز است؟ جواب: در مورد گیاهان

اشکالی ندارد. و در مورد حیوانات، هرگاه تحقیقات برای منظور مهمّی باشد جایز است. سؤال ۱۲۴- در عالم پزشکی متداول شده که روی ژنهای «۱» درون سلولهای بدن انسان و غیر انسان اقداماتی انجام می‌دهند که گفته می‌شود موجب پیدایش تغییراتی در ساختمان روانی انسان‌ها و یا تغییرات جسمی انسانها و غیر انسان‌ها می گردد، بفرمایید: ۱. آیا نفس این عمل (دست‌کاری کردن ژنها) جایز است؟ ۲. در صورتی که این اقدام به منظور درمان صورت نگیرد، ولی در جهت دستیابی به برتریهای جسمی یا روانی، و پیشرفت علم پزشکی بوده باشد، آیا می‌توان چنین اقدامی انجام داد؟ ۳. اگر اقدام فوق روی نطفه یا جنین انجام شود، حکم چگونه خواهد بود؟ جواب: ۱. هرگاه این تغییرات مثبت باشد اشکالی ندارد. ۲. اگر مثبت باشد اشکالی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۵۱ ۳. مانند مسأله سابق است. سؤال ۱۲۵- معمولًا برای کسب اطّلاعات بیشتر پزشکی در جهت تشخیص امراض و درمان آن روی انسانها، آزمایشهای طبّی گوناگونی که گاه خطرناک هم هست انجام می‌دهند، در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید: ۱. اگر بیمار یقین داشته که چنانچه خود را در معرض چنین آزمایشاتی قرار دهد به استقبال خطرات جانی برای خود رفته است، ولی از طرفی هم به پیشرفت علم پزشکی و به معالجه و مداوای جامعه مسلمانان در آینده کمک نموده است. آیا قرار گرفتن در معرض چنین آزمایشاتی جایز است؟ ۲. اگر ضرر جانی محتمل، ولی کمک به علم پزشکی فوق الذّکر قطعی باشد، آیا در این صورت بیمار می‌تواند خود را در معرض آزمایش قرار دهد؟ ۳. اگر هیچ گونه علمی به ضرر جانی برای خود نداشته باشد، و فایده آزمایش هم برای کمک فوق الذکر محتمل باشد، چه حکمی دارد؟ ۴. اگر فایده آزمایشات فوق الذکر به سود تمامی افراد بشر باشد، در معرض قرار دادن در صورت علم به ضرر، یا احتمال ضرر، یا عدم علم به ضرر چه حکمی خواهد داشت؟ ۵. در صورتی که آزمایشات مورد بحث برای اهداف فوق الذکر هیچ گونه ضرری برای انسان بیمار نداشته باشد، آیا طبیب بدون اطّلاع و کسب اجازه از بیمار می‌تواند چنین اقدامی نماید؟ ۶. چنانچه در صورت ضرورت انجام چنین آزمایشاتی جایز باشد، منظور از ضرورت چیست؟ جواب: ۱. جایز نیست. ۲. اگر احتمال آن قوی باشد مشکل است. ۳. اشکالی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۵۲ ۴. تنها در صورتی که ضرر ضعیف باشد می‌تواند اقدام کند. ۵. اگر آزمایشها، جزئی از معالجه بیمار یا مقدّمه درمان او باشد مانعی ندارد؛ در غیر این صورت نیاز به اجازه دارد. ۶. در صورتی که نجات جان مسلمانان بستگی به آزمایش روی این شخص داشته باشد، و این شخص راضی باشد اشکالی ندارد. سؤال ۱۲۶- اگر آزمایشات فوق روی حیوانات انجام شود که در پایان آنها از بین خواهند رفت، بفرمایید صرف نظر از ضمان، آیا چنین کاری برای پیشرفت کارهای پزشکی جایز است؟ جواب: مانعی ندارد. سؤال ۱۲۷- با توجّه به اینکه گروههای بسیار زیادی در جهان مشغول تحقیق هستند، و نتایج کار خود را دائماً اعلام می‌نمایند. و از طرفی ممکن است اعضای این گروهها برخی از لحاظ علمی، برخی از لحاظ اخلاقی و صداقت، و برخی از هر دو جهت، کاملًا مورد تأیید نباشند. به عبارت دیگر، هیچ تضمینی نیست که نتیجه اعلام شده تحقیق با واقعیّات کاملًا منطبق باشد، و از طرف دیگر هیچ مرجع واحدی در مورد تأیید یا ردّ تحقیقات وجود ندارد، و اگر هم موجود باشد مدّت زیادی طول می کشد که نتیجه صحیح کار ارائه شود، در چنین شرایطی اگر نتیجه تحقیقاتی که در رسانه‌ها و مجلّات حتّی معتبر اعلام شود با روشهای قبلی ما که به فایده کامل و قطعی آنها اطمینان نداریم مغایر باشد و یا مکمّل آنها باشد، در این صورت وظیفه ما چیست؟ جواب: باید طبیب بررسی لازم را به عمل آورد، و با اطبّای دیگر در صورت امکان مشورت کند و آن روشی که بهتر به نظر می‌رسد برگزینند. سؤال ۱۲۸- با توجه به اینکه اگر بخواهیم طبابت پزشک را، با توجّه به مشکلات فوق و در صورت مواجهه با این مشکلات، تنها در صورتی مجاز احکام پزشکی، ص: ۵۳ بدانیم که وی در این زمینه‌ها دارای تخصّص و تجربه کافی باشد، عملًا مسائل درمان با اختلال کامل روبه‌رو خواهد شد، زیرا: اوّلًا: هر پزشکی تا رسیدن به این تخصّص و تجربه کافی باید همان مراحل اولیّه را طی کند؛ که همان دوران بدون تجربه و تخصّص است. ثانیاً: به علّت جمعیّت زیاد، امکانات کم، فرصت‌های ناکافی، و دهها علل دیگر- حدّاقل در کشور ایران- نمی‌توان انتظار داشت پزشکانی که از ابتدا کاملًا مسلّط باشند به طبابت بپردازند. با توجّه به مقدمه فوق و موضوعات مطرح شده در کلیّه

سؤالهای فوق، مسائل مهمّی مطرح می‌شود که: الف) در مواردی که پزشک داروی مؤثّر بیماری، یا عوارض خطرناک آن را فراموش نموده، و فرصت و امکانات کافی جهت دسترسی به اطّلاعات کافی یا پزشک متخصّص دیگری نیز ندارد. ب) مطمئن است که داروی خاصّی برای بیماری مفید است، و از سوی دیگر نیز مطمئن است، یا احتمال می‌دهد که در صورت تجویز آن دارو عوارضی خفیف، یا شدیدتر از خود بیماری، و حتّی مرگ، گریبانگیر این بیمار خواهد شد- البتّه موارد الف و ب شامل مسائل تشخیصی نیز می‌باشد- آیا پزشک در این حالات می‌تواند مریض را به حال خود بگذارد، و چنین فرض کند که گویا پزشکی موجود نبوده، و قضا و قدر الهی هرچه باشد بر او جاری خواهد شد، و بدین ترتیب خود را در معرض خطر مؤاخذه مادّی و معنوی حاصل از عوارض احتمالی و هزینه‌های نابجای آن قرار ندهد، و کار وی را به خداوند واگذارد، که یا خود بهبودی نسبی یابد، و فرصت تحقیقات بعدی فراهم گردد، و یا به تدریج دچار عوارض شدید و مرگ گردد؟ اصولًا در چنین مواردی که پزشک واقعاً نمی‌داند که برای نجات جان یا احکام پزشکی، ص: ۵۴ تسکین آلام یک بیمار چه کاری انجام دهد وظیفه او چیست؟ درمانهای بدون اطمینان و غیر قابل اطمینان که ممکن است باعث مرگ یا عوارض شدیدتر شود؟ یا عدم هرگونه اقدام درمانی؟ اگر پزشک با اقدام به درمان نامطمئن موجب خسارت و مرگ مریض گردد آیا مسئول است؟ اگر اقدام به هیچ درمانی نکند با توجّه به علل و توضیحات فوق، مسئولیّتی متوجّه او نخواهد بود؟ این موضوع با توجّه به این نکته باید در نظر گرفته شود که گاه فرصت هیچ مشورت و ارجاع بیمار به پزشکان متخصّص و آگاه دیگری وجود ندارد. در خاتمه جهت روشن شدن موضوع، مثالی ذکر می‌شود: گاهی پزشکی که دارای تجربه کافی نیست با بیماری در حالت بیهوشی مواجه می‌شود که نمی‌داند (به طور مثال) این بیمار در اثر کمبود قند، دچار بیهوشی شده یا بر اثر بالا بودن قند؟ و در این حالت طبیعی است که درمان کاملًا متناقض است، و باعث اشتباه پزشک می‌شود. وظیفه چیست؟ جواب: این مسأله چند حالت دارد: ۱. چنانچه خطرِ قطعی یا ظنّی بیمار را تهدید نمی‌کند و معالجه نیز نامطمئن است در این صورت اقدام به معالجه نشود. ۲. در صورتی که معالجه از نظر عرف پزشکی قابل قبول است، هرچند احتمال عوارض وجود دارد، در این مورد پزشک می‌تواند اقدام کند، مخصوصاً اگر خطری بیمار را تهدید کند. ۳. در صورتی که خطر حتمی، و معالجه نامطمئن است، ولی درصد نجات وجود دارد، و امکان مراجعه به متخصّص نیز وجود ندارد، در اینجا می‌تواند، با رعایت آنچه در جواب سؤال ۴۲۲. گفته خواهد شد، اقدام کند.

شبیه‌سازی

سؤال ۱۲۹- شبیه‌سازی تحت چه شرایطی جایز می‌باشد؟ توضیح اینکه دانشمندان از طریق موادّی از پوست خود زن باعث ایجاد جنینی در او می‌شوند، که این جنین از هر جهت شبیه به خود او می‌باشد. این کار برای اوّلین بار در انگلستان نسبت به گوسفند انجام شده است، آیا این عمل جایز است؟ جواب: این عمل از نظر شرعی خالی از اشکال نیست، و مفاسد زیادی بر آن مترتّب می‌شود، به همین جهت حتّی افرادی که پایبند به دین و شریعتی نیستند به خاطر مفاسد اجتماعی آن به مخالفت با آن پرداخته‌اند. سؤال ۱۳۰- با توجّه به پیشرفت علم پزشکی و ژنتیک، و موفقیّت انسان در تولید غیرجنسی گوسفند، موش و مانند آن، و قابلیّت اجرای این عمل در تولید غیر جنسی انسان و ترمیم اعضا، لطفاً بفرمایید: الف) آیا انجام چنین عملی (تولید انسان کامل از طریق شبیه سازی) شرعاً صحیح است؟ جواب: همان گونه که قبلًا اشاره کرده‌ایم این کار ممکن است ذاتاً اشکالی نداشته باشد؛ ولی با توجّه به عوارض نامطلوب فراوان اجتماعی و اخلاقی که بر آن مترتّب می‌شود، شرعاً مجاز نیست؛ بعلاوه، اگر مستلزم نظر و لمس حرام به هنگام کشت سلّول مشابه در رحم انسان گردد، از این نظر اشکال دیگری متوجّه آن می‌شود. ب) آیا ساخت اعضا و پیوند آن به انسان، شرعاً صحیح است؟ جواب: اشکالی ندارد، مشروط بر اینکه مستلزم کار حرام خاصّی نبوده باشد. ج) با فرض اجرای چنین عملی در خارج از ممالک اسلامی و پیدایش چنین موجودی، آیا این موجود می‌تواند به دین اسلام مشرّف شود؟ جواب:

تشرّف چنین انسانی به دین اسلام بی‌مانع است. د) آیا می‌توان با چنین موجودی معاشرت و معامله کرد؟ احکام پزشکی، ص: ۵۶ جواب: اشکالی ندارد؛ انسانی است همانند سایر انسانها. ه) ازدواج با چنین موجودی چه حکمی دارد؟ جواب: ازدواج و نکاح او با هرکس جز محارم، یعنی کسی که سلّول از او گرفته شده، یا در رحم او پیوند زده شده، بی مانع است. و) آیا می‌توان از چنین انسانی ارث برد؟ جواب: چنین موجودی از کسی ارث نمی‌برد؛ همانند فرزندان رضاعی که محرم هستند، و ارث نمی‌برند. ز) آیا او می‌تواند ازدواج کند؟ جواب: آری، از این نظر فرقی با سایر انسانها ندارد. سؤال ۱۳۱- ممکن است با فن آوری شبیه سازی چند نفر نسخه بدل یک اصل باشند. در صورتی که جرمی واقع شود، و از طریق اثر انگشت، یا دیگر آثار جسمی، یا علم قاضی، اثبات شود یکی از این افراد (اصل و فروع) مرتکب جرمی شده‌اند، کدام نسخه محاکمه و مجازات خواهد شد؟ جواب: دیه در میان آنها تقسیم می‌شود. احکام پزشکی، ص: ۵۷

۵ دندان پزشکی

اشاره

سؤال ۱۳۲- آیا برای مسّ دندان جدا شده، غسل مسّ میّت لازم است؟ اگر همراه دندان مقداری گوشت لثه نیز باشد چطور؟ آیا مقدار گوشت لثه همراه دندان (کم یا زیاد آن) تأثیری در حکم دارد؟ جواب: در هر حال غسل ندارد. سؤال ۱۳۳- در جرّاحی‌های فکّ و صورت، مقداری گوشت و استخوان به صورت ریز و پودر شده، به دست و صورت دندان پزشک می‌پاشد. آیا این مطلب باعث وجوب غسل مسّ میت می‌شود؟ جواب: غسل مسّ میّت ندارد. سؤال ۱۳۴- آیا دندان پزشک مجاز به نصب دندان طلا برای مردان می‌باشد؟ جواب: جز در موارد ضرورت و یا در جایی از دهان که در موقع سخن گفتن نمایان نمی‌شود مجاز نیست. سؤال ۱۳۵- آیا دندان پزشک می‌تواند مبلغ و زمان درمان را با بیمار مشخّص کند؟ اگر این مقاطعه بر خلاف تعرفه‌های وزارت بهداشت باشد، چگونه است؟ جواب: مقاطعه با روشن شدن شرایط اشکالی ندارد؛ ولی تخلّف از مقرّرات جمهوری اسلامی مجاز نیست. احکام پزشکی، ص: ۵۸ سؤال ۱۳۶- آیا دندان پزشک می‌تواند برای درمان افراد غیر عادّی (افراد حسّاس، بچّه‌ها و مانند آن) با توجّه به وقت بیشتری که صرف درمان می‌کند، مبلغ زیادتری مطالبه نماید؟ جواب: اگر واقعاً وضع بیمار غیر عادّی است، قرار داد مخصوص مانعی ندارد؛ ولی در هر حال انصاف را رعایت کند. سؤال ۱۳۷- تحویل دارو در مطب طبق مقرّرات ممنوع می‌باشد، آیا دندان پزشک می‌تواند با توجّه به اینکه تهیّه دارو برای بیمار باعث عسر و حرج می‌گردد، دارو تجویز و تحویل نماید؟ جواب: در موارد ضرورت مانعی ندارد.

ضمان دندان پزشک

سؤال ۱۳۸- آیا دندان پزشک می‌تواند قبل از شروع به کار، به بیمار یا ولیّ او اعلان کند که نسبت به ضررهای احتمالی مسئولیّتی نمی‌پذیرد؟ در صورت موافقت بیمار یا ولیّ صغیر، اگر بیمار صدمه‌ای ببیند، آیا پزشک ضامن خواهد بود؟ جواب: هرگاه قبلًا برائت خود را اعلام دارد، و در کار خود کوتاهی نکند، ضامن نیست. سؤال ۱۳۹- برخی از ابزار دندان پزشکی بدون استریل یا ضدّ عفونی، به صورت مشترک برای بیماران متعدّد مورد استفاده قرار می‌گیرد، و ممکن است بیماریها از این طریق منتقل گردد. آیا چنین کاری جایز، و در صورت انتقال بیماری پزشک گنهکار و ضامن است؟ جواب: در صورتی که احتمال انتقال، احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد، این کار جایز نیست. و ضامن بودن پزشک بعید به نظر نمی‌رسد. احکام پزشکی، ص: ۵۹ سؤال ۱۴۰- غالباً و به ویژه در درمانگاه‌های دولتی، به بیماران توصیه می‌شود که فلان دندان قابل معالجه است، و لذا اصرار بر نکشیدن آن می‌نمایند؛ آیا

کشیدن دندان در این حالت برای پزشک ضمانت دارد؟ اگر به خاطر وضع اقتصادی یا عدم بینش فرهنگی انجام شود، چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که دندان خراب است، و بعضی به علل مختلف ترجیح می‌دهند آن را بکشند، و طبیب توجیه لازم را نموده، ولی بیمار اصرار در کشیدن آن دارد، اشکالی ندارد. سؤال ۱۴۱- معالجات دندان پزشکی ممکن است با شکست یا کوتاهی عمر دندان همراه شود، لطفا بفرمایید: ۱. اگر دندان پزشک سعی کافی و دقّت لازم را نموده باشد، ولی در حین معالجه ضررهایی به دندان و دهان برسد، چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه این گونه ضررها طبیعی باشد، و معمولًا در غالب موارد رخ می‌دهد، ضامن نیست. در غیر این صورت، اگر از مریض برائت نگرفته باشد، ضامن است. ۲. هرگاه پس از معالجه، با وجود دقّت کافی در انجام وظیفه، عوارضی برای بیمار به وجود آید چطور؟ جواب: مانند مسأله سابق است. ۳. در هر حال، آیا اتمام حجّت با بیمار قبل از معالجه لازم است؟ جواب: برای اینکه مشکلی برای طبیب پیش نیاید، بهتر است در هر حال از بیمار برائت بگیرد. سؤال ۱۴۲- بعضی از اعمال داندانپزشکی، مانند کاشت نگین فقط جهت زیبایی انجام می‌شود. در صورتی که دندانپزشک بداند بیمار این عمل را برای جلب توجّه و نشان دادن به نامحرمان انجام می‌دهد، مجاز به انجام آن خواهد احکام پزشکی، ص: ۶۰ بود؟ آیا دستمزد وی حلال است؟ جواب: در صورتی که بیمار از آن سوء استفاده کرده، و کار طبیب چنین اثری نداشته، دستمزد او حلال است. احکام پزشکی، ص: ۶۱

۶ زنان و زایمان

۱. آموزش رشته زنان و زایمان

سؤال ۱۴۳- آیا تحصیل و تدریس در رشته مامایی، و مسائل مربوط به زنان و زایمان (با توجّه به اینکه معمولًا همراه با نظر و لمس موضع مخصوص می‌باشد) برای مردان جایز است؟ جواب: در صورتی که دانشجوی دختر به اندازه کافی در این رشته وجود نداشته باشد، یا احتمال قابل ملاحظه‌ای داده شود که در آینده برای حفظ جان زنان مسلمان مورد نیاز باشد، جایز است. سؤال ۱۴۴- آموزش واحدهای زنان و زایمان برای دانشجویان پزشکی و پرستاری الزامی است. آیا این الزام نگاه به عورت زن را جهت آموزش تجویز می‌کند؟ جواب: تنها در صورت ضرورت چنین آموزشی جایز است. سؤال ۱۴۵- آیا مشاهده چگونگی زایمان جهت آموزش پزشکان مجاز است؟ با توجّه به اینکه ممکن است با آموزش زایمان در آینده انسان یا انسانهایی از مرگ حتمی نجات یابند، این امر برای مردان چه حکمی دارد؟ جواب: در فرض مسأله به عنوان ضرورت مانعی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۶۲ سؤال ۱۴۶- آیا مشاهده چگونگی زایمان جهت آموزش از طریق فیلم ویدیویی یا سی دی کامپیوتری جایز است؟ جواب: باشرایطی که در بالا گفته شد جایز، و این مقدّم بر مشاهده مستقیم است. سؤال ۱۴۷- دانشجویان پسر ودختر در بیمارستانها و مراکز پزشکی، جهت آموزش مبادرت به انجام زایمان، کورتاژ و مانند آن می‌کنند، چه حکمی دارد؟ جواب: تنها در صورتی جایز است که این آموزش برای غیر همجنس ضرورتی داشته باشد، یعنی بدون آن، تعلیمات کافی برای نجات جان بیماران از خطر یا بیماری میسّر نشود. سؤال ۱۴۸- درکارهای مربوط به زایمان، دانشجویان زن (اعمّ از پزشکی و مامایی) به اندازه کافی تربیت شده‌اند. آیا لزومی برای حضور مردان در بخشهای زایمان که موجب نظر یا تماس با بدن زن می‌شود، وجود دارد؟ جواب: در صورت وجود زنان لایق، حضور مردان در این موارد جایز نیست.

۲. سزارین

سؤال ۱۴۹- برخی از خانم‌های حامله، که می‌توانند به وضع طبیعی زایمان کنند، اصرار دارند سزارین شوند تا درد کمتری تحمّل

کنند. حکم شـرع در این زمینه چیست؟ جواب: اگر این کار جنبه عقلایی داشته باشد اشکالی ندارد. سؤال ۱۵۰- آیا درآمد زا بودن سزارین، مجوّز توصیه پزشک به بیماران جهت زایمان غیر طبیعی هست؟ جواب: جایز نیست. سؤال ۱۵۱- در صورت عـدم جواز آنچه در مسأله بالا آمد، آیا پزشک ضامن ضرر جانی یا مالی بیمار خواهد بود؟ جواب: آری ضامن است؛ مگر اینکه بیمار را از این امر بـا خبر کرده، و اجـازه گرفته باشـد. احکام پزشـکی، ص: ۶۳ سؤال ۱۵۲- حضور شوهر بر بـالین همسـر به هنگـام زایمان، نقش زیادی در آرامش وی دارد. آیا چنین کاری شـرعاً نیز توصـیه می‌شود؟ جواب: اگر واقعاً چنین اثری داشـته باشـد مانعی نـدارد؛ ولی ظاهراً این اثر قابل تردید است. سؤال ۱۵۳- برای تشـخیص زمان زایمان، ماما باید دست را داخل رحم حامله کند، آیا این کار جایز است؟ جواب: در صورت ضـرورت جایز است. سؤال ۱۵۴- آیـا پزشک مرد متخصّص زنان، مجاز به انجام آنچه در سؤال قبل آمد می‌باشـد؟ جواب: در صورت دسترسـی به پزشـک زن، این کـار برای پزشک مرد مجاز نیست. و در صورت عـدم دسترسـی، تنها به هنگام ضـرورت جایز است. سؤال ۱۵۵- آیـا عـدم منع آن در طول تاریخ توسّط اقوام و ملـل مختلف دلیل مجاز بودن چنین کاری نمی‌شـود؟ جواب: در طول تاریـخ نیز همیشه در موارد ضـرورت این کـار انجـام شـده است. سؤال ۱۵۶- آیـا پزشک یا پرسـتار حق تحقیر کردن و ناسزا گفتن به زنان حامله که فرزندان زیادی به دنیا آورده‌اند را دارد؟ جواب: تحقیر هیچ مسلمانی جایز نیست.

۷ جلوگیری از انعقاد نطفه

اشاره

سؤال ۱۵۷- جلوگیری از انعقـاد نطفه، شـرعاً چگونه است؟ جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسـیله‌ای که بی‌ضـرر باشـد، و باعث نقص مرد یا زن نشود، (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولیـد مثل بیفتد) مجاز است؛ ولی اگر مسـتلزم نظر یا لمس حرام باشد جایز نیست، مگر در موقع ضـرورت. سؤال ۱۵۸- آیا برای جلوگیری از بچّه‌دار شدن، جایز است لوله زنان یا مردان بسـته شود؟ جواب: در مواردی که به تشـخیص اهل خبره، کنترل جمعیّت ضـرورت داشـته باشـد، برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسـیله مشـروعی که بی ضـرر باشـد و باعث نقص مرد یا زن نشود، (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیّت تولید مثل ساقط شوند) ذاتاً مجـاز است، ولی اگر مسـتلزم نظر و لمس نامشـروع باشـد، تنهـا در صورت ضـرورت فردی یـا اجتماعی جایز است. سؤال ۱۵۹- کلّاً بسـتن لوله‌هـای رحم از نظر شـرع مقـدّس اسـلام در بیماریهـای مختلف چه حکمی دارد؟ جواب: هرگـاه قابل بازگشت نباشـد جایز نیست، و در صورت قابل بازگشت احکام پزشکی، ص: ۶۶ بودن جایز است (مشروط بر اینکه موجب لمس و نظر حرام نشود) ولی در موارد ضروری جایز است. سؤال ۱۶۰- برخی از روشهای جلوگیری باعث عقیم شدن می‌گردد. چرا در جامعه ما این کار به طور مکرّر و به صورت عادی انجام می‌شود؟ جواب: انجام کارِ حرام دلیل بر مشروعیّت آن نیست.

راههای جلوگیری از بارداری

سؤال ۱۶۱- کپسولهایی به نام «نورپلانت» وجود دارد که در زیر پوست (بیشتر در قسـمتهای خارجی فوقانی) بازو کاشـته می‌شود، و این یکی از روشهای جلوگیری از بارداری است. آیا شرعاً این عمل جایز است؟ جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشـد و همسـر راضـی باشد، مانعی ندارد. سؤال ۱۶۲- اسـتفاده از «۱» «IUD» که اثر آن جلوگیری از لانـه گزینی نطفه بسـته شـده است، چه حکمی دارد؟ جواب: هرگـاه موجب لمس و نظر حرام نشود مـانعی نـدارد؛ مگر اینکه ضـرورت فردی یا اجتماعی ایجاب کند. سؤال ۱۶۳- کانـدوم (قرار دادن روکش نـازک پلاسـتیکی بر روی آلت تناسـلی مرد در حین مقـاربت) از وسایل جلوگیری از حاملگی است، اسـتفاده از آن چگونه است؟ آیا رضایت همسر شرط است؟ جواب: استفاده از آن جایز است و رضایت همسر شرط

نیست؛ ولی بـدون اجـازه او کراهت دارد. احکام پزشـکی، ص: ۶۷ سؤال ۱۶۴- داروهـای تزریقی وجود دارد که از طریق عضـلانی تزریق می‌شود، و برای مـدّت معیّنی اثرات ضدّ حاملگی دارد. اسـتفاده از این داروها چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که ضـرر قابل ملاحظه‌ای نداشـته باشد، و همسـر راضـی باشد، مانعی ندارد. سؤال ۱۶۵- در صورت ضـرورت کنترل بـارداری در زن و شوهر خاصّ-ی، و عدم موفقیّت آنها در رعایت مناسب سایر روشـها، بسـتن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجّه مادر باشد مانعی ندارد. سؤال ۱۶۶- آیا جواز شرعی برای وازکتومی (یعنی بستن لوله‌ها در مرد) جهت کنترل موالید و جلوگیری از رشد غیر متعارف جمعیّت، عنوان حکم ثانوی داشـته و با از بین رفتن ضرورت قابل لغو است؟ جواب: در صورتی که طبق تشـخیص متخصّ-صان مورد اعتماد، ضـرورت فردی یا اجتماعی اقتضا کنـد مانعی نـدارد؛ در غیر این صورت جایز نیست. سؤال ۱۶۷- بسـتن لوله‌هـای «منی بر» در مردان (وازکتـومی) و لوله‌هـای «منی بر» در زنـان (توبکتـومی) کـه اکـثراً مـوجب عقیمی دائمی می گردد چه حکمی دارد؟ جواب: اگر موجب عقیم شدن دائم است اشکال دارد. سؤال ۱۶۸- حکم کاهش رشد جمعیّت با استفاده از قرصـهای ضـدّ حاملگی و اعمال جرّاحی چیست؟ جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه، هر وسـیله مشـروعی که بی ضـرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیّت تولید مثل ساقط شود) ذاتاً مجاز است، ولی اگر مسـتلزم نظر و لمس نامشـروع باشـد، تنهـا در صورت ضـرورت فردی یـا اجتمـاعی جایز است سؤال ۱۶۹- بسـتن لوله‌هـای رحم باعث قطع دائم حاملگی در خانمها می‌شود و احکام پزشکی، ص: ۶۸ در شرایط ایده آل شانس برگشت، با عمل جراحی مجدّد، حدوداً ۵۰٪ است. این عمل چه حکمی دارد؟ جواب: در غیر حال ضرورت، اشکال دارد. سؤال ۱۷۰- حکم عزل (که مرد هنگام آمیزش، نطفه خود را خارج از رحم بریزد) چیست؟ آیا رضایت زن شـرط است؟ جواب: اشـکال نـدارد، ولی مکروه است؛ مگر در مواردی که ضـرورتی باشـد، و رضـایت زوجـه شـرط نیست، مگر در آمیزش واجب که در هر چهـار مـاه واجب است که عزل در آن اشـکال دارد. سـؤال ۱۷۱- جهت بستن لوله‌های رحمی «۱» «TL»، روش «لاپاراسـکوپی» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (این کار با برشهای حدود نیم تا یک سانتیمتری از روی شکم انجام می‌شود) حکم این روش ذاتاً چیست؟ جواب: چنانچه این روش مانند سایر روش‌ها سبب عقیم شـدن باشد جایز نیست؛ مگر در موارد ضـرورت. سؤال ۱۷۲- در سؤال فوق با توجّه به پوشـیده بودن بـدن بیمار و فرسـتادن وسایل «لاپاراسـکوپی» از منفذهای نیم تا یک سانتیمتری به داخل شکم بیمار و عدم لزوم لمس و نظر، آیا پزشک مرد می‌تواند به این عمل اقـدام کنـد (بـا توجّه به آماده کردن محیط عمل تا پوشـش کامل، توسّط خانمها)؟ جواب: اگر لمس و نظر لازم نیایـد، از این جهت مشکلی نیست. سؤال ۱۷۳- در کل، با توجّه به سؤالات مطروحه، در صورتی که حضـرتعالی ارشاد و نظر خاصّ-ی دارید، لطفاً جهت اسـتفاده پزشـکان بفرماییـد. جواب: توصـیه حقیر این است که بایـد در مسـأله کنترل موالیـد، ماننـد همه مسائل اجتماعی، از افراط و تفریط پرهیز کرد، و تنها مسائل کوتاه مدّت را در نظر نگیرند، و به واقعیّت‌ها توجّه کنند؛ نه شعارها.

جلوگیری‌های مجاز

سؤال ۱۷۴- بچّه دار شدن برای مبتلایان به بیماری ایدز مضر است، آیا در این حالت شوهر می‌تواند لوله‌های خود را ببندد؟ جواب: اگر زیان مهمّی داشته باشد، مانعی ندارد. سؤال ۱۷۵- اگر حمل زن، موجب ناقص الخلقه شدن کودک گردد، آیا بستن لوله واجب نمی‌شود؟ جواب: هرگاه خوف ضـرر و خطر قابل ملاحظه‌ای، هرچنـد نسبت به بچّه وجود داشـته باشد، جایز است. سؤال ۱۷۶- در مواردی که حاصل حاملگی جنین‌های دارای نقص در خلقت یا بیماری ژنتیکی است، آیا می‌توان با بسـتن لوله‌های زن یا مرد اقـدام به جلوگیری از حاملگی بعـدی کرد؟ جواب: هرگاه خوف ضـرر و خطر قابل ملاحظه‌ای، هر چنـد نسبت به بچه وجود داشـته باشد، جایز است. سؤال ۱۷۷- با توجّه به منابع علمی پزشـکی معتبر در مورد مادرانی که بیش از پنـج زایمان داشـته، و دارای سن بالاتر از ۳۵ سال می‌باشـند، مبنی بر اینکه اگر حامله شونـد در معرض خطرات جسـمی قرار دارنـد، آیا مجاز به بسـتن لوله‌های رحم هسـتند؟

جواب: چنانچه خطر قطعی یا احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد جایز است. سؤال ۱۷۸- پس از آزمایشات معلوم شد فرزندان آینده زن و شوهری از نظر ژنتیکی تالاسمی مینور خواهند داشت. امّا به خاطر محبّت زیاد با هم ازدواج نموده، مادام العمر جلوگیری می کنند. آیا این کار جایز است؟ جواب: در صورتی که واقعاً احساس خطری برای فرزند کنند، جلوگیری مادام العمر مانعی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۷۰ سؤال ۱۷۹- اگر دکترها به خانمی بگویند که حاملگی برایت خطرهایی دارد، آیا زن می‌تواند لوله‌های رحم خود را ببندد اگرچه مستلزم عقیم شدن دائم و یا مستلزم نظر و لمس حرام باشد؟ آیا این از مصادیق اضطرار است؟ جواب: در صورتی که از گفتار دکترها خوف خطر حاصل شود، مجاز هست.

احکام جلوگیری از بارداری

سؤال ۱۸۰- با توجّه به بند ب از مادّه «۱۴» و بند ه از مادّه «۱۶» کنوانسیون «محو کلّیه اشکال تبعیض علیه زنان» که حقّ تصمیم گیری در مورد تعداد فرزندان، فواصل بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می کند، آیا زن بدون رضایت همسرش می‌تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روشهای ضدبارداری، و تنظیم فواصل بارداری کند؟ جواب: این کار جایز نیست؛ مگر اینکه خطر قابل ملاحظه‌ای سلامت زن را تهدید کند. سؤال ۱۸۱- آیا مرد می‌تواند به زن دائمی خود بگوید نباید بچّه دار شوی؟ جواب: زن را نمی‌توان مجبور کرد که مثلًا لوله‌های خود را ببندد؛ حتّی نمی‌توان او را مجبور کرد که به وسیله قرص و مانند آن جلوگیری کند. ولی مرد می‌تواند با خوردن دارو، یا استفاده از آمپول، یا مانند آن، موقّتاً از انعقاد نطفه جلوگیری نماید. سؤال ۱۸۲- در صورتی که بستن لوله‌های زن یا مرد اجازه داده شود، حقّ تقدّم با کدام است؟ جواب: در شرایط مساوی بعید نیست مرد مقدم باشد. سؤال ۱۸۳- هرگاه پزشک، مرد یا زنی را عقیم کند، آیا باید دیه بپردازد؟ جواب: دیه ندارد، ولی اگر قابل بازگشت نباشد شرعاً جایز نیست. احکام پزشکی، ص: ۷۱ سؤال ۱۸۴- در مورد پزشکی که در استخدام دولت می‌باشد، بفرمایید: ۱. اگر از طرف دولت موظّف شود که برای کنترل موالید، مردان و زنان را عقیم کند چه تکلیفی دارد؟ ۲. اگر طبیب را برای انجام این کارها مجبور نمودند در چه مرحله‌ای از اجبار، چنین اقدامی برای وی معصیت محسوب نمی گردد؟ ۳. آیا در مورد اجبار، طبیب ضامن خواهد آمد؟ جواب: ۱. هرگاه کارشناسان متدیّن ضرورت این کار را تصدیق کنند مانعی ندارد. ۲. اگر منظور از اجبار این است که شغل خود را از دست می‌دهد، نباید تن به کار حرام بدهد. ۳. طبیب در این حال ضامن است. سؤال ۱۸۵- قرار دادن «نورپلانت» توسّط پزشک زن که فقط سطح خارجی بازو را مشاهده می کند، چه حکمی دارد؟ آیا در صورت پوشیدن دستکش توسّط طبیب و پوشش کامل زن، به جز محلّ عمل (حدود چند سانتیمتر روی بازو)، پزشک مرد می‌تواند به این کار اقدام کند؟ جواب: در صورت ضرورت اشکال ندارد. سؤال ۱۸۶- خانمی برای جلوگیری از بارداری می‌خواهد دستگاه بگذارد، و برای این کار دکتر زن باید به عورت او نگاه و آن را لمس نماید. با توجّه به این دو نکته غیر مجاز، و اینکه جلوگیری از بارداری معالجه نیست، آیا این کار جایز است؟ جواب: اگر ضرورت فردی یا اجتماعی نباشد جایز نیست؛ و در صورت ضرورت (به تشخیص اطبّای مورد وثوق) جایز است. سؤال ۱۸۷- در صورتی که پزشکان متخصّص زنان و زایمان در مورد حاملگی احکام پزشکی، ص: ۷۲ به خانمی اعلام خطر کنند، (خطرات جانی و جسمی و مشکلات احتمالی برای جنین) آیا در این گونه موارد اضطرار تحقّق یافته است؟ جواب: هرگاه پزشکان مزبور در کار خود حاذق و از نظر صداقت و تعهّد مورد تأییدند، تشخیص آنها در مورد انواع جلوگیریهایی که در بالا ذکر شد، کافی است. سؤال ۱۸۸- جهت بستن لوله‌های رحم، (TL) حین عمل، هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانمها وجود ندارد، و عمل از طریق شکم صورت می گیرد. آیا انجام عمل توسّط پزشک زن مانعی ندارد؟ (با توجّه به اینکه لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می گیرد) جواب: از نظر لمس و نظر مشکل نیست. سؤال ۱۸۹- خانمی است که به علّت دیگری تحت عمل جرّاحی قرار گرفته، و شکم وی باز شده است. با توجّه به باز بودن شکم، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا باز هم مسأله لمس و نظر مطرح است؟ در

صورتی که پزشک مرد مسئول جرّاحی مشکل اوّلیه بیمار باشد چطور؟ جواب: لمس و نظر باید به مقدار ضرورت باشد، و بیش از آن مجاز نیست. علاوه بر آنکه احراز شرایط فوق و رضایت بیمار و همسرش نیز لازم است. سؤال ۱۹۰- در صورتی که شکم زن بیمار توسّط دستیار زن باز شود، آیا پزشک مرد می‌تواند با دستکش، به عمل بستن لوله‌ها بپردازد، با توجّه به اینکه نظر به پوست ظاهر شکم صورت نمی‌گیرد، و بیشتر داخل شکم مشاهده می‌گردد؟ جواب: تنها در موارد ضرورت جایز است. سؤال ۱۹۱- «IUD» برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می‌شود. این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود، و غالباً متخصّصین زن می‌توانند مبادرت به این کار نمایند؛ ولی زنان کافی در تمام مراکز بهداشتی- درمانی و یا بیمارستانها، برای این کار آموزش داده نشده‌اند، انجام این کار توسّط احکام پزشکی، ص: ۷۳ پزشک مرد چه حکمی دارد؟ در صورتی که این کار توسّط زن صورت گیرد، آیا مشاهده توسّط دانشجویان پزشکی پسر به منظور یادگیری اشکال دارد؟ جواب: این کار جز در موارد ضرورت جایز نیست. و اگر ضرورتی باشد، مادام که دسترسی به جنس موافق است، مراجعه به جنس مخالف جایز نمی‌باشد. سؤال ۱۹۲- شخصی از نظر مرجع تقلیدش اطّلاع نداشته، و اقدام به بستن لوله‌های خود نموده است. آیا پس از اطلاع از حرمت، باید جبران کند؟ جواب: لازم نیست. سؤال ۱۹۳- تبلیغ و ترویج مردم مسلمان ایران در امر جلوگیری و کنترل جمعیّت به عنوان یک کار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی در منابر و محافل دینی، چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که اهل خبره و کارشناسان متدیّن، مسأله کنترل و محدود ساختن موالید را یک ضرورت اجتماعی تشخیص دهند، شرعاً می‌توان به طور موقّت با آن موافقت کرد، و یا در صورت لزوم به طور حساب شده از آن تبلیغ نمود. در ضمن باید توجّه داشت که افزایش نسل به عقیده هیچ کس جزء واجبات نیست، بنابراین محدود ساختن، حرام نمی‌باشد، مگر در مناطقی که تغییر بافت جمعیّتی به زیان مسلمین یا پیروان مکتب اهل‌بیت علیهم السلام باشد، که در چنین مواردی باید برنامه کنترل موالید تعطیل شود. در ضمن باید در موارد کنترل جمعیت به جای افزایش کمّی به سراغ افزایش کیفی رفت، تا مسلمانانی عالمتر و کارآمدتر به جامعه اسلامی تحویل داده شوند، و عزّت و عظمت مسلمین حفظ شود. و نیز باید توجه داشت که در مواردی که طبق تشخیص اهل خبره متعهد، کنترل جمعیّت ضروری است، باید حتماً از وسایل مشروع استفاده کرد، نه از وسایل نامشروعی مانند سقط جنین و امثال آن. احکام پزشکی، ص: ۷۵

۸ تلقیح و باروری مصنوعی

۱. تلقیح مجاز

الف) مادر جانشین سؤال ۱۹۴- رحم بانویی به هر علّت قادر بر نگاهداری جنین نیست، و آن را سقط می‌کند. با آمیزش تخمک وی و نطفه شوهرش در آزمایشگاه، و انتقال جنین به رحم زن دیگری که شوهر ندارد (وبه اصطلاح مادر جانشین، یا مادر قائم مقام نامیده می‌شود) بچّه رشد نموده، و به موقع، متولّد می‌شود، و برابر قرار داد اجرت معیّنی به مادر جانشین داده می‌شود، تا کودک تحویل زن و شوهر گردد. آیا این کار جایز می‌باشد؟ جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد، ولی مستلزم مسائل جنبی حرامی از قبیل لمس و نظر کردن است. بنابراین، هرگاه این کار به وسیله محرمی مانند شوهر انجام شود، به این صورت که نطفه خود و یکی از دو همسرش را بگیرد، و ترکیب نماید، و در رحم همسر دیگر (هرچند عقد موقّتی با او خوانده باشد) کشت کند، مرتکب حرامی نشده‌اند. در غیر این صورت، برای مجاز بودن این محرّمات جنبی باید ضرورتی وجود داشته باشد. سؤال ۱۹۵- در فرض سؤال قبل، با وجود اینکه این کودک در رحم مادر احکام پزشکی، ص: ۷۶ جانشین بزرگ شده، امّا دارای صفات ارثی زن اوّل می‌باشد. با توجّه به آیه دوم سوره مبارکه مجادله، به کدام یک از این دو زن تعلّق دارد، و وارث کدام یک از آنهاست؟ جواب: این فرزند

متعلّق به صاحبان نطفه، و بـا آنها محرم است، و از آنها ارث می‌برد. و مورد مادر جانشین به منزله فرزنـد رضاعی او است، بلکه در بعضـی جهات نسبت به آن اولویت دارد؛ چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است. بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزنـدان او ازدواج کنـد، امّـا ارث نمی‌برد. سؤال ۱۹۶- در موردی که تخمـک زن سـالم است، امّا رحم قـدرت نگهـداری و پرورش جنین را نـدارد، اگر اسپرم شوهر با تخمك زن در آزمایشـگاه ترکیب شود، و سـپس نطفه ترکیب شـده یا جنین حاصـله در آزمایشـگاه به رحم زن دیگری منتقل گردد، لطفاً بفرماییـد: اوّلًا: آیا این امر جایز می‌باشد؟ جواب: این کار ذاتاً جایز است، امّا چون معمولًا موجب نظر و لمس حرام است، تنهـا در موارد ضـرورت جـایز است. ثانیـاً: آیـا اجازه صاحب رحم لازم است؟ جواب: آری لازم است. ثالثـاً: زنی که نطفه ترکیب شـده یا جنین در رحم او قرار می‌گیرد، آیا می‌توانـد جهت انجام این عمل درخواست اجرت کنـد؟ جواب: مـانعی نـدارد. رابعـاً: رابطه شـرعی کودک متولّـد شـده، از نظر نسب مـادری، بـا صـاحب رحم و زن صاحب تخمك چگونه است؟ جواب: زن صـاحب تخمك مادر اوست، و زن صاحب رحم به منزله مادر احکام پزشـکی، ص: ۷۷ رضاعی می‌باشد، و به او محرم است. خامساً: رابطه شـرعی این کودك از نظر نسب، ارث، محرمیّت و نکـاح با شوهر زن صاحب رحم چگونه است؟ جواب: فقط نسبت به او محرم است. سؤال ۱۹۷- بچّه دار شدن تعدادی از زوجین به دلایل طبّی، به طور طبیعی مشکل بوده، و لازم است که از روشـهای درمـانی مختلف برای کمك به آنها اسـتفاده شود. یکی از این روشـها، لقاح خارج از رحمی می‌باشـد؛ به این معنـا که تخمـك را از زوجه و نطفه را از شوهرش گرفته و آنها را با هم مخلوط نموده، تا از اختلاط و امتزاج تخمك و نطفه، جنین حاصـل شود، سپس این جنین به رحم زوجه منتقـل شود، تـا حـاملگی و بعـد زایمـان صورت گیرد. لازم به تـذکّر است که جنین‌ها هنگـام انتقـال به رحم، فقط ۲۴ تا ۴۸ سـاعت از زمـان لقاحشان گذشـته، و دارای ۴ الی ۸ سـلول می‌باشـند. گاهی از اوقات، تعداد جنین‌هـای حاصـل از نطفه زن و شوهر بیش از حـدّ نیاز است، که در این صورت اضافه بر نیاز منجمـد شـده، و پس از زایمان زن با رضـایت زوجین، جنین‌هـا از رده خـارج و دور ریخته می‌شود. از طرف دیگر، تعـدادی از زوجهـا وجود دارنـد که به دلایل طبّی، به هیـچ وجه صـاحب فرزنـد نمی‌شونـد؛ امّـا برای برخی از آنها، این امکان از نظر طبّی وجود دارد که جنین‌های مازاد دسـته اوّل را در صورت عـدم نیاز زوجین، به رحم آنان انتقال داد. سؤالاتی که در این زمینه مطرح می‌شود عبارتند از: ۱. انتقال این جنین‌های بارور نشده به رحم زن ثالث از نظر شـرعی چگونه است؟ جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد؛ ولی چون مستلزم لمس و نظر حرام است تنها در صورت ضرورت جایز می‌باشد. ۲. در صورت عـدم نیاز زوجین به جنین خود، آیا موافقت آنها برای هـدیه احکام پزشـکی، ص: ۷۸ جنین به غیر لازم است؟ جواب: آری، لازم است. ۳. آیا والـدین صاحب جنین می‌توانند در ازای اهدای جنین خود وجهی دریافت نماینـد؟ جواب: بهتر این است که چیزی نگیرند. ۴. آیا ارائه مشـخّصات اهداکنندگان جنین به دریافت‌کنندگان و برعکس لازم است؟ جواب: نظر به اینکه فرزند مزبور تعلّق به صاحبان اصـلی نطفه دارد، لازم است هویّت آنها ثبت شود و به اطّلاع برسد. ۵. در صورتی‌که فرزنـد پسر باشـد، آیا با زنی‌که در رحم او بزرگ شـده، محرم‌است؟ جواب: آری، محرم است. ۶. در صورت دختر بودن فرزنـد، آیا با شوهر مادر جانشین محرم است؟ جواب: آری، محرم است. ۷. والدین فرزند حاصل چه کسانی هسـتند؟ جواب: پـدر و مادر او صاحبان نطفه‌اند، هرچند به زن ثالث نیز محرم می‌باشد. ۸. ارث این بچّه‌ها پس از تولّد چگونه است؟ جواب: فقط از صاحبان نطفه ارث می‌برنـد. ۹. در صورت موافقت قبلی والـدین صـاحب جنین (صاحب نطفه و تخمك) در اهـدای جنین خود، آیا می‌تواننـد پس از تولّـد نوزاد و یـا سالها بعـد، از شـخص ثالث متقاضـی استرداد طفل شونـد؟ جواب: احتیاط آن است که با رضایت مادرِ جانشین، بچّه را بگیرند. سؤال ۱۹۸- لطفاً در مورد انتقال جنینِ تکوین یافته از اسپرم و تخمك زوج قانونی در خارج از رحم، به رحم زن اجنبی (مـادر جانشـین) به سؤالات زیر احکام پزشـکی، ص: ۷۹ پاسـخ دهید: ۱. این کـار از لحـاظ تکلیفی چه حکمی دارد؟ جواب: این امر ذاتـاً جـایز است؛ ولی چون غالباً مستلزم نگاه و لمس حرام است، جز در موارد ضـرورت جایز نیست. ۲. مادر طفل تولّد یافته کدام زن است؟ آیا می‌توان مادر جانشین را در حکم مادر رضاعی دانست؟ جواب: صاحبان اسپرم و تخمك، پدر و

مادر حقیقی فرزند متولّد شده هستند. و مادر جانشین در حکم مادر رضاعی است. ۳. آیا مجرّد یا متأهّل بودن زن اجنبی (مادر جانشین)، علم و جهل مادر جانشین، مجّانی یا غیر مجّانی بودن رحم، تأثیری در احکام مربوطه می‌گذارد؟ جواب: هیچ کدام تفاوتی ندارد، ولی اگر مادر جانشین شوهر دارد، باید با اجازه شوهرش باشد. ب) تولید فرزند فقط با اسپرم مرد در رحم مصنوعی سؤال ۱۹۹- اگر علم در آینده آن قدر پیشرفت کند که اسپرم مرد را بدون ترکیب با نطفه زن، در رحم مصنوعی پرورش دهند، حکم آن چه خواهد بود؟ جواب: آن مولود فقط منسوب به صاحب اسپرم است؛ ولی فرزند شرعی او محسوب نمی‌شود. ج) تولید فرزند با استفاده از دانه‌ها و محصولات نباتی سؤال ۲۰۰- اگر علم تا آنجا پیشرفت کند که اسپرم و نطفه را از دانه‌ها و محصولات نباتی و مانند آن بگیرند و به زن تلقیح کنند، و نوزاد مصنوعی به عمل آورند، در این صورت کودک متعلّق به چه کسی است؟ جواب: این کودک فقط باآن زن محرم‌است، ولی ارث بردناو از آن زن ثابت نیست. احکام پزشکی، ص: ۸۰ د) تولید فرزند با اسپرم و نطفه نباتی در رحم مصنوعی سؤال ۲۰۱- اگر نطفه و اسپرم را از فرآورده‌های نباتی تهیّه، و آن را در رحم مصنوعی پرورش دهند، و از آن کودکی به عمل آورند. نوزاد به چه کسی ملحق می‌شود؟ جواب: این نوزاد متعلّق به کسی نیست؛ یعنی نه پدر دارد و نه مادر. ه) طلاق از شوهر اوّل و ... سؤال ۲۰۲- مرد نطفه ندارد، و لذا همسرش را طلاق داده است. اگر این زن به صیغه مردی درآید، سپس نطفه شوهر جدید و آن زن را ترکیب کنند، و زن بعد از پایان صیغه و عدّه به عقد شوهر اوّل درآید، و بعداً آن نطفه را به رحم زن تزریق کنند، این کار چه حکمی دارد؟ و در هر صورت پدر و مادر آن بچّه کیست؟ و ارث و محرمیّت به چه صورت است؟ جواب: اگر ضرورت ایجاب کند جایز است، ولی فرزند به صاحبان اصلی نطفه تعلّق دارد. و) لقاح خارج رحمی سؤال ۲۰۳- تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی در خارج از بدن و جایگزینی آن در رحم همان زن چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل حلال زاده است؟ جواب: این کار ذاتاً اشکالی ندارد؛ ولی چون معمولًا مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در صورت ضرورت جایز می‌باشد. (منظور از ضرورت این است که مثلًا اگر این کار انجام نشود زندگی زناشویی آن مرد و زن مختل، و یا زن گرفتار بیماری می‌شود). و در هر حال فرزند مذکور حلال زاده است. احکام پزشکی، ص: ۸۱ سؤال ۲۰۴- تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی و رشد جنین در محیط غیر انسانی چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل از این عمل حلال زاده است. جواب: با همان شروطی که در بالا گفته شد اشکالی ندارد، و فرزند مذکور حلال زاده است.

۲. تلقیح غیر مجاز

الف) تلقیح نطفه متوفّی به زوجه‌اش سؤال ۲۰۵- نطفه مرد از نظر علمی تا ۷۲ ساعت پس از مرگ دارای حیات کامل است. اگر زوجه درخواست تلقیح مصنوعی از شوهر متوفّای خود داشته باشد، آیا اطبّا مجاز به این کار هستند؟ لازم به ذکر است که این عمل بعضاً در کشورهای خارجی اعمال می‌گردد، و عمدتاً در مواردی است که زوجه از زوج فرزندی نداشته، و زوج در همان اوایل ازدواج به هر دلیلی از دنیا رفته است. جواب: اشکال دارد. سؤال ۲۰۶- اسپرم زوج با رضایت او و به طریق اصول پزشکی گرفته شده تا به زوجه او تلقیح شود، امّا قبل از این کار از دنیا رفته است. و پس از فوت شوهر تلقیح صورت گرفته، و فرزند به دنیا آمده است. آیا فرزند مذکور فرزند مشروع همان زوج است و از او ارث می‌برد؟ جواب: این کار مجاز نبوده است؛ ولی چنانچه نمی‌دانستند فرزند مزبور حلال‌زاده است و احکام محرمیّت را دارد و از مادرش ارث می‌برد، ولی از پدر ارث نمی‌برد. ب) پیوند تخمدان زن اجنبیّه به زوجه سؤال ۲۰۷- در مورد پیوند تخمدان زن اجنبی (مانند پیوند کلیه) برای باردار احکام پزشکی، ص: ۸۲ شدن زوجه، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید: الف) آیا این کار جایز است و دیه دارد؟ ب) آیا تخمدان را می‌توان فروخت؟ ج) حکم اولاد زوجه چگونه است؟ د) آیا زن اجنبی حقّی مانند مادر بودن پیدا می‌کند؟ جواب: چنانچه ضرورتی برای این کار نباشد از آن صرف نظر شود. و اگر ضرورتی وجود دارد، بعد از پیوند این عضو جزء بدن آن زن می‌شود، و فرزند مال خود اوست. و در

فرض فوق دیه نـدارد، و خریـد و فروش آن جایز است؛ هرچنـد بهتر است که پول را در مقابل اجازه برداشـتن عضو مزبور بگیرد، نه در مقابل خود آن. ج) استفاده از نطفه‌های موجود در بانک نطفه سؤال ۲۰۸- بعضی از مؤمنین و مؤمنات، که از حیث نطفه نقایصی دارنـد، برای اولاددار شـدن به مراکز ناباروری مراجعه می کننـد. آیا می‌توان از نطفه هایی که در بانک نطفه نگهـداری می‌شود، در لقاح مصنوعی با منی خود آنها ممزوج، و شـرایط لقاح را فراهم، و با دسـتگاه در رحم همسرانشان قرار داد؟ در صورتی که به طور کلّی در منی آنهـا اسپرم و تخمـک وجود نداشـته باشـد، آیـا می‌تواننـد از اسپرمها و تخمکهای مجهول الهویه موجود در بانک نطفه اسـتفاده نماینـد؟ و چنانچه در دو فرض فوق فرزنـدی به وجود آیـد، متعلّق به چه کسـی خواهد بود؟ جواب: اسـتفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزنـد شـدن جایز نیست، و تولّـد فرزنـد باید مسـتند به ازدواج صـحیح شـرعی باشد. ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلّق به صاحبان نطفه است، و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می‌باشد، بی آنکه از او ارث ببرد. احکام پزشکی، ص: ۸۳ د) تلقیـح نطفه اجنـبی به اجنبیّه سؤال ۲۰۹- مردی عقیم، ولی زن او سـالم و قـدرت بـاروری دارد. اگر اسپرم مرد دیگری در آزمایشـگاه بـا تخمک زن مـذکور ترکیب، سـپس نطفه ترکیب یافته در رحم زن نهاده شود، لطفاً بفرماییـد: اوّلًا: آیا این کـار جـایز است؟ جواب: جایز نیست. ثانیاً: آیا این امر زنا محسوب می‌شود؟ جواب: زنا نیست؛ ولی از جهاتی شبیه زناست. ثالثاً: آیا مشـخّص بودن یا ناشـناس بودن دهنـده اسپرم در حکم مسأله تأثیری دارد؟ جواب: هیچ تأثیری ندارد. رابعاً: رابطه شـرعی کودک با شـوهر زن از لحـاظ ارث، محرمیّت و نکـاح چگـونه خواهـد بـود؟ جـواب: رابطه‌ای بااونـدارد؛ جزاینکه فرزنـدطبیعی همسـراوست، وبااومحرم‌می‌باشـد. خامساً: رابطه شـرعی کودک بـا مرد صـاحب اسپرم از نظر ارث، محرمیّت و نکـاح چگونه می‌باشـد؟ جواب: به منزله فرزندنامشـروع اوست که‌محرم‌است؛ ولی‌ازیکـدیگرارث نمی‌برنـد. سؤال ۲۱۰- هشـت سـال اسـت ازدواج کرده، ولی بچّه دار نمی‌شوم. مشـکل از ناحیه شوهرم است، و هیـچ امیدی به بچّه دار شدن من نیست، آیا می‌توان از نطفه مرد دیگری اسـتفاده کرد؟ به گونه‌ای که دو طرف همـدیگر را نبیننـد، و اسپرم مرد را در مطب دکتر به زن تزریق کننـد. در ضـمن شـنیده‌ام که گفته‌اند این عمل چون برای جلوگیری از طلاق است، و دو طرف همدیگر را نمی‌بینند، اشکالی ندارد، و مانند خونی است که از شخصی گرفته، و به شخص دیگری تزریق می کنند، و احکام پزشکی، ص: ۸۴ لهذا از نظر شرعی حلال است. آیا چنین چیزی صحّت دارد؟ جواب: این کار گناه دارد و جایز نیست؛ مگر اینکه شـما از شوهرتان طلاق بگیریـد؛ و بعـد از گذشـتن عـدّه به عقد موقّت مثلًا یک روزه مردی درآیید، هرچند او را هرگز ندیده و نبینید، و نطفه آن مرد را در مطب دکتر گرفته و به شـما تزریق کنند، و بعد از تولّد فرزند مجدّداً به عقـد شوهرتان درآییـد. در غیر این صورت جایز نیست. سؤال ۲۱۱- آیـا می‌توان اسپرم مرد و زن اجنبی را در لوله آزمـایش قرار داد؟ اگر فرزنـدی متولّد شود متعلّق به کیست؟ آیا حکم ولد الزنا را دارد؟ جواب: این کار جایز نیست و اگر فرزندی متولّد شود در بسـیاری از احکـام تـابع صاحبان نطفه است؛ ولی از آنها ارث نمی‌برد. یک راه حلّ مناسب! سؤال ۲۱۲- زنی ۲۶ ساله هستم. قبل از ازدواج دردهـای شدیـد ماهیـانه داشـتم. دکترهـا گفتنـد: مشـکلات شـما با ازدواج و زایمان حل می‌شود. بـدین جهت ۶ سـال پیش ازدواج کردم، و چون درد زیـادی متحمّل می‌شـدم، تصـمیم گرفتم که زود بچّه‌دار شوم، ولی متأسّـفانه ۹ مـاه پس از ازدواج متوجّه شـدم شوهرم به طور کامل عقیم است، و اصـلًا بچّه دار نمی‌شود. من که این مسأله برایم خیلی مهم بود، بیش از پیش روحیه خود را از دست دادم. اکنون پزشکان می گویند تنها راه این است که: «اسپرم مرد بیگانه‌ای با سرنگ به شما تزریق شود». من اوّل به این کار راضـی نبودم، چون مقلّد شـما هسـتم، و طبق فتوای شـما این کار حرام است. ولی اکنون جانم به لب رسـیده است. لطفاً بگویید: چه کنم که هم بچّه دار شوم، و هم مرتکب گنـاهی نگردم؟ جواب: تنهـا راه مشـروع آن است که شـما از شوهرتان (هرچنـد به صورت احکام پزشکی، ص: ۸۵ مخفیانه و بـدون اطّلاع اطرافیان) طلاق بگیریـد، و پس از گذشـتن عدّه به عقد موقّت صاحب نطفه درآیید (هرچند همدیگر را هرگز نبینید)، سپس نطفه به شما تزریق شود، و پس از پایان عقد موقّت و زایمان دوباره می‌توانید به عقد شوهر اوّل درآیید. در این صورت شما مادر آن بچّه، و صاحب نطفه پدرش محسوب می‌شود. و به شوهر شما هم محرم است. ولی به اقوام

شوهرتان محرم نیست. امّا به اقوام شما محرم است. «۱»

۳. احکام تلقیح مصنوعی

سؤال ۲۱۳- برخی از مراجع عظام تلقیح را در صورتی تجویز فرموده‌اند که: «نطفه شوهر بدون ایجاد مقدّمات حرام، توسّط خود شوهر در رحم زن تزریق گردد». حال اگر به علّت نداشتن تخصّص و آشنایی، این کار باعث عفونت ثانویّه و احیاناً مرگ همسرش گردد، آیا شوهر ضامن است، یا ضمان متوجّه افراد متخصّصی بوده که بدون دادن آگاهیهای لازم او را نسبت به این عمل ترغیب کرده‌اند؟ جواب: در صورتی که ضرورتی برای این کار احساس شود می‌توان از افراد متخصّص استفاده کرد، تا خطری پیش نیاید. سؤال ۲۱۴- در جایی که عمل تلقیح به طور شبهه صورت گرفته (مثل جایی که زن گمان می‌کرده نطفه از شوهرش بوده، و مرد نیز گمان می‌کرده زنی که نطفه وارد رحم او شده، همسر واقعی او می‌باشد، در حالی که این طور نبوده است). آیا احکام اولاد بر فرزندی که به دنیا خواهد آمد، جاری می‌شود؟ جواب: نسبت به صاحب آن نطفه و آن زن ولد شبهه است. و به شوهر آن زن نیز محرم است. احکام پزشکی، ص: ۸۶ سؤال ۲۱۵- آیا مادر جانشین (زن پذیرای جنین) مستحقّ دریافت نفقه یا اجرةالمثل تا زمان تولّد جنین، از صاحب نطفه و پدر جنین می‌باشد؟ و آیا این کار نوعی اجاره اعضا (اجاره رحم) تلقّی می‌گردد؟ یا مشمول عقد دیگری است؟ جواب: این موضوع تابع قرار داد است، و اگر قراردادی ندارند، و جنبه رایگان نداشته، حقّ اجرة المثل دارد. و عمل مزبور نوعی اجاره است، نه اجاره اعضا؛ بلکه اجیر شدن برای پرورش جنین. احکام پزشکی، ص: ۸۷

۹ مسائل مربوط به سقط جنین

الف) سقط غیر مجاز

۱. بعد از انعقاد نطفه سؤال ۲۱۶- آیا بعد از انعقاد نطفه از بین بردن آن جایز است؟ جواب: در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر نباشد، جایز نیست و دیه دارد. ۲. جنین کافر سؤال ۲۱۷- سقط جنین مسلمان و کافر چه حکمی دارد؟ جواب: واضح است که ساقط کردن جنین مسلمان جایز نیست، حتّی اگر فرزند نامشروع باشد. و در مورد بچّه‌های کفّار نیز ساقط کردن مجاز نیست، حتّی اگر در مذهب آنها فرزند نامشروع باشد. سؤال ۲۱۸- آیا در موارد زیر قبل از ولوج روح می‌توان سقط درمانی انجام داد: الف) بیماریهایی که می‌دانیم مسلّماً جنین پس از تولّد خواهد مرد. ب) بیماریهای ژنتیکی. احکام پزشکی، ص: ۸۸ ج) ناهنجاریهای نوزادان «مثل آنانسفالی». جواب: سقط جنین در این موارد اشکال دارد، به خصوص که پیش بینی‌های فوق جنبه قطعی ندارد. سؤال ۲۱۹- عوامل فوق در مورد جنین پس از ولوج روح چگونه خواهد بود؟ جواب: جایز نیست. ۳. جنین غیر شیعه سؤال ۲۲۰- سقط جنین غیر شیعه چه حکمی دارد؟ جواب: سقط جنین در هیچ مورد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

ب) مواردی که سقط جنین جایز است

۱. نطفه رشد یافته در لوله آزمایشگاه سؤال ۲۲۱- اطبا در آزمایشگاه، منی مرد (اسپرم) را با تخمک زن (اوول) در لوله آزمایش قرار داده، و آن را رشد می‌دهند، بفرمایید: ۱. آیا نطفه رشد یافته را می‌توان دور افکند، یا این کار حکم سقط جنین دارد، و لذا باید تا طفلِ کامل (صاحب روح) شدن از وی محافظت نمود؟ ۲. اگر دور افکندن آن جایز نباشد، آیا باید دیه سقط جنین پرداخت شود؟ در صورتی که باید پرداخت شود بر عهده کیست؟ ۳. آیا بین دور انداختن آن قبل از ولوج روح، یا بعد از ولوج، فرقی هست؟ ۴. در مورد سؤال فوق، آیا تفاوتی بین نطفه مرد اجنبی با منی زن اجنبیه برای لقاح و رشد در لوله آزمایشگاهی هست؟ ۵.

اگر منی متعلّق به مرد و زن اجنبی و اجنبیّه باشد، آیا اصل انجام این عمل احکام پزشکی، ص: ۸۹ جایز است؟ جواب: ۱. نگهداری آن واجب نیست. ۲. از جواب قبل روشن شد که دیه ندارد. ۳. مادام که به صورت انسان زنده‌ای در نیامده، حفظ آن دلیلی ندارد. ۴. تفاوتی نیست. ۵. خالی از اشکال نیست. ۲. در صورتی که جنین ناقص الخلقه شود سؤال ۲۲۲- در زن حامله‌ای که مبتلا به سرطان رحم شده، و درمان آن هم به اشعه درمانی نیاز دارد، و دادن اشعه هم باعث ناقص الخلقه شدن جنین می‌شود، آیا می‌توان قبل از اشعه درمانی، سقط درمانی کرد؟ جواب: اگر ناقص الخلقه شدن او قطعی و شدید است، و در مراحل نخستین بارداری و قبل از رسیدن به مرحله جنینِ کامل باشد، و راه درمان نیز منحصر به این راه گردد مانعی ندارد. ۳. جان مادر در خطر باشد سؤال ۲۲۳- معمول است که در زنان حامله مبتلا به سرطان «مثلًا سرطان پستان» اگر سرطان از نوع پیشرفته باشد حمل در هر مرحله‌ای باشد سقط درمانی را انجام داده و به درمان مادر می‌پردازند. و این کار از «دو نظر» اهمّیت دارد: نخست اینکه حیات مادر در خطر است، و دیگر اینکه با اجازه ندادن به ختم حاملگی هم مادر از بین می‌رود و هم فرزند بدون مادر به جای می‌ماند. بدین جهت اگر سرطان از نوع اوّلیّه باشد، و حاملگی در ماههای انتهایی، صبر می‌کنند احکام پزشکی، ص: ۹۰ تا جنین به حدّ قابلیت زندگی برسد، و سپس با عمل جرّاحی آن را زودتر از موعد از شکم خارج، و تحت مراقبت ویژه او را بزرگ می‌کنند. و اگر حاملگی در ماههای اولیّه باشد، سقط درمانی انجام شده، و درمان سرطان هم صورت می‌پذیرد. البتّه در این موارد سقط درمانی در صورتی انجام می‌پذیرد که درمان اساسی سرطان برای جنین مضر باشد، مثل شیمی درمانی. یا اشعه درمانی؛ آنچه در بالا آمد از منظر شرع چه حکمی دارد؟ جواب: اگر حیات مادر در خطر باشد، و جنین ماههای اوّل را طی کند مانعی ندارد. و متولّد کردن بچّه قبل از موعد وپرورش او با شرایط ویژه هم اشکالی ندارد. سؤال ۲۲۴- زنی که در ماه هفتم حاملگی به سر می‌برد، در اثر تصادف نیاز به عمل جرّاحی فوری پیدا می‌کند، که لازمه‌اش بیهوش نمودن اوست، ولی در اثر بیهوشی بچّه می‌میرد (علم یقینی‌به فوت بچّه داریم) آیا جایز است مادر، جرّاحی و عمل شود؟ جواب: اگر جان مادر در خطر است و راه منحصر به عمل جرّاحی و بیهوشی باشد مانعی ندارد. سؤال ۲۲۵- در فرض بالا در صورتی که احتمال فوت بچّه برود، آیا باز هم جایز است مادر عمل شود؟ جواب: با شرایط بالا، این فرض به طریق اولی جایز است. سؤال ۲۲۶- اگر پس از ولوج روح، علم به تلف شدن مادر و جنین باشد، آیا سقط جنین جایز است؟ جواب: در فرض مسأله، که اگر مادر به همان حال باقی بماند هر دو می‌میرند، می‌توان با سقط جنین جان مادر را نجات داد. سؤال ۲۲۷- اگر طبیب تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین موجب مرگ مادر احکام پزشکی، ص: ۹۱ می‌گردد، بفرمایید: ۱. آیا جایز است جنین را در شکم مادر از بین ببرد، تا مادر سالم بماند؟ ۲. آیا می‌توان مادر را به همان حال باقی نهاد تا بچّه سالم بماند و مادر بمیرد؟ ۳. اگر در باقی گذاردن مادر به همان حال، احتمال مرگ، هم برای مادر و هم برای بچّه در کار باشد تکلیف چیست (یعنی احتمال مرگ و سلامت برای هر دو مساوی باشد)؟ ۴. آیا حکم فوق نسبت به جنین قبل از ولوج روح تفاوت دارد؟ جواب: ۱. چنانچه خلقت جنین کامل نشده مانعی ندارد. ۲. هرگاه بچّه به صورت انسان کامل در نیامده باشد، سقط جنین برای نجات مادر اشکال ندارد. ۳. اگر بدانیم یکی از آن دو قطعاً نجات پیدا می‌کند، باید آنها را به حال خود گذاشت تا یکی از آن دو بدون دخالت انسان دیگری نجات یابد. و اگر امر دایر میان این است که هر دو بمیرند یا فقط جنین بمیرد، می‌توان جنین را سقط کرد تا مادر زنده بماند. ۴. از جوابهای بالا معلوم شد. ۴. سلامتی مادر در خطر باشد سؤال ۲۲۸- خانمی دچار بیماری چشمی گردیده، و اطبّا نظر به عمل جرّاحی به طور اورژانسی داده‌اند؛ امّا متأسّفانه این خانم دارای حمل سه ماهه است، و به ناچار باید سقط جنین کند، و بعد عمل جرّاحی چشم را به انجام برساند. و اگر چشم خود را عمل نکند کور می‌شود، و همچنین ضررهای زیادی به جنین وارد می‌گردد، در این صورت آیا سقط جنین جایز است؟ جواب: در فرض مسأله پایان دادن به بارداری ظاهراً مانعی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۹۲ سؤال ۲۲۹- آیا در موارد زیر می‌توان سقط جنین کرد؟ الف) مادر بیمار باشد، و ادامه حاملگی (با تشخیص پزشک، و وضعیّتی که مادر دارد، و خودش نیز تشخیص داده) باعث تشدید بیماری و وخامت حال مادر گردد. ب) بیماری فوق به

درجه‌ای برسد که حیات مادر متوقّف بر سقط جنین باشد. ج) مادر در کمال صحّت و سلامتی است، و هیچگونه خطری او را تهدید نمی‌کند، و جنین نیز سالم است، ولی دو سر دارد. یا سر جنین به شکل انسان نیست، و اگر با چنین حالتی متولّد شود، طبق تشخیص پزشک، ممکن است چند روز پس از تولّد از دنیا برود. یا ادامه حیات چنان فرزندی برای خود او، و والدین و جامعه مشکلاتی خواهد داشت. د) در فروض فوق، حکم مسأله را قبل و بعد از ولوج روح بیان فرمایید. ه) در هر صورت، آیا مسئولیّتی از نظر شرعی برای پزشک و زوجین وجود دارد؟ و) چنانچه لازم باشد پزشک مرد اقدام به سقط جنین نماید، چه حکمی دارد؟ جواب: سقط جنین تنها در صورتی جایز است که جان مادر در خطر باشد. همچنین اگر بیماری شدیدی مادر را تهدید کند، و جنین هنوز به مرحله دمیدن روح نرسیده باشد. و نیز اگر تشخیص قطعی داده شود که جنین به گونه‌ای ناقص است که برای پدر و مادر و اطرافیان سبب عسر و حرج شدید می‌شود، مشروط بر اینکه روح در آن دمیده نشده باشد. در این سه صورت، ختم حاملگی جایز است است. و اگر راه منحصر به طبیب مرد باشد، در این صورت مانعی ندارد. و احتیاط آن است که پدر و مادر، طبیب را نسبت به دیه تبرئه کنند. احکام پزشکی، ص: ۹۳ ۵. جنین معیوب یا ناقص الخلقه باشد سؤال ۲۳۰- آیا سقط عمدی جنینی که مطمئنّیم یا احتمال می‌دهیم، معیوب و نارسا متولّد خواهد شد، در هر ماهی از بارداری اگر دیه لازمه پرداخت شود، مجاز است؟ جواب: هرگاه در مراحل ابتدایی جنین باشد، و جنین به صورت انسان کامل در نیامده باشد، و باقی ماندن جنین در آن حالت و سپس تولّد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با این شرایط مانعی ندارد. و احتیاطاً باید دیه را بدهند. سؤال ۲۳۱- با عکس برداری از جنین درون شکم مادری، معلوم شد که جنین ناقص الخلقه می‌باشد، و پس از تولد مانند تکه گوشتی به کناری خواهد افتاد، و هیچ گونه فعّالیّتی نمی‌تواند داشته باشد، و فاقد هرگونه درک و شعور انسانی خواهد بود، بفرمایید: ۱. آیا جایز است در همان حال جنین بودن- قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح- جنین را ساقط نمود؟ ۲. اگر این طفل به دنیا آمد و سپس بیمار شد، آیا جایز است که هیچ گونه اقدامی در مورد درمان وی انجام نداد تا زودتر بمیرد، و چه بسا از درد و رنج هم راحت شود؟ جواب: ۱. هرگاه در مراحل ابتدایی جنین باشد، و جنین به صورت انسان کامل در نیامده باشد، و باقی ماندن جنین در آن حالت و سپس تولّد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با این شرایط مانعی ندارد، و احتیاطاً باید دیه را بدهند. ۲. خالی از اشکال نیست. احکام پزشکی، ص: ۹۴ سؤال ۲۳۲- با توجه به اینکه در برخی از سؤالات بالا حکم سقط بعد از ولوج روح و قبل از آن متفاوت بیان شده، لطفاً بفرمایید که ولوج روح چه زمانی است؟ جواب: هنگامی است که بچّه در شکم مادر به حرکت در می‌آید، که معمولًا در حدود چهار ماهگی است. سؤال ۲۳۳- در صورت اطمینان داشتن به ناقص الخلقه بودن جنین بعد از ولوج روح، آیا مجاز به سقط هستیم (با توجّه به تبعات شدید به دنیا آمدن آن برای والدین و جامعه و ...)؟ جواب: در صورتی که روح در جنین دمیده شده باشد، که معمولًا پس از چهارماهگی حاصل می‌شود، ساقط کردن آن جایز نیست.

ج) انتقال جنین

سؤال ۲۳۴- اطباء می‌توانند جنین را از شکم زنی که نمی‌تواند آن را در رحم معیوب خود پرورش دهد و سقط می‌کند خارج نموده، و در رحم سالم زن دیگری قرار داده تا در آنجا به رشد خود ادامه دهد و به طور طبیعی متولّد شود، بفرمایید: ۱. اگر زن دوّم هم همسر شوهر زن اوّل باشد (که نطفه متعلّق به یک شوهر می‌شود) آیا این کار جایز است؟ ۲. در صورتی که زن دوم با شوهر زن اوّل بیگانه باشد، این کار چه حکمی دارد؟ ۳. انجام این کار قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح چه تفاوتی دارد؟ جواب: در هر سه صورت، انتقال جنین (بعد از انعقاد نطفه) مانعی ندارد، ولی چون معمولًا مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در موارد ضرورت مجاز می‌باشد. احکام پزشکی، ص: ۹۵ سؤال ۲۳۵- جنینی است که اگر در شکم مادر بماند خواهد مرد، ولی اگر آن را از شکم مادر خارج نمایند و در دستگاه مخصوص (انکوباتور) بگذارند زنده مانده، و به رشد و حیات خود ادامه می‌دهد،

بفرمایید: ۱. تکلیف در این مورد چیست، آیا می‌توان بچّه را از شکم مادر خارج نمود؟ ۲. آیا قبل از ولوج روح و یا بعد از ولوج، حکم فرق می‌کند؟ جواب: ۱. اگر این موضوع قطعی باشد نه تنها اشکالی ندارد، بلکه اقدام بر آن مطابق احتیاط است. ۲. تفاوتی ندارد.

د) احکام سقط جنین

سؤال ۲۳۶- در مواردی که لازم است پزشک سقط جنین کند، دیه لازمه باید توسّط چه کسی پرداخت شود، آیا پزشک می‌تواند شرط کند که دیه بر عهده وی نباشد؟ آیا این شرط، جهت رفع دین از وی کافی است؟ جواب: احتیاط این است که طبیب با بیمار یا کسان او شرط کند که دیه را خودشان بپردازند، و الّا خودش باید عهده دار بشود (بنابر احتیاط). سؤال ۲۳۷- اگر طبیبی متوجّه نقض عضو جنین درون شکم مادری شود، و در صورت اطّلاع دادن به والدین او، احتمال می‌دهد آنان سقط جنین کنند، و شاید هم در مقام معالجه نقص عضو از جنین برآیند، که احتمال بهبودی بسیار کم است. و در ضمن اگر اطّلاع ندهد، در معرض شکایت والدین نسبت به عدم اطّلاع به آنان از وضعیّت جنین قرار خواهد گرفت، وظیفه طبیب در اینجا چیست؟ جواب: اطّلاع دادن اشکالی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۹۶ سؤال ۲۳۸- چنانچه به بیمارانی که از درد شدیداً رنج می‌برند مسکّن‌های قوی داده شود، دردشان تسکین خواهد یافت، لیکن به احتمال قوی به این خاطر بعداً دچار عوارض جنین و ناراحتیهایی خواهند شد، تکلیف طبیب نسبت به این گونه بیماران چیست؟ جواب: هرگاه ضرری باشد که در برابر تسکین درد شدید در میان عقلا قابل پذیرش باشد اشکالی ندارد. و اگر ضرر مهمّی است که او را به خطر می‌اندازد، جایز نیست. و اگر برای خودش ضرر نداشته باشد، بلکه برای جنین ضرر داشته باشد نیز حکم مسأله همین است. سؤال ۲۳۹- اگر پزشک به طور قطع تشخیص دهد که فرزندان بعدی زن و شوهری، ناقص العضو خواهند شد، بفرمایید: ۱. آیا بر طبیب واجب‌است، درصورت سؤال والدین، واقعیّت را به آنان اطلاع‌دهد؟ ۲. آیا در صورت عدم سؤال، بر طبیب واجب است به آنان بگوید، تا از پیدا کردن چنین فرزندانی جلوگیری نمایند؟ اگر واجب نیست، آیا گفتنش حرام است؟ ۳. اگر طبیب احتمال دهد که در صورت اطّلاع والدین از این مطلب، هربار که فرزندی پیدا کنند، اقدام به سقط وی خواهند نمود، در اینجا وظیفه طبیب چیست؟ جواب: ۱. واجب نیست، مگر اینکه در سرنوشت آنان اثر مهمّی داشته باشد. ۲. در این گونه موارد اگر مسأله مهمّی است طبیب کتمان نکند. ۳. طبیب باید به وظیفه خود عمل کند، و اگر بیمار عمل خلافی انجام دهد او مسئول نیست؛ منتها طبیب وظیفه خود را در امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد. سؤال ۲۴۰- اگر مادری برای سقط بچّه‌اش کاری انجام ندهد، لکن با مراعات احکام پزشکی، ص: ۹۷ نکردن موارد لازم و تهیّه نکردن شرایط حفظ جنین، باعث سقط بچّه شود، آیا کار حرامی کرده است؟ جواب: اگر در حفظ جنین مطابق معمول کوتاهی کرده باشد مسئول است. سؤال ۲۴۱- دکتر دارویی داده که مادر بخورد تا بچّه‌اش سقط نشود، آیا زن می‌تواند به منظور سقط جنین دارو را نخورد؟ جواب: جایز نیست. سؤال ۲۴۲- نگهداری جنین مرده در شیشه، جهت آموزش چه حکمی دارد؟ آیا جهت دکور آزمایشگاهی، یا نگهداری در منزل جایز است؟ جواب: جهت دکور و امثال آن جایز نیست؛ ولی اگر ضرورتی برای آموزشهای لازم ایجاب کند، و چیزی جانشین آن نشود، مانعی ندارد. سؤال ۲۴۳- تبلیغات زیاد باعث شده که افراد از داشتن فرزند احساس شرمندگی نموده و مبادرت به سقط جنین نمایند، آیا چنین تبلیغاتی جایز است؟ جواب: جایز نیست. احکام پزشکی، ص: ۹۹

۱۰ ازدواج

الف) ازدواج مبتلایان به ایدز

سؤال ۲۴۴- آیا شخص مبتلا به ایدز می‌تواند دختر مسلمانی را به عقد خود درآورد؟ جواب: در صورتی که تولید خطر کند جایز نیست.

ب) ترمیم پرده بکارت

سؤال ۲۴۵- بعضی از زنان با مراجعه به پزشک در خواست دوختن یا ایجاد پرده بکارت به صورت جرّاحی ترمیمی دارند. این عمل از دیدگاه پزشکی یک اقدام طبّی همانند سایر موارد، نظیر اصلاح عیوب ظاهری بینی، صورت، شکم، و اندامها است، و از دیدگاه بیماران همانند کسانی که دارای یک اشکال در صورت، دست و سایر قسمتهای بدن می‌باشند، و از معالجه آن منتفع می گردند، می‌تواند برای فرد متقاضی منافع اجتماعی داشته باشد. اشتغال به عمل فوق، از نظر شرع مقدّس چگونه است؟ جواب: در صورتی که اشخاص مزبور واقعاً ضرورتی برای این کار احساس احکام پزشکی، ص: ۱۰۰ کنند، و قصد تدلیس نداشته باشند، جرّاحی فوق شرعاً اشکالی ندارد. سؤال ۲۴۶- با توجّه به آنچه در پاسخ سوال قبل آمده که «قصد تدلیس نداشته باشند» آیا تدلیس یک امر قصدی است؟ جواب: آری تدلیس یک امر قصدی است.

ج) آزمایش پرده بکارت

سؤال ۲۴۷- چنانچه عروسی از باب احتیاط، برای بررسی بکارت به دکتر زن، و در صورت نبودن زن به طبیب مرد مراجعه کند، با توجّه به لزوم لمس و نظر این کار چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه ترک این کار مظنّه مفاسد و اختلافات مهمّی بوده باشد جایز است. و در این صورت باید حتّی الامکان از طبیب زن استفاده شود، و اگر ممکن است از غیر طریق رؤیت مثلًا با استفاده از لمس غیر مستقیم به وسیله دستکش و مانند آن انجام گیرد.

د) آزمایش‌های قبل از عقد

سؤال ۲۴۸- معمولًا قبل از ثبت رسمی عقد ازدواج از پسر و دختر آزمایشاتی گرفته و بعضاً واکسن مخصوصی تزریق می گردد. چنانچه انجام این آزمایشات مستلزم نظر یا لمس عورت توسّط همجنس، و یا نظر و لمس سایر اعضای بدن توسّط غیر همجنس باشد چه حکمی دارد؟ جواب: تنها در صورت ضرورت جایز است.

ه) بیماریها و عیوب فسخ نکاح

۱. عیب‌های مخصوص زنان سؤال ۲۴۹- زوج در چه مواردی حقّ فسخ عقد نکاح را دارد؟ جواب: هرگاه مرد بعد از عقد بفهمد که همسرش یکی از هفت عیب زیر را دارد می‌تواند عقد را فسخ کند: ۱. دیوانگی ۲. بیماری خوره ۳. بیماری برص «۱» ۴. کور بودن «۲» ۵. شَل بودن، به طوری که آشکار باشد ۶. افضا شدن (یعنی راه بول و حیض او، یا راه حیض و غائطش یکی شده باشد، و به طور کلّی پارگی طوری باشد که قابل استفاده برای آمیزش جنسی نباشد) ۷. گوشت یا استخوان یا غدّه‌ای در او باشد که مانع نزدیکی شود. و چنانچه مرد به سبب یکی از این عیوب عقد را به هم بزند نیاز به طلاق نیست، همان فسخ کافی است. سؤال ۲۵۰- آیا نبودن بکارت در دختر باعث جواز فسخ عقد می‌شود؟ معنای فسخ چیست؟ جواب: در صورتی که شرط بکارت کرده باشد حق فسخ دارد، و معمولًا در محیطهای ما، شرط بکارت به عنوان یک شرط ضمنی و از پیش توافق شده می‌باشد. و معنای فسخ این است که بگوید: «من عقد را فسخ کردم، یا به هم زدم» و به هر زبانی باشد کافی است. ۲. عیوب مخصوص مردان سؤال ۲۵۱- زوجه در چه مواردی حق فسخ ازدواج را دارد؟ جواب: زن در چند صورت می‌تواند عقد را به هم زند: ۱. دیوانه بودن شوهر ۲. احکام

پزشکی، ص: ۱۰۲ نداشتن آلت مردی ۳. ناتوانی از نزدیکی جنسی ۴. در صورتی که بیضه‌های او را کشیده باشند. و چنانچه زن به خاطر یکی از عیوب بالا عقد را بر هم زند نیازی به طلاق نیست، و همان فسخ کافی است. «۱» سؤال ۲۵۲- در صورتی که زوجه با استفاده از حقّ فسخ، عقد را بر هم زند حکم مهریّه چیست؟ جواب: هرگاه زن به خاطر ناتوانی مرد از نزدیکی، عقد را بر هم زند، شوهر باید نصف مهر او را بپردازد، ولی اگر به خاطر یکی دیگر از عیبهایی که گفته شد مرد یازن عقد را بر هم زند، چنانچه با هم نزدیکی نکرده باشند چیزی بر مرد نیست، و اگر آمیزش کرده باشند بنابر احتیاط واجب باید تمام مهر را بپردازد. سؤال ۲۵۳- اگر حال شوهر پس از عقد بر خلاف آنچه ادعا کرده بود و عقد بر مبنای آن حال و شرایط اجرا گردیده بود ظاهر گردد، آیا باز هم طلاق و فسخ به دست شوهر است؟ اگر زن مهریّه را گرفته و بخواهد عقد را قبل از دخول فسخ کند حکم مهریّه چیست؟ جواب: اگر زن شرایطی را بر مرد شرط کرده باشد و مرد از آن شرایط تخلّف کند، یا در بعضی صفات زن را فریفته باشد و خلاف آن ثابت شود، زن حق فسخ عقد را دارد. و اگر قبل از دخول فسخ کند مستحق مهریّه نیست.

و) عیوب و بیماریهای قابل درمان

سؤال ۲۵۴- مواردی که قبلًا بیان می‌شد که مرد می‌تواند عقد را به هم زند، مانند بیماری برص (ویتیلیگو)، نقص مادر زادی، افضا، موانع مقاربت (مانع استخوانی یا پرده پوستی و مانند آن) همگی امروزه با درمان قابل رفع می‌باشد. احکام پزشکی، ص: ۱۰۳ حال چنانچه مردی پس از ازدواج متوجّه موارد مذکور گردد، آیا باز هم اختیار بر هم زدن عقد را دارد؟ جواب: چنانچه به سهولت قابل معالجه بوده باشد، و زن با هزینه خود اقدام به درمان نماید، خیار فسخ جاری نیست. سؤال ۲۵۵- اگر یکی از مجوّزات فسخ نکاح قبل از عقد وجود داشته، لکن با عملیّات پزشکی درمان شده، و عیب مزبور رفع گردیده باشد، آیا حقّ فسخ نکاح برای طرف دیگر پابرجاست؟ جواب: حقّ فسخ ندارد.

ز) بیماریها و عیوب جایگزین

سؤال ۲۵۶- با توجّه به اینکه کشور ما در حال حاضر در مرحله حذف بیماری جذام است، آیا می‌توان جایگزینهای دیگری، مانند بیماری ایدز، یا سایر بیماریهای پوستی که مخلّ به روابط زناشویی است، برای آن در نظر گرفت؟ جواب: در صورتی که واقعاً مخلّ روابط زناشویی باشد، حقّ فسخ ثابت است. سؤال ۲۵۷- با توجّه به اینکه یکی از راههای سرایت بیماری ایدز تماس جنسی است، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید: ۱. ازدواج و همبستر شدن با همسر مبتلا به ایدز چه حکمی دارد؟ ۲. آیا بیماری ایدز مبطل عقد است و مجوّز فسخ می‌شود؟ جواب: ازدواج با مبتلایان به ایدز باطل نیست، ولی چنانچه اطّلاع نداشته قابل فسخ است. امّا احتیاط آن است که زن با اجازه حاکم شرع خود را مطلّقه کند. و در هر صورت، اگر آمیزش خطر ابتلا به ایدز را به همراه داشته باشد، جایز نیست.

ح) برخی از عیوبی که حق فسخ نمی‌آورد

۱. بیماری صرع سؤال ۲۵۸- دختری را به ازدواج دائم پسرم در آورده‌ام. پس از عروسی معلوم شد که دختر مدتها به بیماری صرع (غش کردن) مبتلاست. خود دختر و طبیبش نیز این مطلب را تصدیق کرده، ولی پدر و مادرش آن را از ما پنهان کرده‌اند. حتی دختر می‌گوید: «می‌خواستم بگویم، ولی پدر و مادرم مانع شدند.» تکلیف عقد و مهریّه چیست؟ جواب: بیماری صرع موجب خیار فسخ در عقد نکاح نیست؛ بنابراین اگر زوج بخواهد زوجه را طلاق دهد. چنانچه عروسی نموده‌اند باید تمام مهر را بپردازد. ۲. بیماریهای روحی و عصبی سؤال ۲۵۹- زوجه در دوران عقد متوجّه بیماری روحی و عصبی صعب العلاجی در همسرش می‌گردد،

به گونه‌ای که عوارض بیماری زندگی را برای وی مخاطره‌آمیز ساخته است. نظر به ترس و نگرانی زوجه از زندگی مشترک، و ضرورت درمان طولانی چند ساله، و نبودن عزم جدّی بر معالجه از سوی زوج و خانواده‌اش، آیا زوجه می‌تواند نکاح را فسخ نموده، یا درخواست طلاق کند؟ جواب: در صورتی که قبلًا زوج و کسان او اظهار داشته‌اند که از سلامت کامل برخوردار است زوجه می‌تواند به عنوان تدلیس، نکاح را فسخ کند. در غیر این صورت، هرگاه ثابت شود زندگی با آن مرد مستلزم عسر و حرج شدید است حق دارد از حاکم شرع تقاضای طلاق کند. ۳ و ۴. سوختگی و پرده ضخیم مانع آمیزش سؤال ۲۶۰- پس از ازدواج معلوم شد که در قسمتهای بالای پای زوجه آثار احکام پزشکی، ص: ۱۰۵ سوختگی به طور ضعیفی به جای مانده است، و از طرفی پرده بکارت از نوع گوشتی و بسیار ضخیم است که آمیزش قبل از عمل جرّاحی ممکن نیست. چنانچه در خصوص سلامتی زوجه قبل از ازدواج هیچ سؤالی مطرح نشده باشد، آیا این مورد از موارد فسخ است؟ جواب: در صورتی که با جرّاحی معمولی مشکل حل شود و عوارض خاصی نداشته باشد، این مقدار عیب باعث فسخ نمی‌شود. ۵. غیر طبیعی بودن قسمتی از بدن سؤال ۲۶۱- جوانی دختر باکره‌ای را، مشروط بر صحّت کامل طرفین، عقد کرده است. زوجه در اوّلین فرصت پس از عقد که با شوهرش تنها بوده، متوجّه می‌شود که ناحیه فوقانی بدن زوج دارای عوارض مادرزادی، قیفی شکل، ناموزون و غیر طبیعی است، بدین جهت از تمکین خودداری نموده است. آیا زوجه حق فسخ دارد؟ جواب: این عیب از عیوب موجب فسخ نکاح نیست؛ مگر اینکه قبلًا شرط صحّت کامل کرده باشند. که در این صورت زن حقِّ فسخ از باب خیار تدلیس دارد. ۶. بیماری ام اس (MS) سؤال ۲۶۲- آیا بیماری MS موجب فسخ نکاح می‌شود؟ جواب: این بیماری از عیوب مجوّز فسخ نکاح نیست.

ط) حکم ازدواج بعد از تغییر جنسیّت واقعی

سؤال ۲۶۳- اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیّت دهند، حکم احکام پزشکی، ص: ۱۰۶ ازدواج قبلی آنها چیست؟ جواب: اگر تغییر حقیقی باشد زوجیّت بلافاصله فسخ می‌شود، و می‌توانند مجدّداً عقد ازدواج درشکل جدیدبخوانند؛ ولی‌احتیاط آن‌است که زمان عدّه بگذرد. سؤال ۲۶۴- اگر یکی از زوجین تغییر جنسیّت دهد لطفاً بفرمایید: ۱. حکم ازدواج آنها چیست؟ ۲. مهریّه زوجه چه حکمی دارد؟ جواب: اگر تغییر جنس واقعی باشد نه صوری، ازدواج آنها باطل می‌شود، ولی مهریّه مربوط به زمان قبل به قوّت خود باقی است.

ی) نفقه زوجه بیمار

سؤال ۲۶۵- با توجّه به اینکه مداوای بیماری عرفاً جزء نیازهای اولیّه هر انسانی است، آیا هزینه دارو و درمان زوجه مریض نیز جزء نفقه زوجه محسوب می‌شود؟ جواب: مداوا در حدّ متعارف جزء نفقه است. سؤال ۲۶۶- هرگاه طبق نظر پزشک، زوجه دائمی مبتلا به بیماری باشد که برای مدّت طولانی یا برای همیشه قادر بر تمکین نباشد، یا به علّت ابتلای به جنون ادواری یا دائم، در تیمارستان یا منزل بستری و تحت درمان باشد، و به هیچ وجه حاضر به نزدیکی با شوهرش نباشد، آیا چنین زنی در دو فرض بالا نفقه دارد؟ جواب: در صورتی که زن مقصّر نبوده باشد احتیاط واجب آن است که نفقه او را بپردازد. سؤال ۲۶۷- زنی به سبب آتش سوزی در منزل شوهر راهی بیمارستان شده، و پس از چند ماه بستری شدن فوت می‌کند. آیا هزینه بیمارستان برعهده‌شوهراست؟ جواب: احتیاط واجب آن است که شوهر هزینه درمان او را بدهد.

۱۱ تغییر جنسیّت

۱. تغییر جنسیّت از منظر شرع

سؤال ۲۶۸- تغییر جنسیّت از نظر شرع چگونه است؟ جواب: تغییر جنسیّت ذاتاً خلاف شرع نیست، ولی بایـد از مقـدّمات مشروع استفاده شود؛ یعنی نظر به عورت و لمس آن لازم نیاید، مگر اینکه به حدّ ضرورت، همچون ضرورت مراجعه به طبیب رسیده باشد، کـه در این صـورت جـایز است. سـؤال ۲۶۹- مردی در اثر عـدم تربیـت صـحیح، و مراعـات نکردن مسائـل شـرعی در خـانواده، در کودکی لباس زنانه پوشیده، و اکنون که بزرگ شده خود را زن می‌داند، و با استفاده از داروهای شیمیایی حالات زنانه را در خود تقـویت کرده، و درخـواست تغییر جنسیّت دارد، آیـا می‌توانـد تغییر جنسیّت بدهـد؟ جواب: همـان طور که در بالاـ گفته شـد تغییر جنسیّت صوری جـایز نیست، ولی اگر جنسیّت واقعی او خلاـف آن است که در او ظاهر می‌باشـد، تغییر آن جایز، بلکه گاه واجب است. سؤال ۲۷۰- مردی به علّت اینکه در گذشته علاقه زیادی به بازی با دختران احکام پزشکی، ص: ۱۰۸ داشته، و به جهت اینکه صـاحب فرزنـدی در زنـدگی مشترک خود نگردیـده، و به خـاطر لجبـازی در برخی مسائـل با دوسـتانش، تصـمیم به تغییر جنسیّت می‌گیرد. وی بـدون اطّلاـع خـانواده‌اش، قریب به شـش مـاه داروهـای هورمونی زنانه مصـرف کرده، و جهت محکم نمودن تصـمیم خویش با روانشناسی مشاوره نموده است. ابتدا با طرح مسائلی دروغ در خانواده، از قبیل اینکه به گفته پزشکان «قلب من زنانه است» و ماننـد آن، قصد آماده سازی زمینه این کار را داشتـه است، پس از مدّتی با اغفال خانواده‌اش موفّق می‌شود خانمش را طلاق دهد، و در گام بعد برای اوّلین بار لباس زنانه پوشیـده، و با آراسـتن شـکل ظاهری خویش به شـکل زنان به منزلشان می‌آید، که با عکس العمل تنـد والـدین روبه رو می‌شود، ولی نه تنها عقب‌نشـینی نکرده، بلکه تهدیـد می‌نمایـد که اگر به آرزویش نرسـد انتحار خواهد کرد. و بالاـخره تغییر جنسیّت داده، و بـا تغییر نـام خود بـا مردی ازدواج می‌کنـد. حکم این مسأله چیست؟ جواب: چنـانچه قبلًا هم گفته‌ایم تغییر جنسیّت دو صورت دارد: گاهی صرفا ظاهری و صوری است؛ یعنی اثری از آلت جنس مخالف نیست، بلکه فقط یک جرّاحی صوری انجام می‌گیرد، و چیزی شبیه آلت جنس مخـالف ظـاهر می‌گردد، این کـار حرام است، و بایـد بشـدّت از آن پرهیز نمود. و اگر ازدواجی براساس آن صورت گیرد حرام و باطل است و حدّ شـرعی دارد. ولی گاه واقعی است، یعنی با جرّاحی کردن، عضو تناسـلی مخالف ظاهر می‌گردد، این کار ذاتاً جایز است و محـذور شـرعی ندارد، مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشـد؛ امّـا چون این جرّاحی نیاز به لمس و نظر دارد، تنها در موارد ضـرورت جایز است. سؤال ۲۷۱- سؤالی در موردِ جنسیّتِ یکی از دوسـتان به شرح زیر دارم: احکام پزشکی، ص: ۱۰۹ «پس از ازدواج تا دو سال مشـخّص نشـد که زن است؛ ولی این مطلب بعداً باعث طلاق شد. در این روسـتای کوچک همه با هم خویشاوند هسـتند، و ایشان با همه مردها روابط حسـنه و دوسـتانه‌ای دارد. اکنون که با این مشـکل مواجه شـده، نمی‌توانـد در روستا زنـدگی کنـد.» با این مشـکل چه کنـد؟ نماز و روزه این شـخص چگونه است؟ کـدام حـالت را رعایت کنـد؟ مرد باشـد همان گونه که در این مـدّت بوده، یا زن شود؟ جواب: چنانچه واقعاً جنسـیّت او زن است، و مرد بودن اشـتباه بوده، باید فعلًا به وظایف زن عمل کند، و نسبت به گذشته که اطّلاعی نداشته، گناهی مرتکب نشده است. البتّه مانـدن او در آن محیـط کوچک با این حال مشـکل است، و مصـلحت این است که از آنجا مهاجرت کنـد. شـکّی نیست که او گرفتار وضع دشواری است، امّا به لطف خدا مشکل او حلّ می‌شود.

۲. وظیفه پزشک در برابر متقاضیان تغییر جنسیّت

سؤال ۲۷۲- دختری از کودکی لبـاس مردانه می‌پوشیـده، و اکنون که بزرگ شـده خود را مرد می‌دانـد، و بـا اسـتفاده از داروهـای شیمیـایی حالت مردانه در خود ایجاد کرده، و با مراجعه به پزشک، در خواست تغییر جنسیّت نموده است، آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیّت می‌باشد؟ جواب: تغییر جنسیّت اگر صوری باشد، جایز نیست، و اگر واقعی باشد (این امر در افراد دو جنسی واقع می‌شود) به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیّت واقعی جایز، و گاه واجب است. سؤال ۲۷۳- با توجّه به اینکه تغییر جنسیّت از نظر طبّی در غیر خنثی (دو جنسی) به تعبیر اطبا تنقیص جنسیّت محسوب می‌شود، بعضاً اطبا با مواردی احکام پزشکی، ص: ۱۱۰ مواجهند که شخص

از نظرِ ظاهرِ بدن، بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می گویند: اگر این تغییر ولو به طور صوری و ظاهری صورت نگیرد، انتحار خواهیم کرد (تا به حال دوبار این مسأله پیش آمده است) و با توجّه به اینکه آمارهای علمی نشان می‌دهد، این گونه افراد شش الی شانزده ماه بعد از وضعیّت جدید پشیمان خواهند شد. آیا اطبّا در این گونه موارد که با تهدید انتحار مواجهند، می‌توانند از باب اینکه حفظ نفس مقدّم بر حفظ عضو است، این عمل را انجام دهند؟ جواب: همان گونه که گذشت تغییر جنسیّت دو صورت دارد، گاه صرفاً ظاهری و صوری است، یعنی اثری از آلت جنس مخالف در او نیست، فقط یک جرّاحی صوری در او انجام می گیرد، و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می گردد، این کار جایز نمی‌باشد. و گاه واقعی است، یعنی با جرّاحی کردن عضو تناسلی مخالف ظاهر می‌شود، این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد، مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشد، امّا چون این جرّاحی نیاز به نظر و لمس دارد تنها در موارد ضرورت، مانند آنچه ذکر کرده‌اید، مجاز است. سؤال ۲۷۴- دو جنسی‌های کاذب از لحاظ پزشکی بر دو دسته‌اند: دسته اوّل دو جنسی‌هایِ کاذبِ مؤنّث‌اند، که از لحاظ کروموزومی مؤنّث، ولی ظاهری کاملًا مردانه دارند. دسته دوّم دو جنسی‌هایِ کاذب مذکّر هستند، که وضعیّت کروموزومی آنان مذکّر، ولی دارای ظاهری کاملًا زنانه هستند. ضمناً دو جنسی‌های حقیقی (که در فقه به آنها خنثای مشکل می گویند) دارای دو گناد (بیضه و تخمدان) هستند، و ممکن است هر دو فعّال باشد. (ممکن است تخمدان در یک طرف و بیضه‌ها در طرف دیگر باشد، یا مخلوطی از بافت بیضه احکام پزشکی، ص: ۱۱۱ و تخمدان در یک طرف، یا در هر دو طرف باشد. خلاصه دارای اندام تناسلی، به اشکال گوناگون هستند.) باتوجّه‌به مطالب بالا بفرمایید: ۱. آیا پزشک در دو جنسی‌های کاذب مؤنّث، مجاز است، در صورت تمایل فرد و علیرغم ماهیّت زنانه، اقدامی کند که ظاهر مردانه وی حفظ شود؟ جواب: جایز نیست. ۲. اگر دوجنسی کاذب مؤنّث- که ماهیّتش‌زنانه‌است- بازن‌سالم‌ازدواج کرده‌باشد، تکلیف شرعی پزشک در اقدام به عمل جرّاحی برای حفظ ظاهر مردانه وی‌چیست؟ جواب: باید سفارش کند آنها از هم جدا شوند، زیرا ازدواج آنها باطل است. ۳. اگر دو جنسی کاذب مؤنّث هنوز ازدواج نکرده باشد، با توجّه به اینکه اگر ازدواج کند- هرچند ظاهرش بر اثر عمل جرّاحی باقی می‌ماند- دو زن با هم ازدواج کرده‌اند، تکلیف پزشک در انجام عمل جرّاحی برای ظاهر مردانه چیست؟ جواب: جایز نیست. ۴. در مواردی که دو جنسی کاذب مؤنّث با زن ازدواج کرده باشد، و پزشک متوجّه دو جنسی بودن وی شود، وظیفه‌اش در کتمان یا افشای اسرار چیست؟ (کتمان سر موجب ازدواج یا ادامه ازدواج دو زن می‌شود، و افشای سرّ نیز کار ناشایستی است، چون صاحب آن راضی به افشا نیست.) پزشک چه کند؟ جواب: سزاوار است خود آنها را از نامشروع بودن این کار با خبر سازد. ۵. آیا پزشک مجاز است در مورد دو جنسی‌های کاذب مذکّر، که علی رغم ظاهر زنانه از لحاظ ماهیّت مرد هستند، برای حفظ ظاهر زنانه آنها، عمل جرّاحی انجام دهد؟ جواب: جایز نیست. احکام پزشکی، ص: ۱۱۳

۱۲ مرگ مغزی

اشاره

سؤال ۲۷۵- درباره مرگ مغزی کراراً سوالی کرده‌ایم و جواب فرمودید. اجازه دهید آن را به صورت کلّی‌تر مطرح کنیم: در مورد مرگ مغزی، که مغز از کار افتاده، و تنها دستگاههای حیاتی نباتی کار می‌کند، و هیچ امیدی به بازگشت چنین کسی به حیات حیوانی و انسانی نیست، احکام مختلفی در زمینه مسائل گوناگون حقوقی و مالی و پزشکی تصوّر می‌شود. لطفاً شرح جامعی درباره تمام این مسائل هرچند به صورت فشرده بیان فرمایید. جواب: با توجّه به اینکه پزشکان تصریح می‌کنند این گونه افراد مانند شخصی هستند که مغز او بکلّی متلاشی شده، و یا سر از تن او جدا کرده‌اند، که با کمک وسایل تنفّس مصنوعی و تغذیه، ممکن

است تا مدّتی به حیات نباتی او ادامه داد، یک انسان زنده محسوب نمی‌شوند، در عین حال یک انسان کاملًا مرده هم نیستند. بنابراین، در احکام مربوط به حیات و مرگ باید تفصیل داده شود. مثلًا احکام مسّ میّت، غسل و نماز میّت، و کفن و دفن درباره آنها جاری نیست، تا قلب از کار بیفتد و بدن سرد شود. اموال آنها را نمی‌توان در میان ورثه تقسیم کرد، و همسر آنها عدّه وفات نگه نمی‌دارد، تا این مقدار حیات آنان نیز پایان پذیرد. احکام پزشکی، ص: ۱۱۴ ولی وکلای آنها از وکالت ساقط می‌شوند، و حقّ خرید و فروش یا ازدواج برای آنها، یا طلاق همسر از طرف آنان ندارند، و ادامه معالجات در مورد آنها واجب نیست، و برداشتن بعضی از اعضای بدن آنها، در صورتی که حفظ جان مسلمانی متوقّف بر آن باشد مانعی ندارد؛ ولی باید توجّه داشت که اینها همه در صورتی است که مرگ مغزی به طور کامل و به صورت قطعی ثابت گردد، و احتمال بازگشت مطلقاً وجود نداشته باشد. سؤال ۲۷۶- تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیر قابل بازگشت، فعالیّتهای قشر مغز خود را از دست داده، و در حالت اغمای کامل بوده، و به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی‌دهند، ضمناً فعالیّتهای ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفّس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می‌باشند. در این گونه موارد احتمال بازگشت فعّالیّتهای مورد اشاره، مطلقاً وجود نداشته، و بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده، که ادامه این ضربان هم موقّتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدّت چند ساعت و حدّ اکثر چند روز مقدور می‌باشد. این وضعیّت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می‌شود؛ از طرفی نجات جان عدّه دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به اینکه این اشخاص فاقد تنفّس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند، و هیچ گاه حیات خود را باز نمی‌یابند. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید: ۱. در صورت احراز شرایط فوق، آیا می‌توان از اعضای بدن آنها برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟ ۲. آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمانان نیازمند به پیوند عضو، برای جواز قطع عضو کافی است، یا اذن قبلی و وصیّت صاحب عضو نیز لازم است؟ احکام پزشکی، ص: ۱۱۵ ۳. آیا در صورت جواز قطع اعضا دیه، ثابت است، یا ساقط می‌شود؟ ۴. در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن بر عهده کیست؟ پزشک یا بیمار؟ ۵. موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟ جواب: ۱. جواب این مسأله در سابق گفته شد، ولی از نظر اهمیّت مسأله توضیحاً عرض می‌شود که در موارد مرگ مغزی، به صورتی که در بالا ذکر شد، اگر موضوع قطعی و یقینی باشد، چنان فردی در این گونه احکام مانند میّت است (هر چند پاره‌ای از احکام میّت مانند غسل و نماز و کفن و دفن و غسل مسّ میّت بر او جاری نمی‌شود) بنابراین برداشتن اعضای او برای نجات جان مسلمانان مانعی ندارد. ۲. در مواردی که عضو را بعد از مرگ کامل بر می‌دارند، و نجات جان دیگران منوط به آن است، اذن قبلی یا اجازه بازماندگان لازم نیست، هرچند بهتر است. ۳. در مورد جواز قطع اعضا، احتیاط دادن دیه است. ۴. بر عهده کسی است که عضو را قطع کرده است. ۵. درکارهای خیر برای میّت مصرف می‌شود.

پایان دادن به زندگی

سؤال ۲۷۷- شخصی دوازده سال است که بر اثر تصادف بیهوش است، یا بیماری که مدّت طولانی است که پس از عمل جرّاحی به هوش نیامده است، آیا در چنین مواردی می‌توان با تزریق آمپول به زندگی آنها پایان داد؟ جواب: این کار جایز نیست؛ ولی اگر بازگشت به حال طبیعی عادتاً امکان نداشته باشد، می‌توان از ادامه معالجه خودداری کرد. سؤال ۲۷۸- بیماری که می‌داند بیماریش درمان‌ناپذیر است، آیا می‌تواند مرگ احکام پزشکی، ص: ۱۱۶ را انتخاب کند؟ جواب: جایز نیست. سؤال ۲۷۹- شخصی از یک بیماری لاعلاج مانند سرطان رنج می‌برد، و پزشکان هم از معالجه وی ناامید شده‌اند، حال اگر پزشکی از روی ترحّم و دلسوزی از معالجه وی که منتهی به ادامه زندگی شخص بیمار در مدّت کوتاهی می‌شود خودداری نماید و بیمار زودتر بمیرد، آیا از نظر فقهی چنین کاری جرم است؟ لطفاً به دلیل آن اجمالًا اشاره کنید. جواب: قتل انسان مطلقاً جایز نیست، حتی از روی ترحّم، و حتّی با اجازه خود مریض. دلیل اصلی این مسأله اطلاقات ادلّه حرمت قتل از آیات و روایات است، و همچنین ادلّه وجوب حفظ نفس. و

ممکن است فلسفه آن این باشد که چنین اجازه‌ای سبب سوء استفاده‌های فراوان می‌شود، و قتل از روی ترحّم به بهانه‌های واهی صورت می‌گیرد، یا افرادی به قصد انتحار و خودکشی از این راه وارد می‌گردند. به علاوه مسائل پزشکی غالباً یقین آور نیست، و ای بسا افرادی که از حیات آنها مأیوس بوده‌اند، و به طور عجیبی از مرگ رهایی یافته‌اند. سؤال ۲۸۰- آیا انسان می‌تواند به دیگری اجازه قتل خویش را بدهد؟ آیا قاتل ضامن است؟ اگر مانند مریض در حال مرگ باشد، که به پزشک اذن تزریق آمپول مرگ آور بدهد چطور؟ نسبت به اشخاص دیگر چه می‌فرمایید؟ جواب: اجازه چنین چیزی جایز نیست، و اگر اجازه بدهد و راضی باشد سبب جواز نمی‌شود. سؤال ۲۸۱- بیماران مرگ مغزی در علم پزشکی اشخاصی هستند که دچار توقّف تمامی فعّالیّتهای شناخته شده مغزی شده، ولی قلب و بعضی از اعضای دیگر بدن آنها به کار خود ادامه می‌دهد. تنفّس در این بیماران متوقّف شده، و با احکام پزشکی، ص: ۱۱۷ استفاده از دستگاه تنفّس دهنده (اسپیراتور) می‌توان تنفّس را برقرار کرد. این گونه بیماران در فواصل زمانی چند ساعت یا بیشتر نهایتاً دچار ایست قلبی و مرگ خواهند شد، آیا می‌توان با توجّه به فروض ذیل این گونه بیماران را از دستگاه تنفّس دهنده جدا نمود: الف) هزینه سنگین دستگاه‌های تنفس دهنده. ب) استهلاک این دستگاه‌ها در حدّی که در موارد ضروری‌تر کارآیی کافی را نخواهد داشت. ج) تحمّل اضطراب و انتظار طولانی خانواده بیمار، در حالی که بیمار آنها بهبود نخواهد یافت. د) وجود بیماری که شانس بهبودی بیشتری داشته، و همزمان محدودیّت در تعداد دستگاههای تنفّس دهنده وجود دارد. نظر شما چیست؟ جواب: در فرض مسأله اگر به امور مزبور یقین حاصل شود در تمام موارد ادامه معالجه واجب نیست. احکام پزشکی، ص: ۱۱۹

۱۳ پیوند اعضا

الف) پیوندهای مجاز

۱. پیوند از اعضای انسان مرده سؤال ۲۸۲- امروزه علم پزشکی بسیار پیشرفت نموده، و پزشکان می‌توانند برخی از اعضای فردی که به طور طبیعی فوت کرده، و حتّی ضربان قلب او نیز از کار افتاده، را به بیمارانی که در خطر مرگ هستند، یا زندگانی پر مشقّت و رنج‌آوری دارند پیوند زنند (مانند کلیه، استخوان، کبد، چشم و ...) آیا این عمل جایز است؟ جواب: در فرض مسأله اشکالی ندارد. سؤال ۲۸۳- اگر جسد مجهول الهویّه‌ای، که اعضای قابل پیوندی دارد، در دسترس باشد، آیا می‌توان اعضا آن را به بیماری که محتاج آن است پیوند زد؟ جواب: اگر موجب نجات جان مسلمانی از مرگ یابیماری مهمّی شود جایز است. سؤال ۲۸۴- در فرض مسأله فوق اگر بعداً ولیّ متوفّی پیدا شود، و نسبت به این کار اظهار نارضایتی کند چه باید کرد؟ جواب: در فرض فوق عدم رضایت او مشکلی ایجاد نمی‌کند، و فرقی بین احکام پزشکی، ص: ۱۲۰ مجهول الهویّه و غیر آن نیست؛ ولی احتیاط صرف دیه آن در خیرات برای میّت است. سؤال ۲۸۵- در صورتی که حیات رزمنده مسلمانی متوقّف بر پیوند اعضا باشد، لطفاً بفرمایید: الف) آیا می‌توان اعضای میّت غیر مسلمان را قطع، و برای پیوند استفاده نمود؟ ب) بر فرض جواز، آیا دیه لازم است؟ بر عهده بیمار است، یا قطع کننده؟ ج) آیا عضو پیوند شده برای نماز اشکالی ایجاد نمی‌کند؟ جواب: پیوند در چنین فرضی جایز، بلکه واجب است. و بعد از اینکه جزء بدن شد، برای نماز اشکالی ندارد. و در فرض مسأله دیه‌ای ندارد. سؤال ۲۸۶- قطع عضو میّت مسلمان، و پیوند آن، در صورتی که حفظ جان یا عضو مسلمانی متوقّف بر آن باشد، چه حکمی دارد؟ آیا اجازه قبل از فوت تأثیری در حکم دارد؟ اگر اجازه شخص موضوعیّت داشته باشد، آیا فرد می‌تواند در زمان حیات عضوی از بدنش را برای استفاده پس از مرگ بفروشد؟ جواب: در صورتی که حفظ جان مسلمان یا حفظ عضو مهمّی از آن منوط به پیوند باشد، جایز است. و در این صورت، اجازه شخص متوفّی، و اولیای دم او لازم نیست؛ هرچند گرفتن اجازه بهتر است. و احتیاط آن است که دیه را بپردازد. سؤال ۲۸۷- هرگاه

شخصی نسبت به پیوند اعضای خود به دیگران پس از مرگش ناراضی باشد، امّا پس از وفاتش ولیّ وی نسبت به این کار رضایت دهد، در این صورت پیوند چه حکمی دارد؟ جواب: اگر موجب نجات جان مسلمانی از مرگ یا بیماری مهمّی گردد جایز است. احکام پزشکی، ص: ۱۲۱ سؤال ۲۸۸- اگر شخصی در طول زندگیش نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشته باشد، آیا پس از مرگش می‌توان با اجازه ولیّ وی چنین کاری را انجام داد؟ جواب: اگر ضرورتی ایجاد کند مانعی ندارد. سؤال ۲۸۹- با توجّه به وجود هزاران هزار بیمار دیالیزی، و نظر به اینکه پیوند کلیه قطعی‌ترین درمان این عزیزان است، احتراماً خواهشمند است نظر خود را در مورد مسائل ذیل مرقوم بفرمایید: الف) به نظر حضرت عالی، پیوند عضو از فردی که دچار مرگ مغزی شده چه حکمی دارد؟ لازم به ذکر است که طبق نظر متخصّصین با از کار افتادن مغز، کلیّه اعضای بدن نیز پس از ساعتی از کار می‌افتد. ب) آیا با وصیّت فرد، چنین پیوندی جایز است؟ ج) چنانچه پیوند عضو از فرد دچار مرگ مغزی شده جایز باشد، برای روشن شدن اذهان مردم نسبت به این امر چه باید کرد؟ جواب: هرگاه مرگ مغزی به طور کامل و مسلّم باشد، و هیچ گونه احتمال بازگشت به زندگی عادی وجود نداشته باشد، برداشتن بعضی از اعضا (خواه مانند قلب باشد یا کلیه یا عضو دیگر) برای نجات جان مسلمانی، مانعی ندارد، خواه وصیّت به این کار کرده باشد یا نه، ولی بهتر جلب رضایت اولیای میّت است. سؤال ۲۹۰- هرگاه اعضای مهمّ بدن بیماری بر اثر ضعف و ناراحتی در حال مرگ باشد، و از طرفی جسد مرده‌ای نیز در اختیار باشد، آیا می‌توان عضو مورد نظر را از بدن میّت برداشت، و به بدن شخص مریض پیوند زد؟ جواب: اگر زندگی آن بیمار متوقّف بر این کار باشد، واجب است. احکام پزشکی، ص: ۱۲۲ ۲. پیوند از اعضای انسان زنده سؤال ۲۹۱- اهدای کلیه در چه سنّی جایز است، آیا برای انسان غیر بالغ، در صورتی که ولیّ او اجازه دهد، این کار جایز است؟ جواب: اهدای کلیه برای غیر بالغ جایز نیست، چون ولی در این گونه موارد ولایت ندارد. سؤال ۲۹۲- آیا برداشتن عضو از بدن فرد زنده جهت پیوند جایز است؟ در صورت جواز مستلزم پرداخته دیه می‌باشد؟ جواب: اگر با اجازه خود او باشد، و خطری وی را تهدید نکند، جایز است و دیه ندارد. سؤال ۲۹۳- آیا جدا کردن عضو از بدن شخص زنده جهت پیوند جایز است؟ در صورت جواز، آیا تفاوتی میان اعضای رئیسی (مانند قلب) و غیر آن هست؟ جواب: تنها اعضایی را می‌توان با رضایت صاحب آن جدا کرد که فقدان آن (مانند کلیه) جان صاحبش را به خطر نیندازد، و برای نجات جان دیگری مورد استفاده قرار بگیرد. سؤال ۲۹۴- در مورد محکومین به اعدام یا حبسهای طولانی، آیا قاضی یا حاکم شرع می‌تواند به لحاظ مصلحت، تخفیف کیفر محکوم را موکول به اهدای عضوی برای نجات مسلمانی از بیماری یا مرگ نماید؟ جواب: هرگاه محکوم راضی به این امر باشد، و ضرر مهمّی برای او نداشته باشد، جایز است؛ ولی چنانچه انعکاس خارجی این امر، نامطلوب و دستاویزی برای دشمنان اسلام گردد باید از آن پرهیز کرد. سؤال ۲۹۵- آیا می‌توان تخفیف جرم محکومین به اعدام را موکول به اهدای عضوی از آنها برای نجات جان مسلمانی دانست؟ جواب: تنها صاحب حق در مورد قصاص یا دیات می‌تواند گذشت از تمام یا احکام پزشکی، ص: ۱۲۳ قسمتی از حقّ خود را مشروط به اهدای عضوی که اهدای آن جایز است بکند، و طرف مقابل می‌تواند این شرط را بپذیرد یا نپذیرد. سؤال ۲۹۶- آیا برداشتن قطعه‌ای از استخوان یا عضله شخص مسلمان «با رضایت یا بدون رضایت وی» برای استفاده در بدن شخص غیر مسلمانی که دشمنی با مسلمانان ندارد جایز است؟ جواب: اگر با اجازه بردارند و این کار برای شخصی که از او بر می‌دارند خطر جانی یا نقص عضو مهمّی نداشته باشد، مانعی ندارد. سؤال ۲۹۷- استفاده از باقیمانده‌های زایمانی «جفت، پرده جنین و ...» برای اعمال جرّاحی دیگران، چه حکمی دارد؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۲۹۸- پیوند زدن انگشتان قطع شده سارق به دست شخص دیگری (که فرضاً در کارخانه بریده شده) چه حکمی دارد؟ بر فرض جواز، آیا اجازه صاحب عضو در این کار لازم است؟ جواب: با اجازه صاحب عضو جایز است. سؤال ۲۹۹- آیا از فردی که در حال مرگ مغزی است، ولی به وسیله دستگاه تنفس مصنوعی به حیات نباتی ادامه می‌دهد، و از نظر پزشکی امکان برگشت وی به زندگی عادی وجود ندارد و مرده تلقّی می‌شود، می‌توان در موارد زیر عضوی را (مثل چشم یا کلیه) برای پیوند خارج کرد؟ الف) در مورد

مسلمانان به طور کلّی. ب) در مورد مسلمانان با وصیّت قبلی، و یا اجازه اطرافیان. ج) در مورد غیر مسلمانان. جواب: با اجازه و رضایت قبلی خودش در مورد یک کلیه و مانند آن مانعی احکام پزشکی، ص: ۱۲۴ ندارد، و امّا در غیر مسلمان مطلقاً جایز است. و در مورد اعضای اصلی مانند مسأله ۲۸۲ است. ۳. وصیّت به پیوند اعضا سؤال ۳۰۰- آیا اهدای اعضای بدن، مثل قلب، کلیه و چشم، بعد از فوت و با موافقت ورثه جهت پیوند به انسان زنده دیگری جایز است؟ جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد. سؤال ۳۰۱- آیا انسان بالغ می‌تواند وصیّت کند که پس از مرگ اعضای بدنش را (مانند قلب و کلیه و ...) بدون اخذ وجهی به بیماران نیازمند داده، سپس او را دفن کند؟ آیا می‌تواند شرط کند که اعضا را بفروشند و در مواردی که وصیّت می‌کند خرج کنند؟ جواب: این وصیّت تنها در صورتی نافذ است که ضرورتی ایجاب کند که اعضای بدن او را بردارند. و بهتر آن است که رایگان در اختیار نیازمندان بگذارند، هرچند گرفتن پول به صورتی که در بالا گفته شد مانعی ندارد. سؤال ۳۰۲- آیا انسان می‌تواند وصیّت کند اعضای بدنش را بعد از وفات، به مسلمانی که اعضای مهمّ بدنش مثل قلب و غیر آن در خطر است اهدا کنند، به بیمار غیر مسلمان چطور؟ جواب: در مورد مریض مسلمان، در فرض مسأله اشکالی ندارد، و امّا در مورد مریض غیر مسلمان جایز نیست؛ مگر اینکه هدف مهمتری در کار باشد، یا اینکه وصیّت کننده از کفّار باشد. سؤال ۳۰۳- اگر شخصی وصیّت کند بعد از وفات، اعضای قابل پیوندش را به بیماران پیوند زنند، آیا مجاز به این کار هستیم؟ جواب: اگر موجب نجات جان مسلمانی از مرگ یا بیماری مهمّی گردد جایزاست. احکام پزشکی، ص: ۱۲۵ سؤال ۳۰۴- اگر شخصی وصیّت کند بعد از وفاتش، اعضایش را به دیگران پیوند بزنند، اما ولیّ وی نسبت به این کار ناراضی باشد، آیا مجازیم این کار را بدون اجازه ولی انجام دهیم؟ جواب: اگر موجب نجات جان مسلمانی از مرگ یا بیماری مهمّی گردد جایز است، و اجازه ولی شرط نیست. ۴. پیوند از اعضای حیوانات سؤال ۳۰۵- پیوند اعضای حیوانات به انسان چه حکمی دارد؟ جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد. سؤال ۳۰۶- آیا می‌توان از اعضای بدن خوک به انسان پیوند زد؟ جواب: در موارد ضرورت مانعی ندارد.

ب) پیوندهای غیر مجاز

۱. پیوند دست قطع شده سارق سؤال ۳۰۷- پس از اجرای حدّ سرقت عضو قطع شده ملک کیست؟ ملک حکومت است که اجرای حد کرده، یا ملک سارق؟ در صورت دوم، پیوند آن عضو به شخص سارق، یا فروش آن برای پیوند به دیگری چه حکمی دارد؟ جواب: عضو قطع شده متعلّق به صاحب آن است، ولی پیوند مجدّد آن به صاحب اصلی جایز نیست. امّا می‌تواند به دیگری به صورت مجّانی یا در برابر قیمت آن واگذار کند. ۲. برداشتن اعضای بدن اعدامی‌ها برای پیوند سؤال ۳۰۸- گرفتن اعضا از کسانی که به دلایلی غیر از قصاص محکوم به اعدام احکام پزشکی، ص: ۱۲۶ می‌شوند، با اجازه و رضایت خود متّهم، در بیمارستان و اطاق عمل برای پیوند به افراد مسلمان نیازمند و نجات جان آنان، چه حکمی دارد؟ به عبارت دیگر، در مواردی که شرع مقدّس و قانون، نوع اعدام را مشخّص ننموده، اعضایی از آنها برداشته شود به شکلی که با این کار (برداشتن عضو مثل قلب، ریه، کبد و مانند آن) متّهم فوت خواهد کرد، که این کار نوعی اعدام تلقی می‌شود. آیا این کار جایز است؟ جواب: دلیلی بر جواز این نوع اعدام نیست. ۳. پیوند دست قطع شده محارب سؤال ۳۰۹- آیا پس از اجرای حدّ محاربه می‌توان به محکوم علیه اجازه داد تا با هماهنگی یک پزشک متخصّص نسبت به پیوند اعضا جدا شده اقدام نماید؟ جواب: محارب حق ندارد عضو قطع شده را پیوند بزند. ۴. پیوند عضوی که با قصاص قطع شده است سؤال ۳۱۰- پیوند عضوی که با قصاص قطع می‌شود جایز است؟ جواب: اشکال دارد. ۵. برداشتن اعضای بیمار لاعلاج برای پیوند سؤال ۳۱۱- چنانچه در اثر وقوع بیماری لاعلاج و پیشرونده، مرگ بیماری از نظر پزشکان حتمی و قریب الوقوع باشد، آیا می‌توان از اعضای بدن وی نظیر قلب، کلیه و کبد برای پیوند به بیماران و نجات جان آنان استفاده کرد؟ جواب: جایزنیست؛ مگر در مورد مرگ مغزی که بطور قطع قابل بازگشت نیست. احکام پزشکی، ص: ۱۲۷ ۶.

برداشتن اعضای کسی که دچار مشکل می‌شود سؤال ۳۱۲- اگر احتمال دهیم با برداشتن یک یا چند عضو از شخص زنده، در آینده نزدیک یا دور دچار عوارض خفیف یا شدیدی خواهد شد، و از طرفی نجات جان بیمار دیگری وابسته به همین کار باشد، و مورد دیگری نیز در دسترس نیست، آیا مجازیم بدون آگاهی هدیه دهنده، چنین کاری انجام دهیم؟ اگر به وی اطّلاع دهیم و با تمایل وی این کار انجام شود، در صورت ایجاد عارضه، آیا پزشک مسئول است؟ جواب: اگر عارضه مثلًا در حدّ از دست دادن یک کلیه یا مانند آن باشد واجب نیست کسی برای نجات جان دیگری این کار را انجام دهد، امّا اگر عارضه، خفیف و قابل تحمّل باشد، وجوب نجات جان دیگری با رضایت صاحب عضو بعید نیست. و در صورتی که با اطّلاع و رضایت صاحب عضو باشد، و احتمال عارضه ضعیف بوده، امّا تصادفاً گرفتار آن شود، پزشک مسئول نمی‌باشد؛ مانند برداشتن یک کلیه، که معمولًا خالی از خطر است، ولی گاه ممکن است عارضه‌ای پیش آید. ۷. برداشتن اعضا با اطمینان به ردّ پیوند سؤال ۳۱۳- اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که پیوند رد خواهد شد، و نهایتاً مفید نخواهد بود، آیا مجازیم با خوش بینی و به عنوان کمک به بیمار از بدن فرد زنده یا مرده دیگری عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟ جواب: اگر اطمینان به عدم نتیجه باشد این کار جایز نیست، ولی در صورت احتمال عقلایی، برداشتن عضو پیوندی از مرده مانعی ندارد، و از زنده در صورت عدم ضرر و خطر نیز جایز است. احکام پزشکی، ص: ۱۲۸ ۸. برداشتن اعضای بدن در غیر مورد ضرورت سؤال ۳۱۴- آیا می‌توان اجازه داد که در حال حیات یا پس از مرگ، بعضی از اعضا که حفظ نفس بیمار متوقّف بر آن نیست، از قبیل انگشت، دست، قرنیه چشم و ... را در مقابل پول یا به صورت مجّانی به دیگری پیوند زنند؟ جواب: در حال حیات مشکل است، ولی بعد از مرگ در مواردی که اثر مهمّی داشته باشد مانعی ندارد.

ج) خرید و فروش اعضای بدن

سؤال ۳۱۵- خرید و فروش اعضا برای پیوند چه حکمی دارد؟ جواب: جایز است، ولی بهتر است پول را در برابر اجازه برداشتن عضو بگیرد. سؤال ۳۱۶- آیا فروش عضو قطع شده در حدّ یا قصاص، یا واگذاری آن به مسلمان دیگر جایز است؟ جواب: اگر به منظور پیوند به انسان دیگری باشد (همان گونه که در پیوند کلیه مرسوم است) با اجازه صاحب آن جایز است. سؤال ۳۱۷- خرید و فروش موادّی که از اعضای پیوندی انسان استخراج می‌گردد، نظیر پروتئین، فاکتور تحریک کننده استخوان‌سازی، و نظایر آن چه حکمی دارد؟ جواب: جایز است، هرچند بهتر است پول را در مقابل اعمالی که روی آن مواد انجام می‌دهند بگیرند. سؤال ۳۱۸- آیا خرید و فروش و پیوند مو جایز است؟ جواب: جایز است. سؤال ۳۱۹- قاچاق میّت غیر مسلمان، و خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟ جواب: اگر منظور از قاچاق این است که بر خلاف مقرّرات حکومت اسلامی احکام پزشکی، ص: ۱۲۹ باشد، این کار شرعاً اشکال دارد. سؤال ۳۲۰- آیا فروش برخی از اعضای بدن قبل از مرگ، برای تحویل پس از مرگ، جایز است؟ جواب: در صورتی که سبب نجات جان مسلمان، یا درمان بیماری مهمّی باشد مانعی ندارد. سؤال ۳۲۱- اجسادی از کفّار موجود است که برخی اعضای آن را، جهت کارهای تحقیقاتی یا پیوند و مانند آن، به مبالغ هنگفتی خریداری می‌کنند. آیا خرید و فروش این اعضا جایز است؟ آیا میان اجسادی که شناسایی نشده و اولیایی ندارند، با دیگر اجساد تفاوتی وجود دارد؟ جواب: هرگاه این کار برای حفظ جان افراد زنده، یا درمان بیماری مهمّی ضرورت داشته باشد مانعی ندارد. و فرقی میان افراد شناخته شده و غیر آنها نیست. سؤال ۳۲۲- آیا جسد انسان مال تلقّی می‌شود و خرید و فروش آن برای اهداف مشروع جایز است؟ آیا سرقت آن حدّ شرعی دارد؟ به خصوص اگر صدها سال از تاریخ مرگ گذشته باشد، و موضوع از جهت باستان‌شناسی و تاریخی حایز اهمیّت باشد. جواب: خرید و فروش بدن میّت مسلمان جایز نیست، و مال محسوب نمی‌شود. و نسبت به بدن غیر مسلمان برای اهداف مشروع مانند تشریح در مواردی که مجاز است نیز خالی از اشکال نیست. و در هر حال اجرای حدّ سرقت مشکل است. سؤال ۳۲۳- آیا محکومین به اعدام

یا قطع عضو، می‌توانند قبل از اجرای حکم، اعضای بدن خود را بفروشند، یا به کسی اهدا کنند؟ جواب: درصورتی‌که منافع عقلایی برای پیوند بر آن مترتّب باشد، اشکالی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۱۳۰ سؤال ۳۲۴- بعضـی از افراد برای کمک به درمان بیمارانی که نیاز به فرآورده‌های خونی یا اعضای بدن دارند، حاضرند خون یا مثلًا کلیه یا چشم خود را بفروشند، خرید و فروش این اعضا چه حکمی دارد؟ جواب: فروختن خون و کلیه در صورتی که خطری برای دهنده ایجاد نکند اشکالی ندارد؛ ولی بهتر آن است که پول را در مقابل اجازه برداشتن کلیه یا گرفتن خون بگیرند؛ ولی در مورد چشم مطلقاً جایز نیست.

د) احکام پیوند

۱. پیونـد مغز و آثار آن سؤال ۳۲۵- بـا توجّه به قوانین اسـلامی در رابطه با اصالت روح، آیا پیونـد مغزی در جمجمه انسان دیگری امکان دارد؟ به عبارت دیگر، آیا جسم پیونـد زده شـده با مغز پیونـدی، هویّت شخصـی خود را از دست داده، و روح شـخص پیوند خورده به شـخص پیونـد زده شده انتقال می‌یابد؟ جواب: در حال حاضـر این مسأله به عنوان یک فرضیّه مطرح است، و عملًا کاری انجام نگرفته، تا بتوان درباره آن بحث کرد. اگر چنین امری انجام گیرد، باید دید فرد مزبور با مغز جدید، شخصیّت فرد اوّل را نشان می‌دهد، یا دوم، و یا شـخص ثالثی خواهد شد، تا احکام آنها تبیین گردد. ۲. وظیفه پزشک در پیوند سؤال ۳۲۶- آیا بر پزشکی که قـادر بر پیونـد اعضـای مختلف می‌باشـد، واجب است بـا این کار جان انسانی را نجات دهـد؟ جواب: در صورتی که بتوانـد او را از مرگ نجات دهد، واجب است. احکام پزشکی، ص: ۱۳۱ سؤال ۳۲۷- با توجّه به اینکه بعد از پیوند، شـیمی درمانی ضروری به نظر می‌رسد، و این عمل باعث عوارضی خفیف یا شدید در بیمار می‌گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم ردّ پیوند می‌باشـد، در ایجـاد عوارض آن مسـئول است؟ جواب: چنانچه قبلًا مسأله را با بیمار در میان بگـذارد و به او تفهیم کنـد و او رضایت بدهـد مانعی ندارد. سؤال ۳۲۸- آیـا برای پزشـک جـایز است که عملیّات انتقال کلیه را عهـده دار شود، در حالی که می‌دانـد اهـدا کننـده پولی در مقابل این کار گرفته است؟ جواب: در صورتی که باعث نجات جان مسلمانی شود جایز است. ۳. گرفتن پول برای صاحب عضو سؤال ۳۲۹- اگر بگوییم: «افراد می‌تواننـد وصیّت کنند که جسدشان، یا قطعاتی از اعضای بدن آنها، برای نجات جان بیماران نیازمند، یا بالا بردن دانش پزشکی دانشجویان و اساتید در اختیار قرار گیرد.» آیا می‌توان در قبال آن پولی تعیین نمود، تا در مصـرفی که در وصـیّتنامه آمده صرف شود؟ جواب: اشکالی ندارد. ۴. اجـازه اولیای میّت سؤال ۳۳۰- در مواردی که عضو پیونـدی برای نجات جان مسـلمانی ضـروری باشد، و یا عدم اسـتفاده از آن سلامت مسلمان دیگری را به خطر اندازد، آیا کسب اجازه جهت برداشت آن از اولیـای میّت، یـا خود میّت در حـال حیات لازم است؟ جواب: الزامی نیست؛ ولی بهتر است کسب اجازه شود. احکام پزشکی، ص: ۱۳۲ ۵. دریـافت هزینه آماده‌سازی سؤال ۳۳۱- در مورد اعضـای پیونـدی که بر روی آن عملیّات آماده سازی انجام می‌گیرد، دریافت هزینه آماده سازی از بیمار، جایز است؟ جواب: اشـکالی نـدارد. ۶. قصاص قطع دست پیونـدی سؤال ۳۳۲- دست فردی قطع شده، و شـخص دیگری آن دست را به خود پیوند زده، و شـخص ثالثی دست پیوندی را قطع می‌کند. بفرمایید: الف) چه مسـئولیّتی متوجه جـانی است؟ ب) آیا بین صورتی که دست پیونـدی به طور کامل ترمیم یافته، و آنجا که به طور ناقص بهبود یافته، تفـاوتی وجـود دارد؟ جواب: در صورتی که آن دست به طور کامـل ترمیم یـافته، حکم دست اصـلی را دارد. ۷. طهارت و نجاست عضو پیوندی سؤال ۳۳۳- اگر عضوی از بدن میّت غیر مسلمان، به بدن مسلمانی وصل شود، ولی روح در آن حلول نکند، لمس آن چه حکمی دارد؟ جواب: چنـانچه عرفاً جزء بـدن کسـی که به او پیونـد زده شـده محسوب شود، پاک است. سؤال ۳۳۴- اگر چشم انسان مرده یا زنده، یا چشم حیوان نجس العین مرده یا زنده‌ای را به چشم شـخص نابینایی پیوند زنند، چشم پیوندی و رطوبتی که از آن خـارج می‌شود، چه حکمی دارد؟ جواب: هنگـامی‌که پیونـد گرفت، وآن عضو عملًا جزء بـدن گیرنـده شـد، پاک است. احکام پزشکی، ص: ۱۳۳ ۸. حقّ ولیّ دم نسـبت به اعضای اعدامی سؤال ۳۳۵- هرگاه مجرم، محکوم به قصاص (اعـدام) شود، آیا ولی دم

می‌توانـد مثلًا کلیه یا سایر جوارح او را مجاناً به دست آورد، چون او صاحب حق در مقابل متّهم است؟ جواب: ولیّ دم حقّی در آن ندارد. ۹. دیه عضو جدا شده جهت پیوند سؤال ۳۳۶- اگر نیاز به عضوی از اعضای مرده باشد، و آن را از بدن او جدا کنند، آیا دیه دارد؟ دیه آن چه مقـدار است؟ چه کسی باید بدهد؟ به چه کسـی تعلّق می‌گیرد؟ در صورت ثبوت دیه، آیا بین مسـلمان و کافر از یـک طرف، و کـافر ذمّی و غیر ذمّی از سوی دیگر، فرقی هست؟ جواب: در چنین صورتی احتیاط پرداخت دیه است. و بایـد در راه خیرات برای آن میّت صـرف شود، و حربی دیه نـدارد. ۱۰. پیونـد تخمدان زنی به زن دیگر سؤال ۳۳۷- اگر از نظر طبّی این امکـان فراهم گردد که هماننـد سایر اعضا بتوان تخمـدان یک زن را به زن دیگر پیونـد زد، در این صورت هرگاه زن دریافت کننـده پیوند در اثر ازدواج صـاحب فرزنـد شود بـا توجّه به اینکه نطفه، حاصـلِ لقـاح سـلولهای زایـای مرد (اسپرم) با سـلولهای زایای موجود در تخمـدان (تخمـک) زن اوّل است، و طبیعتـاً از نظر وراثت و خصوصـیّات فردی و ژنتیکی، پنجاه درصـد متعلّق به زن اوّل است، لطفاً بفرماییـد: رابطه فرزنـد یا فرزندان متولّد شده با زن اوّل و دوم چگونه خواهد بود؟ جواب: در صورتی که تخمدان زنی را به دیگری پیوند بزنند و جزء بدن او احکام پزشـکی، ص: ۱۳۴ شود، یعنی پیونـد کاملًا بگیرد، در این صورت هرچه از آن متولّـد شود متعلّق به زن دوم است، و رابطه‌ای با زن اوّل ندارد. ۱۱. اعضای پیوندی کشورما برای مسلمانان دیگر کشورها سؤال ۳۳۸- استفاده از اعضای پیونـدی تهیّه شده در کشور ما، برای مسـلمانان دیگر کشورهای اسـلامی چه حکمی دارد؟ جواب: اشـکالی ندارد. احکام پزشـکی، ص: ۱۳۵

۱۴ خون و فرآورده‌های آن

۱. طهارت و نجاست

سؤال ۳۳۹- چنـانچه در خون دارویی ریخته شود که رنـگ آن را تغییر دهـد (مثلًا سـفید شود)، آیا باز هم نجس است؟ جواب: آری بایـد از آن احتیـاط کرد. سؤال ۳۴۰- فرآورده‌هـای مختلفی که از خـون گرفته می‌شود، نظیر پلاـکت، گلبول قرمز، سـرم، پلاسـما و ماننـد آن، هماننـد خـون نجس است؟ جواب: آری تمـام آنهـا حکم خون را دارد. سؤال ۳۴۱- وسایل آزمایشـگاهی، بدن، لباس و ماننـد آنکه در اثر تمـاس بـا نجاسـاتی ماننـد خون نجس می‌شود، آیـا بـا انجـام عمـل استریل و یا ضـدّ عفونی کردن پاك می‌شود؟ جواب: بایـد آنها را نخست بشویند و بعد استریل کنند. سؤال ۳۴۲- اگر بشـر موفق به ساخت و تولید خون و فرآورده‌های آن شود، آیا خون مصنوعی هم احکام خون طبیعی را دارد و نجس خواهد بود؟ جواب: احکام خون طبیعی ندارد.

۲. خرید و فروش خون

سؤال ۳۴۳- با توجّه به اینکه خریـد و فروش چیزهای نجس از جمله خون حرام است، چرا سازمان انتقال خون به خرید و فروش این فرآورده مبـادرت می‌کنـد؟ جواب: خریـد و فروش اشـیای نجس در صورتی حرام است که فایـده حلالـی نداشـته باشـد، و در حـال حاضـر که خون برای نجات جان بیماران مصـرف می‌شود و دارای منافع حلالی است، خریـد و فروش آن مانعی ندارد. سؤال ۳۴۴- خریـد خون و فرآورده‌های آن از غیر مسـلمانان چه حکمی دارد؟ در صورتی که امکان خرید خون از کفار باشد آیا همچون خرید اجسادشـان جهت تشـریح، اولـویّت دارد؟ جـواب: از هر دو گروه می‌تـوان خون را خریـد. سؤال ۳۴۵- فروش خـون و فرآورده‌هـای خـونی کـه در کشورهـای اسـلامی تهیّـه شـده، به غیر مسـلمانان چه حکمی دارد؟ آیـا بین کفّـار حربی و غیر حربی تفـاوتی هست؟ جواب: به غیر کفّار حربی می‌توان فروخت، مشروط بر اینکه نیاز مسلمانان از طریق دیگر حل شود.

۳. اهدا و انتقال خون

سؤال ۳۴۶- اهدا و انتقال خون از غیر مسلمان به مسلمان، و از مرد به زن و بالعکس چه حکمی دارد؟ جواب: اشکالی ندارد، مگر اینکه بیم انتقال بیماری برود. سؤال ۳۴۷- آیا انسان می‌تواند خون خود را به زوجه‌اش اهدا کند؟ جواب: اشکالی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۱۳۷ سؤال ۳۴۸- اهدای خون در حال روزه چه حکمی دارد؟ جواب: انجام کارهایی که باعث ضعف می‌شود، مانند خون گرفتن و حمام رفتن کراهت دارد. سؤال ۳۴۹- آیا تزریق خون به بدن روزه دار روزه را باطل می‌کند؟ جواب: احتیاط اتمام آن روز، و قضای آن است. سؤال ۳۵۰- بیرون آوردن خون از بدن در حال احرام چه حکمی دارد؟ جواب: بهتر است در حال احرام از دادن خون به روش امروزی خودداری کند، مگر در مواقع ضرورت و برای حفظ جان مسلمانان.

۱۵ پزشکی قانونی

الف) کالبد شکافی برای تعیین علّت مرگ

سؤال ۳۵۱- یکی از وظایف پزشکی قانونی تشخیص و تعیین علّت تأمّه مرگ امواتی است که بنا به دلایلی، از جمله بیم وقوع و یا وقوع جنایت، باید علّت تامّه مرگ آنان برای محاکم قضایی روشن گردد، و در اکثر موارد تشخیص و تعیین دقیق علّت فوت، فقط با کالبد شکافی مقدور می‌باشد، و با این اقدام بسیاری از جنایات به وقوع پیوسته کشف گردیده، و از پایمال شدن خون بناحق ریخته مقتولین جلوگیری به عمل می‌آید. با عنایت به مطالب فوق، نظر مبارك خویش را در خصوص مسائل زیر مرقوم فرمایید: ۱. با توجّه به اینکه انجام عمل کالبد شکافی راهی است برای کشف حقیقت و احقاق حقّ اولیای دم، آیا انجام این عمل شرعاً جایز است؟ ۲. بر فرض جایز بودن، آیا رضایت اولیای دم برای انجام عمل کالبد شکافی لازم است؟ در صورتی که شرط باشد، اگر بعضی از اولیای دم راضی و بعضی ناراضی باشند، چه حکمی دارد؟ ۳. آیا برای انجام عمل کالبد شکافی، تشخیص پزشکی قانونی می‌تواند مجوّز احکام پزشکی، ص: ۱۴۰ شرعی باشد، یا علاوه بر آن، درخواست مقام قضایی نیز در این خصوص لازم است؟ ۴. با فرض شرط بودن رضایت اولیای دم در جواز شرعی انجام کالبد شکافی، آیا در صورت درخواست مقام قضایی باز هم رضایت اولیای دم شرط است؟ جواب: چون شارع مقدّس راضی به هدر رفتن و پایمال شدن خون مسلمان نیست، در این گونه موارد بر حاکم شرع لازم است امر به کالبد شکافی کند، تا مشکل حل شود. و در این صورت بر متخصّص این امر جایز، بلکه واجب است اطاعت کند، و در چنین فرضی بر ورثه نیز لازم است رضایت دهند.

ب) کالبد شکافی برای اثبات نسب

سؤال ۳۵۲- امروزه کالبد شکافی دارای اهمیّت فراوانی است، و مراکز مهمّ علمی و پژوهشی در این زمینه مشغول فعالیّت هستند، و عمدتاً برای اثبات نسب، کشف جرم، و هر هدف عقلایی دیگر، یا صرفاً به قصد آموزشهای پزشکی، اجسادی را کالبد شکافی می‌نمایند. لطفاً نظر مبارك خود را در مورد جواز، یا عدم جواز این کار مرقوم فرمایید. جواب: کالبد شکافی ذاتاً جایز نیست. جز در مواردی که هدف مهمّ دینی و اجتماعی بر آن مترتب شود، که تحت قاعده اهمّ و مهم قرار گیرد.

ج) کالبد شکافی با عدم رضایت اولیای دم

سؤال ۳۵۳- در صورتی که قاضی پرونده‌ای تشخیص دهد کشف حقیقت لازم و ضروری است، و برای این منظور چاره‌ای جز کالبد شکافی نیست. ولی اولیای احکام پزشکی، ص: ۱۴۱ دم حاضر به کالبد شکافی نباشند، یا بعضی راضی باشند و بعضی دیگر راضی نباشند، یا میّت بر عدم کالبد شکافی وصیّت کرده باشد، تکلیف چیست؟ جواب: هرگاه تشریح جهت احقاق حقوق اولیای

دم باشد، و آنها حاضرند از حق خود بگذرند و تشریح صورت نگیرد، نباید تشریح کرد. ولی اگر پیشگیری از یک مشکل مهمّ اجتماعی متوقّف بر این کار باشد، رضایت آنها شرط نیست.

د) کالبد شکافی برای تعلیم دانشجویان

سؤال ۳۵۴- لطفاً به سؤالات زیر که پیرامون کالبد شکافی است، پاسخ فرمایید: ۱. آیا برای تشخیص علّت مرگ جهت پیشرفت علم پزشکی و تعلیم به دانشجویان، کالبد شکافی جایز است؟ ۲. اگر کالبد شکافی برای کشف جرم و شناسایی قاتل باشد حکم چگونه است؟ ۳. اگر کالبد شکافی تنها راه برای رهایی یک متهم بی‌گناه از مرگ باشد قضیه چه حکمی دارد؟ جواب: چنانچه کالبد شکافی ضرورتی داشته باشد، مانند نجات جان متهم بی‌گناه، شناسایی قاتل، و تعلیماتی که برای دانشجویان ضروری است، مانعی ندارد.

ه) کالبدشکافی جنس مخالف

سؤال ۳۵۵- با توجّه به اینکه صدور جواز دفن اجساد منوط به معاینه توسّط پزشک قانونی است، و از آنجا که در مرکز پزشکی قانونی بعضی از استان‌ها به دلیل کمبود امکانات، معاینه متوفّیات توسّط پزشک مرد صورت می‌گیرد، آیا از نظر شرعی پزشک مرد مجاز به معاینه جسد زن می‌باشد؟ توضیح آنکه معاینه احکام پزشکی، ص: ۱۴۲ جسد منوط به عریان بودن کامل آن می‌باشد. جواب: این امر شرعاً جایز نیست؛ باید تلاش کنند پزشک قانونی زن برای اجساد زنان تعیین شود.

و) اظهار نظر پزشکی قانونی در صورت داشتن مفسده

سؤال ۳۵۶- اگر از طرف قاضی، زنی را جهت معاینه و تشخیص نطفه‌ای که در رحم دارد به پزشک قانونی بفرستند، و طبیب به طور قطع تشخیص دهد که نطفه متعلّق به شوهر این زن نبوده، بلکه از مرد اجنبی است. در این حال اگر طبیب واقعیّت را گزارش دهد یقین دارد این زن را بناحق خواهند کشت، و اگر خلاف گزارش کند بچّه ملحق به شوهر این زن می‌گردد، و مسائل حقوقی و ارث و محرمیّت و سایر مشکلات پیش خواهد آمد، بفرمایید وظیفه طبیب چیست؟ جواب: مهم این است که قول طبیب و یقین او برای قاضی در این گونه موارد حجّت نیست، و حتّی حجیّت یقین خود قاضی هم که از این طریق حاصل شود محلّ اشکال است. بنابراین لزومی ندارد یقین خود را در این گونه موارد بازگو نماید، و در نتیجه به حسب حکم ظاهری بچّه ملحق به آن شوهر است، و این گونه احکام ظاهری مشکلی ایجاد نمی‌کند.

ز) کالبد شکافی برای تشخیص حیات

سؤال ۳۵۷- اگر برای تشخیص حیات یا مرگ مصدومی تنها راه، شکافتن یکی از شریانهای وی باشد، بفرمایید: ۱. آیا این کار جایز است؟ ۲. آیا این عمل در صورت ضرورت دیه دارد؟ دیه آن بر عهده کیست؟ جواب: جایز است، و دیه هم ندارد. احکام پزشکی، ص: ۱۴۳ سؤال ۳۵۸- احترام میّت مسلمان در صحنه قتل، یا در سالن تشریح، عمدتاً مورد توجّه قرار نمی‌گیرد. و از طرفی، جهت ارتقای دانش پزشکی، و کشف علمی جرم، و بررسی صحنه قتل، و احقاق حق، تشریح ضروری به نظر می‌رسد. در این صورت تکلیف چیست؟ جواب: شرایط سه گانه جواز تشریح را برای مقاصد پزشکی، در آخر رساله توضیح المسائل نوشته‌ایم.

ح) نبش قبر برای تشریح

سؤال ۳۵۹- در صورتی که تعیین علت مرگ ضرورت داشته باشد، به طور مثال جهت تعیین قاتل وی، آیا مجازیم نبش قبر کرده، جسد وی را در پزشکی قانونی تشریح کنیم؟ جواب: در صورت ضرورت جایز است.

و) برداشتن قرنیه اجساد

سؤال ۳۶۰- برداشتن قرنیه اجساد در سالن تشریح پزشکی قانونی و نگهداری آن در بانک قرنیه (با اجازه ولی و یا بدون آن) چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه سبب نجات مسلمانی از بیماری شدید چشم شود مانعی ندارد، و بهتر است از کسان بیمار اجازه بگیرند.

۱۶ وظیفه پزشک در برابر افراد مختلف

۱. وظیفه پزشک در برابر بیماران مختلف

سؤال ۳۶۱- اگر دو مصدوم را جهت معالجه نزد پزشکی ببرند، که هر دو در شرایط خطر جانی قرار دارند، چنانچه یکی از آن دو، عضو خانواده‌ای باشد که این پزشک، طبیب خانوادگی آنان می‌باشد، و اقدام پزشک برای معالجه هر یک از آن دو مستلزم رها ساختن مصدوم دیگر می‌باشد، که در نتیجه مصدوم دیگر خواهد مرد، لطفاً با توجّه به امور زیر بفرمایید: وظیفه طبیب پرداختن به معالجه کدام یک از این دو مصدوم است؟ ۱. طبیب هیچ گونه تعهّد شرعی نسبت به معالجه اعضای خانواده مصدومی که وی پزشک آنان است نداده باشد. ۲. نسبت به معالجه اعضای خانواده یکی از آن دو، تعهّد شرعی داشته باشد. ۳. مصدوم و مجروحی که وی پزشک خانوادگی آنان می‌باشد حالش بسیار وخیم، ولی احتمال خطر مرگ برای وی کمتر است. جواب: در صورت اوّل و دوّم با توجه به اینکه هر دو بیمار در شرایط مساوی قرار دارند طبیب مخیّر است، ولی اگر تعهّد شرعی نسبت به یکی از آنها دارد او را احکام پزشکی، ص: ۱۴۶ مقدّم دارد. و در صورت سوم، باید آن را که خطرش بیشتر است مقدّم دارد. سؤال ۳۶۲- بیان بیماریهای بیمار برای سایر پزشکان یا برخی از اعضای خانواده و اقوامش که از آن اطّلاع ندارند چه حکمی دارد؟ جواب: آنچه برای درمان او لازم است جائز است، و بیش از آن مجاز نیست مگر به اجازه بیمار. سؤال ۳۶۳- شخصی سرطان دارد و طبیب می‌داند هرگونه اقدام در جهت معالجه او بی‌فایده است، و اگر به بیمار و کسان وی اطّلاع دهد گرچه ضربه روحی و صدمات روانی به آنان وارد می‌شود، امّا از صرف هزینه فراوان برای معالجه جلوگیری می‌شود، و طبیب هم مورد شکایت نسبت به کتمان بیماری قرار نمی‌گیرد. و اگر اطّلاع ندهد، اموال فراوانی خرج معالجه می‌شود که بی‌فایده خواهد بود، و طبیب هم مورد اعتراض واقع می‌شود. با توجّه به اصراری که بیمار و کسانش در مورد دانستن واقعیّت دارند، تکلیف طبیب چیست؟ جواب: با توجّه به اینکه ضربه‌های روحی از یکسو، و هزینه‌های درمان از سوی دیگر کاملًا متفاوت است، طبیب باید آن طرف را اختیار کند که صدماتش کمتر است. سؤال ۳۶۴- پزشکی یقین دارد که عمل جرّاحی روی فلان بیمار تأثیری در زنده ماندن او ندارد، بطوری که بیمار چه عمل شود و چه عمل نشود بیش از مدّت کوتاهی زنده نخواهد ماند. آیا بنا به اصرار همراهان بیمار یا مسئولین بیمارستان، می‌تواند اقدام به جرّاحی نماید؟ جواب: در صورتی که بیمار راضی باشد و اطّلاع کافی به او داده شود، مانعی ندارد. سؤال ۳۶۵- مبلغی پول در اختیار است که آن را می‌توان یا صرف مداوای یک احکام پزشکی، ص: ۱۴۷ بیمار قلبی نمود، یا صرف ده بیمار دیگر کرد، که به امراض دیگری مبتلاـ هستند، حال اگر بیمار قلبی را مداوا ننماییم خواهد مرد، و اگر مداوای بیماران دیگر را رها سازیم دچار رنجهای شدید، و موجب پیشرفته شدن بیماری آنان می‌گردد، و راهی هم برای مداوای هیچ یک از بیماران فوق جز از طریق هزینه کردن این پول وجود ندارد، در این صورت تکلیف طبیب انتخاب کدام طرف می‌باشد؟ جواب: هرگاه بیماری آن یک نفر خطر

جانی دارد و بیماری آن ده نفر خطرناک نیست، بایـد اوّلی را مقدّم داشت. سؤال ۳۶۶- اگر پزشکی خطرناک بودن بیماری بیمار و ناامید بودنش را از حیات بیمار به وی بگوید، اسباب نگرانی شدید روحی بیمار و کسان وی را فراهم می‌نماید. ولی از طرف دیگر برای گرفتن اذن از بیمار و کسان وی در صورت نیاز به عمل جرّاحی گفتن آن لازم است. و چه بسا موجب می‌شود بیمار وصیّت نمایـد، یا امانات مردم را به آنان بازگردانـده، و از آنها کسب حلّیت کنـد، و خود پزشک هم مورد اعتراض بعدی بازماندگان بیمار نسبت به عـدم اخبـار به آنـان در مورد خطرناک بودن بیماری قرار نگیرد. و چنانچه خطرناک بودن بیماری را اطّلاع ندهـد، صـدمه روحی و فکری بـه بیمـار وارد نمی‌شـود- هرچنـد تـأثیری هـم در جهـت بهبـودی مریض نـدارد- اگر راه منحصر در گفتـن صـریح خطرنـاک بودن بیمـاری و یا نگفتن باشـد، طبیب چه بکنـد؟ جواب: معمولًا در این گونه موارد راه سومی وجود دارد، و آن اینکه با عبـارات منـاسبی از مریض و کسـان او اجـازه می‌گیرنـد، و می‌توان مطلب را برای بعضـی از کسان او، که روحیه بهتری دارنـد، بیان کرد. بنابراین ضرورتی ندارد که همه چیز را با صراحت بگوید. سؤال ۳۶۷- انتخاب اولویّت در رسیدگی به چند بیمار که همگی به اقدامات احکام پزشکی، ص: ۱۴۸ اورژانس نیاز دارند بر چه اساسی است؟ آیا تنها معیار، رسیدگی به حال بیمار بد حال‌تر است، یا اینکه شخصیّت حقوقی و حقیقی افراد بـاعث تقـدیم یـک نفر بر دیگری می‌شود. مثلًـا رسـیدگی به جـان یـک پزشـک یا مهنـدس تحصـیل کرده که برای جـامعه مفیـدتر است بـا یـک کـارگر ساده یکسـان است؟ یـا مثلًا رسـیدگی به یک فرد معتاد به هروئین که تصادف کرده، با یک فرد مؤثر در جامعه مساوی است؟ جواب: اگر حال یکی خطرناک‌تر است اولویّت دارد، و هرگاه از نظر وضع پزشـکی در شـرایط مسـاوی باشـند رعـایت اولویّت‌هـای اجتمـاعی و اخلاقـی بهتر است. سؤال ۳۶۸- گـاه به خـاطر مصالـح بیمار یا اطرافیـان وی مجبور به کتمان حقیقت هستیم. این کار چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که مصلحت ایجاب کنـد این کار لازم است. سؤال ۳۶۹- در برخی بیماریهـا، مثـل نارسـایی کلیه، بـا اطمینان می‌توان به بیمار توصـیه نمود که روزه نگیرد؛ امّا در خیلی از موارد به علّت شـکّی که در اصل بیماری، یا چگونگی تأثیر روزه بر آن وجود دارد، یا به علّت عدم وجود تحقیقات و نتایج لازم در مورد اثرات روزه بر بسـیاری از بیماریهـا، و کلّاً به خـاطر عـدم امکان تعیین نقش روزه بر بیماری، پزشک واقعاً نمی‌دانـد روزه را به بیمار توصیه کند یا خیر؟ در این صورت وظیفه پزشک چیست؟ آیا پزشک در صورت توصیه، یا عدم توصیه به روزه مسئول است؟ جواب: این مسأله دو صورت دارد: گـاه برای طبیب خوف ضـرر حاصـل می‌شود، یعنی احتمـال قابل توجّهی نسـبت به زیان داشـتن روزه برای او حاصـل می‌شود، در اینجا می‌توانـد همان را به بیمار منتقل کنـد، چنانچه بیمار از قول طبیب احکام پزشـکی، ص: ۱۴۹ خوف ضـرر پیـدا کرد روزه را ترک می‌کنـد. صورت دوّم آن است که احتمال ضـعیف و کم رنگی باشـد، در اینجا نمی‌توان ترک روزه را به بیمار توصیه کند.

۲. وظیفه پزشک در برابر اطرافیان بیمار

سؤال ۳۷۰- جوانی جهت ازدواج برای آزمایش به پزشک مراجعه می‌کنـد. پزشک وی را دچار بیماری مسـری می‌یابـد، و یا متوجّه می‌شود که معتاد است. در اینجا، اگر واقعیّت را برای دیگران، که منتظر نتیجه آزمایش هسـتند بگویـد، پرده از روی راز پنهان بیمار برداشته می‌شود، که قطعاً برای بیمار تبعات سوئی به دنبال خواهد داشت. و اگر نگوید همسر آینده وی دچار بیماری مسری شده، و گرفتاریهایی پیـدا می‌کند، و ممکن است برای طبیب هم مشـکل ساز شود. تکلیف طبیب چیست؟ جواب: با توجّه به اینکه این گونه آزمایشها نوعی مشورت با طبیب است، کتمان کردن واقعیّت، خیانت درمشورت محسوب می‌شود، و باید واقعیّت را بگوید.

۳. وظیفه پزشک در برابر همکاران

سؤال ۳۷۱- متأسـفانه برخی از همکاران پزشک سیگار می‌کشند. این کار چه حکمی دارد؟ مخصوصاً که برخی از مردم با استدلال

به کار آنها سیگار می‌کشند و می‌گویند: اگر سیگار ضرر داشت پزشکان سیگار نمی‌کشیدند؟ وظیفه ما چیست؟ جواب: با توجه به اینکه سیگار کشیدن به خاطر ضررهای «۱» فوق العاده‌اش که همه آگاهان به آن اعتراف دارند حرام می‌باشد با زبان خوب به آنها تذکّر دهید که این کار را ترک کنند.

۴. وظیفه پزشک در برابر حکومت اسلامی

سؤال ۳۷۲- اگر بیماری به پزشک مراجعه نماید، وپزشک هم در معاینات وی به سرّی از اسرار بیمار مطّلع شود که در صورت کتمان، نفع بیمار و کسان وی در آن لحاظ می‌گردد، و بیمار هم خواهان مکتوم ماندن آن بیماری پنهان باشد، ولی اگر به اطّلاع مسئولین مملکتی و حکومتی برساند، نفع و مصلحت جامعه در آن وجود دارد، اینجا طبیب چه تکلیفی دارد؟ جواب: تنها در موردی که مصالح جامعه به خطر می‌افتد لازم است آن را فاش کند، و به مسئولین مربوطه اطّلاع دهد.

۵. وظیفه پزشک در برابر خودش

سؤال ۳۷۳- اینجانب پزشک هستم. آیا می‌توانم برای دستیابی به جدیدترین دستاوردهای علمی پزشکی از ماهواره استفاده کنم؟ جواب: در صورتی که مطمئن باشید در منزل شما کسی از آن سوء استفاده نمی‌کند مانعی ندارد. سؤال ۳۷۴- ساخت و نگهداری و استفاده از اسکلتهای انسان جهت آموزش پزشکی چه حکمی دارد؟ آیا احکام مجسّمه بر آن بار می‌شود؟ جواب: احکام مجسّمه ندارد، و به مقدار ضرورت می‌توان از آن استفاده کرد. سؤال ۳۷۵- گاه اموال بیماران در مطب می‌ماند و آدرسی از بیمار در اختیار ما نیست. با آنها چه کنیم؟ جواب: در صورتی که از یافتن صاحبان آن مأیوس باشید باید آن را از طرف صاحب اصلی به نیازمندی صدقه دهید. سؤال ۳۷۶- آیا آزمایش اسپرم، که با استمنا حاصل می‌شود و برای ازدواج در احکام پزشکی، ص: ۱۵۱ بعضی از موارد لازم می‌باشد، جایز است؟ جواب: گرفتن اسپرم برای آزمایش از طریق استمنا، تنها در صورت ضرورت جایز است. سؤال ۳۷۷- هرگاه به هنگام عمل جرّاحی وقت نماز تنگ شود، و امکان وضو و تیمّم نباشد، با توجّه به اینکه کادر اطاق عمل باید تمام هوش و هواس خود را بر روی بیمار متمرکز کنند تکلیف نماز آنان چه می‌شود؟ جواب: در صورتی که هیچ راهی ندارد نماز را به همان صورت در حین کار انجام دهد، و اگر آن هم میسّر نیست به چند تکبیر قناعت کند و بعداً قضا نماید. سؤال ۳۷۸- نگهداری جنین ساقط شده، چه از حیث جسمی سالم باشد یا ناقص الخلقه و یا عقب مانده، و چه مال خود شخص باشد یا آن را از دیگری گرفته باشد، به عنوان کلکسیون در شیشه الکل چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه جنین به صورت انسان کاملی در آمده باشد باید او را غسل داد و کفن کرد و دفن نمود. و نگهداری آن به صورتی که نوشته‌اید جایز نیست. امّا اگر به این مرحله نرسیده باشد، مانعی ندارد. سؤال ۳۷۹- چنانچه دست پزشک با جنین مرده داخل شکم مادر تماس پیدا کند، آیا غسل مسّ میّت بر او واجب می‌شود؟ جواب: تنها در صورتی غسل مسّ میّت واجب می‌شود که تماس در بیرون از رحم صورت گیرد، و خلقت جنین کامل شده باشد؛ یعنی بعد از چهار ماه. سؤال ۳۸۰- پزشکان و پرستارانی که به عنوان مأموریّت به حج مشرف می‌شوند، آیا حج آنها کفایت از حج واجب (حجهٔ الاسلام) می‌کند؟ جواب: آری کفایت می‌کند. سؤال ۳۸۱- طبیبی ابزار کار اضافه بر نیاز دارد، که اگر اضافه را بفروشد می‌تواند احکام پزشکی، ص: ۱۵۲ با بقیّه آن بدون زحمت امرار معاش کند، آیا چنین شخصی مستطیع است؟ جواب: در صورتی که فروختن آن مخالف شؤونات او نباشد، و سایر شرایط نیز جمع باشد، مستطیع است. سؤال ۳۸۲- در ساعات کاری که در استخدام بیمارستان یا درمانگاههای خصوصی هستم و مراجعه کننده‌ای ندارم، آیا می‌توانم به کارهای شخصی نظیر مطالعه، نظافت، شست و شو و مانند آن بپردازم؟ جواب: هرگاه هیچ وظیفه‌ای در آن ساعت ندارید، مطالعه و مانند آن مانعی ندارد. سؤال ۳۸۳- پزشک در برخی از مسائل پزشکی مقلّد یک مرجع، و بیمار مقلّد مرجع تقلید دیگری است. چنانچه نظر آنها متفاوت باشد، کدام

نظریّه ملاک عمل است؟ جواب: پزشک به وظیفه خود مطابق فتوای مرجع تقلیدش عمل می‌کند. سؤال ۳۸۴- آیا پزشک در مسائلی که حکم آن را نمی‌داند می‌تواند به اجتهاد خویش عمل کند؟ در صورت اضطرار و نیاز و اقدام به عمل فوری چطور؟ جواب: اگر واقعاً اضطرار باشد، و دسترسی به شخص مطّلعی نباشد، می‌تواند به آنچه احساس ضرورت می‌کند عمل نماید. احکام پزشکی، ص: ۱۵۳

۱۷ ضمان طبیب

۱. خسارات ناشی از داروها

سؤال ۳۸۵- اگر پزشک بنا به اصرار بیمار، دارویی تجویز نماید، یا سایر اقدامات درمانی مضرّ را انجام دهد، در صورت ایجاد عارضه، مسئول کیست؟ جواب: اگر پزشک اثر زیانبخش دارو را اعلام کند مسئولیّتی در برابر عارضه ندارد؛ و اگر اعلام نکند، مسئول است. ولی در هر صورت پزشک باید مقاومت کرده، و داروی مضرّ را به بیمار معرّفی نکند. سؤال ۳۸۶- با توجّه به اینکه ممکن است جان بیمار به طور اورژانسی (فوری) در خطر باشد، و زمانی جهت تعیین حساسیّت فرد به دارویی خاص وجود نداشته باشد، چنانچه با تجویز دارو، بیمار به آن حساسیّت پیدا کرده، و دچار عوارض شدید و یا مرگ شود، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض مسئولیّتی خواهد داشت؟ جواب: باید از بیمار یا ولیّ او اجازه بگیرد. و اگر دسترسی به آنها نیست، ما به عنوان حاکم شرع در این گونه موارد ضروری به اطبا اجازه می‌دهیم و ضامن نیستند. (به شرط اینکه به مقدار کافی دقّت کنند). احکام پزشکی، ص: ۱۵۴ سؤال ۳۸۷- با توجّه به علوم روز، چنانچه امکان تعیین حسّاسیّت یک دارو وجود نداشته باشد، آیا پزشک، در صورت ایجاد عارضه مسئول است؟ جواب: در صورتی که آن دارو منحصر به فرد نباشد، و بیمار جنبه اورژانسی نداشته باشد، استعمال آن دارو روی انسان جایز نیست؛ امّا اگر دارو منحصر به فرد است، و استعمال آن ضروری به نظر می‌رسد، و احتمال نجات بیشتر از احتمال خطر است، باید آن را در مورد بیمار به کار برد. سؤال ۳۸۸- به طور کلّی با توجّه به علوم امروزی اگر بدانیم یا احتمال دهیم که نجات جان بیمار وابسته به مصرف داروهای خاصّی می‌باشد که مضر است، و این مضرّات به احتمال قوی برای همگان رخ خواهد داد، و با تجویز پزشک، شخص دچار یک یا چند مورد از این عوارض شود، آیا پزشک مسئول است؟ جواب: در صورتی که دارو منحصر به فرد باشد، و تأثیر آن از زیانهای آن بیشتر است، و پزشک چگونگی آن را به بیمار اعلام کند، تجویز آن مانعی ندارد. سؤال ۳۸۹- اگر دارو یا داروهایی نه برای نجات جان بیمار، بلکه جهت تسکین و مداوای ناراحتیهایی که باعث آزار وی می‌شود (همانند: تب، خارش، درد، زخم و مانند آن) تجویز گردد، و بدانیم یا احتمال دهیم که این داروها مؤثر است، ولی با توجّه به اینکه اکثر داروهای موثر، در کوتاه مدّت یا دراز مدّت دارای عوارض زیادی می‌باشد، در صورت تجویز پزشک و ایجاد عارضه، که گاه بدتر از بیماری اوّلیه می‌باشد، آیا چیزی بر عهده پزشک خواهد بود؟ (لازم به ذکر است شایع‌ترین و بیشترین تجویز دارو در چنین مواردی صورت می‌گیرد، و لذا اهمّیت فراوانی دارد، و از طرفی اگر به دنبال دارویی باشیم که هیچ ضرری نداشته باشد، گاه هیچ درمانی نباید انجام شود). جواب: اگر ضرر مهمّی نداشته باشد اشکالی ندارد؛ زیرا داروها به هر حال احکام پزشکی، ص: ۱۵۵ عوارضی دارند، ولی اگر ضرر مهمّی داشته باشد تجویز آن جایز نیست، مگر در صورت ضرورت شدید، و با کسب رضایت بیمار یا ولیّ او. سؤال ۳۹۰- در صورتی که داروها کاملًا مؤثّر به هر علّتی در دسترس نباشند، آیا پزشک می‌تواند داروهایی که احتمال می‌دهد مؤثّر باشد تجویز کند؟ در صورت عدم موفقیّت، آیا پزشک در قبال عوارض احتمالی این داروها، یا هزینه بیهوده‌ای که بر بیمار تحمیل شده مسئول و مدیون است؟ جواب: اگر راه منحصر به استفاده از آن داروها باشد اشکالی ندارد، ولی باید بیمار را در جریان بگذارد و رضایت وی را جلب کند. سؤال ۳۹۱- با توجّه به گستردگی بسیار زیاد علوم پزشکی، که واقعاً امکان فراگیری و

به خاطر سپردن تمام بیماریها، و همه داروهایی که روی انواع بیماریها مؤثّرند، و نیز تشخیص عوارض آنها وجود ندارد. اگر پزشک به خاطر فراموشی بنا به حدس خود، در موارد اورژانس جهت نجات جان و یا تسکین آلام بیمار، سهواً اقدام به تجویز دارویی غیر مؤثّر نموده، و بیمار را متحمّل هزینه بیهوده و یا عوارض جانبی کند، (در صورتی که امکان ارجاع به متخصّص دیگری هم نباشد) آیا پزشک ضامن است؟ جواب: از جواب مسأله بالا معلوم شد. سؤال ۳۹۲- در برخی بیماریها، مانند فشار خون بالا، به علّت عوامل ناشناخته ایجاد کننده آن، براساس روش معمول که اجرای آن طبق علوم روز ضروری است، یک یا چند دارو به کار برده می‌شود. و در صورت عدم تأثیر، از داروهای دیگر استفاده می‌شود. با توجّه به اینکه این داروها از یک طرف در تمام افراد مؤثر نیست. یعنی ممکن است نسبت به شخصی درمانهای اوّلیّه، و نسبت شخص دیگری درمانهای آخر مؤثّر باشد. و از سوی دیگر، هر یک از داروها احکام پزشکی، ص: ۱۵۶ دارای عواض خاصی هستند، آیا پزشک معالج- که در حقیقت داروهای مختلف را به ترتیب در مورد بیمار آزمایش می‌کند- در قبال هزینه اضافه یا عوارض داروها مسئول است؟ جواب: اگر راه درمان منحصر به همین راه است، باید اقدام کند و مسئولیّتی ندارد.

۲. خسارات ناشی از اطّلاعات نادرست بیمار به پزشک

سؤال ۳۹۳- آیا جواب منفی خانم بیمار در مورد پرسش پزشک از حاملگی وی، چه خود بداند باردار است و به هر علّتی نگوید، و چه نداند که باردار است، از پزشک معالج در قبال عوارض احتمالی رفع مسئولیّت می‌کند؟ جواب: اگر راه تشخیص بارداری منحصر به سؤال از بیمار است، در فرض مسأله مسئولیّتی ندارد.

۳. خسارات ناشی از آزمایشات

سؤال ۳۹۴- برخی از اوقات، پزشک تنها جهت احتیاط و مطمئن شدن در جهت تشخیص و یا ردِّ یک بیماریِ احتمالی مثل سل در هر بیمار مشکوکی- با هر علامت غیر اختصاصی- دستور رادیوگرافی می‌دهد، تا بیماری مخفی احتمالی را کشف کند، در صورت وجود یا عدم هرگونه بیماری (که احتیاج به رادیوگرافی دارد) آیا پزشک در ایجاد عوارض احتمالی و هزینه درمان مسئول است؟ جواب: در صورتی که احتمال بیماری، احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد، این اقدام اشکال ندارد، و مسئول نیست. احکام پزشکی، ص: ۱۵۷ سؤال ۳۹۵- در بسیاری از بیماریها و اختلالات جسمانی، پزشک دستور انجام رادیوگرافی، سی تی اسکن و مانند آن را می‌دهد، که مطمئناً به خصوص برای برخی افراد مضر است؛ ولی در خیلی از موارد، این آزمایشات می‌تواند به تشخیص بیماری کمک کند. به هر حال، در فرض فوق مسئولیّت پزشک در صورت ایجاد عوارض آزمایشها تا چه حدّی است؟ جواب: از پاسخ‌های قبل روشن شد.

۴. خسارات ناشی از کوتاهی یا کمبود اطّلاعات پزشک

سؤال ۳۹۶- در علم پزشکی برخی از روشهای درمانی با گذشت زمان دچار تغییراتی شده، یا به کلّی ارزش خود را از دست می‌دهد. در صورتی که پزشک به علّت عدم مطالعه، از اطّلاعات جدید مطّلع نشود، آیا مسئول است؟ جواب: این مسأله دو حالت دارد: حالت اوّل این است که عرف پزشکان، پزشک را در برابر فرا نگرفتن معلومات جدید مقصّر می‌شناسند، در این صورت ضامن است. حالت دوم آن است که فرا گرفتن آن مسائل را وظیفه طبیب نمی‌دانند، بلکه جزء تکامل علم محسوب می‌شود، در این صورت مسئول نیست. سؤال ۳۹۷- اگر پزشک با توجّه به گستردگی موضوع نداند، یا فراموش کرده باشد که دارو یا روش تشخیصی وی برای خانمهای باردار یا شیرده مضر است، مسئولیّت پزشک در صورت ایجاد عارضه در جنین یا مادر در چه حد

است؟ جواب: پزشک موظّف است از زنانی که در معرض بارداری هستند سؤال کند. و اگر بدون تحقیق داروی مضرّی بدهد مسئول است. سؤال ۳۹۸- اگر پزشک از بارداری بیمار سؤال نکند، و وی هم متذکّر نشود، مسئولیّت عوارض احتمالی بر عهده کیست؟ جواب: جواب این مسأله از آنچه در جواب سوال قبل گفته شد روشن می‌شود. احکام پزشکی، ص: ۱۵۸ سؤال ۳۹۹- آیا اقدامات پزشکی طبیب در غیر رشته تخصّصی خود، که آگاهی لازم را ندارد، و باعث تشدید بیماری یا بروز عارضه‌ای جدید در بیمار می‌شود، یا منجر به فوت وی می‌گردد، موجب ضمان است؟ جواب: آری، موجب ضمان است. سؤال ۴۰۰- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید: ۱. اگر به سبب تشخیص نادرست طبیب حاذق آسیبی به بیمار وارد شود، آیا باید دیه پرداخت شود؟ دیه بر عهده کیست؟ ۲. چنانچه در تشخیص سهل انگاری نموده باشد، حکم چگونه است؟ جواب: در صورت اوّل ضامن است، مگر اینکه قبلًا به طور خصوصی یا به طور عام نسبت به خسارتها اعلام برائت کرده باشد. و در صورت دوّم، طبیب به هر حال ضامن است، چون کوتاهی کرده است. سؤال ۴۰۱- هرگاه پزشک یا دستیار وی، به هنگام معالجه بیمار، لطمه یا ضربه‌ای بر عضو دیگر او وارد کند، مثلًا جهت احیای قلب، دنده‌های بیمار در حال ماساژ بشکند. یا جهت تحریک به عکس العمل، به صورت بیمار سیلی بزنند، و پرده گوشش پاره شود. آیا پزشک ضامن است؟ جواب: در صورتی که این کار برای معالجه اجتناب‌ناپذیر باشد، و از مریض یا اولیای او اجازه گرفته باشد، ضامن نیست. در غیر این صورت ضامن است.

۵. خسارات ناشی از ترک معالجه

سؤال ۴۰۲- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید: ۱. پزشکی به علّت فقر مالی بیمار اورژانسی، که قادر بر پراخت هزینه‌های مربوطه نبوده، از معالجه و جرّاحی وی اجتناب نموده، و در نتیجه بیمار فوت احکام پزشکی، ص: ۱۵۹ کرده است. یا عمل جرّاحی را به روزهای دیگر موکول نموده، که به اندازه آن روز نمی‌تواند مفید باشد، آیا پزشک ضامن است؟ ۲. اغلب بیمارستانها اوّل پول می‌گیرند، سپس بیمار را به پزشک ارجاع می‌دهند. در صورتی که تأخیر در این امر منجر به مرگ یا عوارض دیگر شود، آیا این کار جایز است؟ جواب: در فرض سؤال پزشک ضامن خون نیست، ولی گناه بزرگی مرتکب شده و قابل تعقیب است. سؤال ۴۰۳- چنانچه پزشک معالج، عمداً یا سهواً در مداوای بیمار یا مجروحی که مسئولیّت درمان وی را پذیرفته کوتاهی ورزد، و شخص در اثر سرایت بیماری، یا جراحت سابق، صدمه دیده و یا تلف شود، آیا طبیب مسئولیّت خواهد داشت؟ جواب: در صورتی که بیمار در شرایط خطرناکی باشد، و اولیای مریض او را به طبیب بسپارند که از او مراقبت کند، و طرفین یا خصوص طبیب بداند که اگر از بیمار غفلت کند، خطری بیمار را تهدید می‌کند، چنانچه طبیب این مسئولیت را پذیرفته باشد، و از انجام وظیفه تخلّف نماید، در برابر نتیجه آن مسئول است. و اگر عمداً و به قصد زیان رساندن به مریض این کار را کرده باشد، قتل عمد، یا جرح عمد محسوب می‌شود، در غیر این صورت، شبه عمد است.

۶. خسارات ناشی از کمبود امکانات

سؤال ۴۰۴- اگر به خاطر کمبود امکانات لازم برای تشخیص کامل، تشخیص ممکن نگردد، و مداوای لازم صورت نگیرد، و بیماری تشدید یا منجر به مرگ شود، آیا پزشک معالج مسئول است؟ جواب: مسئولیّت ندارد، ولی باید داروهای مشکوک و مضر به بیمار ندهد. احکام پزشکی، ص: ۱۶۰ سؤال ۴۰۵- با توجّه به اینکه بارداری، در هفته‌های اوّل از روی ظواهر و گاه با روشهای ساده چندان قابل تشخیص نیست، و از طرفی بیشترین عوارض خطرناک روشهای درمانی در همین زمان آن هم به صورت اختلالات شدید در جنین رخ می‌دهد، و بدین ترتیب، یا به خاطر کمبود امکانات، یا عدم فرصت کافی، یا عدم تمایل بیمار به صرف هزینه‌های تشخیص بارداری، یا عدم اطّلاع وی از بارداری، و جواب منفی دادن به پرسش پزشک از بارداری وی، و حتّی

گاهی به علّت عدم امکان تشخیص به وسیله روشهای مدرن به خاطر جوابهای منفی کاذب آزمایشات، پزشک نمی‌تواند تشخیص دهد، و یا نمی‌داند که بیمار باردار است، و روشهای تشخیص درمانی مختلف را برای وی به کار می‌گیرد؛ حال در صورت ایجاد عارضه در مادر یا جنین، آیا پزشک معالج مسئول است؟ جواب: در صورتی که راهی برای تشخیص بارداری نباشد و داروها منحصر به فرد باشد، و از بیمار اجازه بگیرد مسئول نیست.

۷. ضمانت پرستاران

سؤال ۴۰۶- آمپولی به بیماری تزریق شده، و بیمار به واسطه آن فوت کرده است. حکم ضمان یا عدم ضمان، و فردی که باید دیه را بپردازد، در صورتهای ذیل چگونه است؟ ۱. تزریق توسّط شخص آشنا به آمپول و تزریق صورت گرفته، ولی در تزریق اشتباه کرده است. ۲. این کار توسّط شخص غیر آشنا به آمپول و تزریق، صورت گرفته است. ۳. تزریق توسّط طبیب حاذق بوده، و لیکن سهل انگاری کرده است. جواب: ۱ تا ۳. کار تزریق کننده مانند کار طبیب است؛ هرگاه حاذق باشد و اخذ احکام پزشکی، ص: ۱۶۱ برائت (به طور عام یا خاص) کند ضامن نیست، و بدون اخذ برائت ضامن است. و در صورت سهل انگاری و عدم حذاقت مطلقاً ضامن است. سؤال ۴۰۷- اگر تزریق آمپول منجر به عارضه، یا فوت شود، آیا تزریق کننده در موارد ذیل ضامن است؟ الف) اشتباه در تجویز پزشک باشد. ب) تزریق کننده مجوّز قانونی دارد؛ امّا قواعد تزریقات را رعایت نکرده باشد. ج) تزریق کننده مجوّز قانونی دارد؛ و قواعد تزریقات را نیز رعایت کرده است. د) تزریق کننده مجوّز قانونی ندارد. جواب: در مورد اوّل پزشک و در مورد دوم تزریق کننده ضامن است. در مورد سوم چنانچه مرگ یا عارضه، ناشی از خطای تزریق کننده باشد، او ضامن است؛ مگر اینکه قبلًا به طور خصوصی یا به طور عام از بیماران خود برائت گرفته باشد، و اگر به خاطر عیب و علّت غیر عادی در بیمار بوده، ضامن نیست. و در مورد چهارم تزریق کننده ضامن است. سؤال ۴۰۸- اگر خون گرفتن منجر به عارضه گردد، چه حکمی بر آن مترتّب است؟ جواب: مانند مسأله سابق است. سؤال ۴۰۹- عدم رعایت بهداشت توسّط پزشک یا پرستار در هر بخش، ممکن است موجب ضرر و زیان به بیمار شود. آیا چنین کاری ضمان آور است؟ جواب: در صورتی که از حدّ معمول و متعارف پزشکی کمتر رعایت کنند، و بیم انتقال بیماری برود، موجب ضمان است. احکام پزشکی، ص: ۱۶۲ سؤال ۴۱۰- چنانچه طبیب حاذق اشتباهاً داروی عوضی برای بیماری تجویز کند و پرستار هم همان دارو را به بیمار بدهد، و آسیبی متوجه بیمار گردد، خسارت وارده بر عهده کیست؟ جواب: بر عهده طبیب است. سؤال ۴۱۱- عدم استریل وسایل آندوسکوپی باعث انتقال بیماری به دیگر بیماران می‌شود. اگر چنین اتّفاقی بیفتد چه کسی ضامن است؟ جواب: کسی که مباشر کار بوده ضامن است. سؤال ۴۱۲- برای پرستارانی که مأموریّت دارند همراه بیمار به شهرستانهای همجوار سفر کنند، گاه اتفاق می‌افتد که در یک هفته ده بار اعزام می‌شوند و گاه ممکن است در یک هفته اصلًا اعزام نشوند. نماز و روزه چنین پرستارانی چه حکمی دارد؟ جواب: اگر بیشتر هفته‌ها اعزام می‌شوند و اعزام به طور مکرّر است، نماز و روزه آنها تمام است. در غیر این صورت شکسته است. سؤال ۴۱۳- آیا می‌توان بیماری که امکان تطهیر عورتین وی توسّط خودش وجود ندارد، را تطهیر کرد؟ جواب: چنانچه مستلزم نگاه و لمس نباشد، یا اینکه به وسیله همسرش انجام گیرد اشکالی ندارد. در غیر این صورت تنها در موارد ضرورت جایز است. سؤال ۴۱۴- پزشکی قانونی در تعیین علّت فوت یک خانم باردار چنین نظر داده است: «چون ماما می‌بایست طبق مقررات زائو را به پزشک متخصّص معرفی نماید، و این امر صورت نگرفته، ۲۰٪ مقصّر است» آیا دادگاه مجاز به محکوم کردن ماما به لحاظ عدم راهنمایی زائو به پزشک متخصّص به میزان فوق می‌باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا ماما باید دیه جنین را نیز به همان احکام پزشکی، ص: ۱۶۳ نسبت بپردازد؟ جواب: شخص ماما تنها مستحق تعزیر است؛ و ممکن است تعزیر مالی انتخاب شود.

۸. ضمانت جرّاحان

سؤال ۴۱۵- چنانچه سهل‌انگاری طبیب در عمل جرّاحی موجب آسیب وارد شدن به بیمار گردد لطفاً بفرمایید: ۱. آیا طبیب ضامن پرداخت دیه است؟ ۲. اگر به واسطه سهل انگاری در عمل جرّاحی قلب، نیاز به عمل جرّاحی و درمان بعدی شود، آیا طبیب سهل‌انگار باید هزینه آن را بپردازد، یا همان دیه کافی است؟ ۳. اگر سهل انگاری طبیب منتهی به فوت بیمار شود، قتل چگونه قتلی خواهد بود؟ جواب: ۱. آری ضامن است. ۲. هرگاه هزینه بیش از دیه باشد، باید علاوه بر دیه تفاوت آن را نیز بپردازد. ۳. معمولًا از قبیل قتل شبه عمد است. سؤال ۴۱۶- طبیب حاذق و ماهری بدون سهل انگاری اقدام به عمل جرّاحی نموده، و در ضمن عمل، آسیبی به بیمار وارد گردیده است، لطفاً موارد ضمان یا عدم ضمان طبیب را در صورتهای ذیل بیان فرمایید: ۱. بدون اذن از بیمار یا کسان وی اقدام به عمل نموده باشد. ۲. غفلت از گرفتن اذن داشته است. ۳. بیمار در حال اغما بوده، و دسترسی به کسان بیمار نداشته، و تأخیر هم احکام پزشکی، ص: ۱۶۴ جان بیمار را به خطر می‌انداخته است. ۴. در مورد فوق اگر تأخیر موجب نقص عضو، یا تعطیل شدن عضوی از بیمار گردد حکم چیست؟ ۵. اگر در موارد فوق باید دیه داده شود، دیه بر عهده کیست؟ جواب: طبیب در صورت اوّل و دوم ضامن است. و در صورت سوّم، اگر دسترسی به حاکم شرع باشد، باید اذن بگیرد، و اگر دسترسی به شخص خاصّی نیست ما اذن می‌دهیم که اطبا اقدام کنند و ضامن نیستند. و در مورد چهارم اگر تأخیر بیندازد گناه کرده ولی دیه ندارد، و جواب مورد پنجم از جوابهای گذشته معلوم شد. سؤال ۴۱۷- بعضی جرّاحان در حین عمل دچار اشتباهاتی می‌شوند، که موجب فوت یا نقص عضو می‌گردد. آیا دیه‌ای بر آنها واجب می‌شود؟ در صورتی که دکتر تضمین نکرده باشد، و احتمال فوت یا نقص عضو بدهد، چه حکمی دارد؟ جواب: موارد خطای پزشکان دیه دارد. بهترین راه آن است که در این گونه موارد قبلًا از بیمار یا اولیای او (در صورتی که حال بیمار مساعد نباشد) برائت و رضایت بگیرند. یا اینکه اطبا یا بیماران در برابر این گونه مسائل بیمه شوند. سؤال ۴۱۸- گاه غرور پزشک، یا اطمینان وی به موفّقیت در کارش، باعث فراهم نکردن وسائل و شرایط کافی برای انجام عمل جرّاحی می‌گردد. اگر این موضوع به مرگ یا ضرر و زیان بیمار منجر شود، آیا پزشک ضامن است؟ جواب: در صورتی که پزشک سهل انگاری نکرده باشد، و از بیمار یا اولیای وی برائت گرفته باشد ضامن نیست.

۹. ضمانت آزمایشگاه

سؤال ۴۱۹- با توجّه به اینکه تشخیص بسیاری از بیماریها یا اختلالات به احکام پزشکی، ص: ۱۶۵ وسیله آزمایش امکان‌پذیر است، و از طرفی امکان اشتباه در آزمایشگاه و تفسیر آزمایشها همیشه وجود دارد، در صورت اشتباه آزمایشگاه و در نتیجه معالجه اشتباه پزشک، مسئول خسارات و عوارض احتمالی کیست؟ جواب: آزمایشگاه مسئول است.

۱۰. ضمانت داروخانه

سؤال ۴۲۰- با توجّه به اینکه تجویز دارو (به استثنای داروهای بدون نسخه) بر عهده پزشک است نه داروساز، اگر بیماری به حال اضطرار به داروساز مراجعه کند و داروساز، دارویی را در اختیار وی قرار ندهد، آیا در صورت بروز نقص جسمی، یا جراحت، یا فوت بیمار، دارو ساز مقصّر است؟ جواب: ضامن نیست، هرچند در بعضی از صور مسأله مرتکب گناه شده است. سؤال ۴۲۱- با توجّه به اینکه شیوه معالجه و درمان به این شکل است که طبیب نسخه را نوشته، و به بیمار می‌دهد، و او دارو را تهیّه و استفاده می‌کند. حال اگر طبیب حاذق نسخه را غلط بنویسد، و در نتیجه صدمه‌ای به بیمار وارد شود، بفرمایید: ۱. آیا باید دیه‌ای پرداخت شود؟ ۲. دیه بر عهده کیست؟ ۳. در صورت حاذق نبودن طبیب حکم چیست و دیه بر عهده کیست؟ ۴. در صورت سهل انگاری

چه تکلیفی متوجّه طبیب می‌باشد؟ جواب: ۱ تا ۴. بر عهده طبیب است.

۱۱. ضمانت بیمارستان

سؤال ۴۲۲- در مواردی که به علل غیر مربوط به کار پزشک (مثل اختلال در احکام پزشکی، ص: ۱۶۶ دستگاه‌ها و رفتن برق و ...) به بیمار لطمه‌ای وارد شود ضامن کیست؟ جواب: در صورت عدم تقصیر و عدم سهل انگاری، طبیب ضامن نیست. در مورد مدیر بیمارستان و مسئول برق نیز همین گونه است. سؤال ۴۲۳- ضمان نقص عضو، یا فوت بیمار به دلیل فقدان وسائل لازم، یا نبودن خون در بیمارستان بر عهده کیست؟ جواب: چنانچه امکان تهیّه وجود داشته و اقدام نکرده‌اند، مسئولین آن بخش و مسئولین بیمارستان در برابر این حوادث ضامن خواهند بود.

۱۲. ضمانت کادر اطاق عمل

سؤال ۴۲۴- کمی بی دقّتی از طرف کارکنان، یا پزشکان، در اتاق عمل باعث خفگی بیمار، کم شدن شدید خون، پایین افتادن فشار خون، و احتمالًا مرگ بیمار می‌شود. آیا «دقّت کردن» در این امور برای چنین افرادی واجب است؟ جواب: سهل انگاری در این امور مسئولیّت شدید دارد.

۱۳. ضمانت افراد عادی که طبابت می‌کنند

سؤال ۴۲۵- برخی از افراد عادی (که در مسائل پزشکی تخصّصی ندارند) در این امر دخالت نموده، و قرص، آمپول یا دارویی را برای بیمار توصیه می‌نمایند. در صورتی که این امر منجر به مرگ یا آسیب جسمی بیمار شود، آیا آنها ضامن هستند؟ جواب: چنین شخصی کار خلافی کرده و مجازات دارد، ولی ضامن دیه طرف نیست؛ مگر اینکه شخصاً دارو را به او تزریق کرده یا خورانده باشد.

۱۴. اخذ برائت برای رفع ضمان

سؤال ۴۲۶- در صورتی که بیمار یا ولیّ او به پزشکی که در کارش متخصّص و داناست، اجازه معالجه دهد، آیا در صورت مرگ بیمار، پزشک ضامن است؟ جواب: در صورتی که پزشک از پیامدهای احتمالی برائت جوید، و در کار خود کوتاهی و سهل‌انگاری نکرده باشد، ضامن نیست. سؤال ۴۲۷- اگر بیمار کاملًا بیهوش باشد، آیا می‌توان از خویشان بالغ وی اجازه گرفت؟ جواب: می‌توان از ولیّ او اجازه گرفت. سؤال ۴۲۸- به طور کلّی، و در تمام روشهای تشخیصی و درمانی، اگر پزشک قبل از انجام هر عملی به خود بیمار و یا ولیّ او- اگر بیمار بالغ یا عاقل نباشد- متذکّر شود که این روشها از یک طرف ممکن است بی فایده باشد و وقت و مال او را به هدر دهد، و از طرف دیگر ممکن است عوارض متفاوتی برای او داشته باشد. و بدین ترتیب، پزشک با ذکر این مطلب، قبل از هرگونه معاینه و دستور روش‌های تشخیصی و درمانی و تجویز دارو، در قبال خسارات و عوارض احتمالی از خود کاملًا سلب مسئولیّت کند، و بیمار چه از روی ناچاری و چه از روی تمایل و یا به ظاهر از روی تمایل، این شرط را قبول نماید، آیا در صورت اشتباه سهوی پزشک، طبیب نسبت به هزینه‌های بیهوده، بی‌فایده بودن، یا عوارض ناشی از روشهای تشخیصی و درمانی، مسئول است؟ در صورتی که وی حدّ اکثر تلاش خود را بکند چطور؟ جواب: اگر از آنها اجازه گرفته، و در برابر این گونه امور از خود سلب مسئولیّت نموده، ضامن نیست. سؤال ۴۲۹- در فرض سؤال فوق اگر بیمار، کاملًا بیهوش باشد، و در حال احکام پزشکی، ص: ۱۶۸ حاضر هیچ یک از خویشاوندان وی نیز در دسترس نباشند، و از طرفی جان بیمار در خطر جدّی باشد، جهت

اجازه و شرط چه باید کرد؟ آیا می‌توان طبق وظیفه پزشکی هرگونه اقدام ممکن را بدون اجازه انجام داد؟ اگر با اقدامات غیر مؤثّر به صورت غیر عمدی به مرگ بیمار تسریع بخشیده شود مسئولیّتی بر گردن پزشک معالج خواهد بود؟ اگر به خاطر خوف از عدم تأثیر درمان و کمک به تسریع مرگ و مدیون شدن، پزشک هیچ کاری انجام ندهد، در این صورت مسئول خواهد بود؟ جواب: اگر بتواند از حاکم شرع اجازه بگیرد، این کار لازم است. و ما به پزشکان برای این گونه موارد اجازه می‌دهیم که با دقّت عمل کنند و مریض را رها نکنند. سؤال ۴۳۰- در فرض مسائل فوق اگر بیمار یا ولیّ او شرط را قبول نکنند، آیا پزشک می‌تواند بیمار را رها نماید؟ جواب: اگر بیمار در خطر نیست می‌تواند او را رها کند. سؤال ۴۳۱- در فرض مسأله فوق، آیا باید با تک تک بیماران شرط نمود، و با امضای پرسشنامه مربوطه، یا نصب اطّلاعیّه در مراکز درمانی (مبنی بر اینکه مراجعه بیماران نشانگر قبول این شرایط است) یا به اطّلاع رساندن از طریق رسانه‌های گروهی که مراجعه شما نزد پزشک منوط به این شرایط است، از پزشک رفع مسئولیّت شرعی نمود؟ مثلًا اگر قبل از عمل جرّاحی، بیمار مجبور به امضای شرایطی باشد که در صورت هرگونه ناموفّق بودن جرّاحی وی هیچ گونه حقّ و حقوقی بر جرّاح و بیمارستان ندارد، آیا در صورت هرگونه اختلال در جرّاحی می‌توان مدّعی شد که با توجّه به امضای قبلی بیمار، کادر درمانی هیچ مسئولیت شرعی ندارند؟ جواب: بهترین راه برای حلّ مشکل پزشکان از نظر ضمان شرعی این است که احکام پزشکی، ص: ۱۶۹ از طریق رسانه‌های گروهی و طرقِ دیگرِ اعلانِ همگانی، اعلام شود که پزشکان نهایت سعی و کوشش و دقّت خود را برای درمان بیماران به کار می‌گیرند، ولی با توجّه به جهات مختلف، اعمّ از کمبودهای علم پزشکی و وسایل شناخت بیماریها، و اختلاف وضع جسمی و روحی بیماران، و خطاهای احتمالی که در طبیعت هر انسانی نهفته است، ممکن است عوارضی پیش آید، پزشکان در برابر آن مسئول نیستند؛ و مراجعه به پزشک به معنای قبول این رفع مسئولیّت است. البتّه در برابر عوارضی که بر اثر سهل‌انگاری و تقصیر حاصل شود، مسئولیّت آنها به قوّت خود باقی است. این اعلان ممکن است به صورت تابلویی در تمام مطب‌ها و بیمارستانها نیز نصب شود، به طوری که به همه مراجعین تفهیم گردد، و در مورد جرّاحیهای مهم برائت خصوصی نیز گرفته شود. سؤال ۴۳۲- اگر کشفیّات جدید خیلی دیرتر از زمان کشف به اطلاع پزشک برسد، و قبل از اطّلاع به همان روشهای قبلی عمل شود، آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه‌های بیهوده روشهای بی‌فایده مسئول است؟ جواب: مانند جواب مسأله سابق است. سؤال ۴۳۳- اگر به خاطر عدم وجود امکانات کافی اطلاع رسانی، اطلاعات جدید به پزشک نرسد و وی هیچ گاه مطلع نگردد، مسئولیّت بی فایده بودن روشهای قبلی بر عهده کیست؟ جواب: مانند جواب مسأله ۴۳۱ است. سؤال ۴۳۴- در مواردی که برای معالجه بیمار باید اذن گرفت تا ضمان متوجّه طبیب نشود، بفرمایید: ۱. آیا اذن از ولیّ طفل ممیّز کافی است، یا باید از طفل هم اذن گرفته شود؟ ۲. به هنگام عمل جرّاحی بر روی بیمار بیهوش، از کدام یک از کسان بیمار احکام پزشکی، ص: ۱۷۰ باید اذن گرفت؟ آیا ترتیب، یا اولویّتی در کار است؟ ۳. در مورد بیمار بیهوش یا طفلِ صغیرِ مصدوم، که مشخّص نیست ولیّ دارد یا ندارد، و دسترسی به حاکم شرع هم نیست، و عدول المؤمنین (مؤمنان عادل) هم حاضر نیستند، و معالجه هم فوریّت دارد، تکلیف چیست؟ ۴. آیا طبیب می‌تواند از حاکم شرع اسلام برای کلّ موارد مشابه فوق قبلًا اذن بگیرد؟ جواب: ۱. اذن ولی کافی است. ۲. از ولیّ شرعی او اذن بگیرد، و اگر ولیّ شرعی نداشت از حاکم شرع. ۳. در این‌گونه موارد ما به اطبا اجازه می‌دهیم که با رعایت دقّت و احتیاط وظیفه را انجام دهند. ۴. نسبت به مواردی که دسترسی به ولی نیست، یا ولی ندارد مانعی نیست. سؤال ۴۳۵- آیا پزشک می‌تواند ضمن انعقاد قرار داد معالجه با بیمار، هرگونه مسئولیّت شرعی را نسبت به آسیب‌های احتمالی که در ضمن معالجه ممکن است پیش بیاید از خود سلب کند، تا هیچ گونه ضمانی بر عهده وی یا عاقله‌اش نباشد؟ جواب: اشکالی‌ندارد، مشروط براینکه طبیب درتلاش‌وکوشش خود کوتاهی‌نکند. سؤال ۴۳۶- نکته مهم در مورد کشفیّات جدید علوم پزشکی این است که هر سال و هر ماه، و حتّی هر روزه، کشفیّات و یا تحقیقات جدیدی در مورد جنبه‌های مختلف علوم پزشکی اعلام می‌شود که طبق روشهای تشخیصی یا درمانی جدید، داروهای متفاوت و جدید یا موادّ غذایی مؤثّر جدید برای انواع بیماریها

پیشنهاد می‌شود. و برعکس، برخی روشها یا داروها یا مواد قبلی، کاملًا غیر مؤثّر، مضرّ و بی فایده معرّفی‌می شود. آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه‌های بیهوده ناشی از روشهایی که در گذشته مطرح بوده، امّا کسی نمی‌دانسته که آنها مضر یا احکام پزشکی، ص: ۱۷۱ بی فایده‌اند، ولی امروزه آنها را بی فایده یا مضر شناخته‌اند مسئول است؟ جواب: مراجعه بیماران به طبیب در چنان شرایطی برائت ضمنی محسوب می‌شود، بنابراین ضامن نیستند.

۱۵. برخی از مواردی که پزشک ضامن نیست

سؤال ۴۳۷- اگر پزشک روش درمانی یا دارویی را تعریف کند، و بگوید: «این دارو برای فلان بیماری مفید است» و یا بگوید: «درمان، مترتّب بر فلان داروست» بدون آنکه بیمار را وادار به مصرف آن دارو کند، آیا در این حالت، در صورت عدم تأثیر یا عوارض دارو، پزشک مسئول یا مدیون است؟ جواب: اگر از آنها اجازه گرفته، و در برابر این گونه امور سلب مسئولیت کرده، ضامن نیست. سؤال ۴۳۸- اگر پزشک سعی خود را در مداوای بیمار انجام دهد، ولی بیمار بهبود نیابد، آیا پزشک نسبت به هزینه درمانی که بیمار پرداخته مدیون است؟ جواب: در صورتی که پزشک وظیفه خود را طبق ضوابط انجام داده باشد، مسئولیّتی ندارد. سؤال ۴۳۹- ممکن است بیمار قلبی به هنگام تست ورزش دچار ایست قلبی منجر به فوت شود. در این حالت چه کسی ضامن است؟ جواب: در صورتی که این مسأله به مریض تفهیم شود که چنین خطری ممکن است در پیش باشد، و مریض راضی شود، یا وقوع چنین مطلبی بسیار نادر باشد، طبیب ضامن نیست. سؤال ۴۴۰- شخصی در اثر سوختگی به بیمارستان منتقل می‌شود، و پزشک معالج در انجام معالجه کوتاهی می کند و شخص مصدوم فوت می کند. پزشکی احکام پزشکی، ص: ۱۷۲ قانونی اعلام می کند: «میزان سوختگی به حدّی بوده که در نهایت منتهی به فوت می‌شده، هرچند سهل انگاری پزشک باعث گردیده که بیمار زودتر فوت کند» آیا در فرض سؤال پزشک ضامن است؟ جواب: پزشک گناه کرده و باید تعزیر شود. سؤال ۴۴۱- خانمی به هنگام زایمان طبیعی و در زمان خروج جنین، دچار پارگی مقعد و در نتیجه بی‌اختیاری مدفوع شده است. به علّت عدم تشخیص دکتر زایمان، و در نتیجه ترمیم نشدن به موقع، نقص مذکور به خوبی ترمیم نشده، و در حال حاضر ۴۰ تا ۵۰ درصد بی اختیاری دارد. آیا دکتر زایمان ضامن است و بایستی دیه نقص ایجاد شده را بپردازد؟ یا به علّت عدم تشخیص و اطلاع ندادن به پزشک مسئول شیفت، فقط تعزیر می‌شود؟ جواب: در صورتی که در مسأله زایمان خلافی از عامل (دکتر زایمان) سر نزده، ضامن نیست. سؤال ۴۴۲- فردی فرزندش را برای ختنه به بیمارستان برده است. دکتر علاوه بر عمل ختنه بدون اذن پدر یک غدّه چربی را عمل کرده است. پزشکی قانونی اعلام نموده: «عمل مذکور لازم بوده، و در آینده هم برای بچّه مشکلی ایجاد نخواهد شد» ولی پدر بچّه می گوید: «چون دکتر بدون اجازه من اقدام به عمل کرده، من شاکی هستم» آیا دکتر ضامن است؟ جواب: هرگاه کار او موجب نقصی برای آن بچّه نشده ضامن نیست، ولی بدون اجازه نباید چنین کاری کند. سؤال ۴۴۳- پزشکی از معالجه بیماری امتناع کرده، و در نتیجه آن بیمار فوت نموده است. مجازات او چیست؟ جواب: مجازات او تعزیر است. احکام پزشکی، ص: ۱۷۳

۱۸ احکام بیمارستانها

سؤال ۴۴۴- کمبود خون در بیمارستان‌ها، و برخی مقرّرات دست و پاگیر برای استفاده از وسایل، ممکن است موجب مرگ بیماران در اتاق عمل شود. آیا اصلاح این مقرّرات واجب است؟ جواب: واجب است کاری کنند که جان مردم در اتاق عمل به خطر نیفتد. سؤال ۴۴۵- جداسازی اتاق عمل در بیمارستانها به طور کامل، مستلزم هزینه زیادی برای دولت است. آیا اجرای احکام شرع با هر هزینه‌ای واجب است؟ جواب: در صورتی که برای دولت موجب عُسر و حرج نشود، این کار لازم است. سؤال ۴۴۶- در بسیاری از مراکز آموزشی، درمانی و پزشکی، امکان جداسازی دانشجویان دختر و پسر وجود دارد. لکن برخی از مسئولین نسبت به این مسأله

بی توجّهی می کنند. نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟ جواب: اگر امکان تفکیک باشد، تفکیک لازم است. سؤال ۴۴۷- نبودن وسائل جرّاحی، یا کم بودن آن در اتاق عمل، ممکن است باعث مرگ بیماران شود. آیا تهیّه این وسائل واجب است؟ جواب: بر حکومت اسلامی لازم است وسائل را فراهم کند. همچنین احکام پزشکی، ص: ۱۷۴ بیمارستانهای خصوصی، هرگاه بیماری را پذیرش کنند، باید وسائل را فراهم سازند. سؤال ۴۴۸- بیمارانی به بیمارستان مراجعه می کنند که قادر بر پرداخت هزینه درمان یا عمل جرّاحی نیستند. آیا مسئولیتی متوجه بیمارستان، دکتر جرّاح یا حکومت اسلامی هست؟ در صورت فوت یا نقص عضو، دیه‌ای بر ذمّه آنها استقرار پیدا می کند؟ جواب: بر حکومت اسلامی واجب است در این گونه امور تدبیری بیندیشد، که مشکل این افراد حل شود. سؤال ۴۴۹- درمان اهل کتاب و استفاده از خدمات درمانی و بهداشتی آنان چه حکمی دارد؟ جواب: مانعی ندارد، مگر در مواردی که آنها بر ضدّ مسلمین سوء استفاده کنند. احکام پزشکی، ص: ۱۷۵

۱۹ احکام داروخانه‌ها

سؤال ۴۵۰- آیا خرید و فروش داروهای غیر مجاز، یا تاریخ گذشته، جایز است؟ جواب: خرید و فروش داروهای غیر مجاز جایز نیست؛ و داروهایی که تاریخ آن گذشته، اگر مقدار قابل ملاحظه‌ای از آثار خود را داشته باشد و به طرف اعلام شود اشکالی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست. سؤال ۴۵۱- خرید و فروش داروهای دولتی، خارج از سیستم نظارتی چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که بر خلاف مقرّرات جمهوری اسلامی باشد، یا منشأ ضرر و زیانی شود، جایز نیست. سؤال ۴۵۲- با تزریق آمپولی به نام «پروستودین» در سه ماهه اول حاملگی، معمولًا جنین پس از یک ساعت سقط می‌شود، این داروها گاه به شکل شیاف یا ژل نیز عرضه می گردد. آیا خرید و فروش چنین دارویی جایز است؟ جواب: خرید و فروش آن اشکالی ندارد، ولی باید حتماً با اجازه و نسخه پزشک متعهّد باشد، تا از آن سوء استفاده نشود. احکام پزشکی، ص: ۱۷۶ سؤال ۴۵۳- داروی مذکور به صورت قاچاق در بازار به وفور وجود دارد، آیا باید از خرید و فروش آن جلوگیری کرد؟ جواب: آری باید از خرید و فروش آن بدون شرطی که در بالا گفتیم جلوگیری شود.

۲۰ احکام بیماران

۱. احکام طهارت و نجاست

الف) الکل طبّی و صنعتی سؤال ۴۵۴- بنا به نقل بعضی از دانشجویان رشته شیمی، موادّ تشکیل دهنده الکل صنعتی و طبّی یکی است، که برای غیر قابل شرب شدن الکل صنعتی مادّه‌ای رنگی به آن اضافه می گردد. با این فرض، حکم استفاده از این دو نوع الکل چیست؟ جواب: الکل طبّی و صنعتی پاک است، زیرا با قطع نظر از مادّه رنگی، قابل شرب نیست، و نوعی سمّ محسوب می‌شود. بنابراین، ادلّه مسکر مایع شامل آن نمی گردد. سؤال ۴۵۵- آیا هر مادّه‌ای که در آن الکل باشد حرام است؟ جواب: اگر عرفاً مسکر و مست کننده نباشد اشکالی ندارد. سؤال ۴۵۶- مصرف غذاها یا مایعات، یا عطرهایی که به طور طبیعی مقدار بسیار کمی الکل در آن به کار رفته، چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه مشروبات الکلی برآن صدق نکند اشکالی ندارد. سؤال ۴۵۷- الکلی که جهت ضدّ عفونی کردن بعد از تزریقات به کار می‌رود، احکام پزشکی، ص: ۱۷۸ نجس است؟ جواب: پاک است، مگر اینکه با خون مخلوط شود. سؤال ۴۵۸- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید: الف) آیا از نظر طهارت تفاوتی بین الکل صنعتی و الکل طبّی وجود دارد؟ جواب: تمام الکلهایی که درجه غلظت آن بالاست و به خاطر غلظت آن قابل شرب نیست، هرچند مواد سمّی در آن نباشد پاک است. و فرقی میان الکل طبّی و صنعتی از این نظر نیست؛ امّا الکلهایی که درجه غلظت آن در حدّی است که قابل

شرب است از نظر طهارت اشکال دارد. ب) الکل را می‌توان از تقطیر مشروبات الکلی نیز به دست آورد. چنین الکلی چه حکمی دارد؟ جواب: آنچه از تقطیر مشروبات الکلی به دست می‌آید همان حکم را دارد. ج) اگر ندانیم الکل مورد استفاده ما، از مشروبات الکلی تهیّه شده یا از طریق دیگر، آیا چنین الکلی پاک است؟ جواب: با شرایطی که در بالا گفته شد پاک است. د) آیا استفاده از الکل برای ضدّ عفونی کردن محلّ تزریقات، یا ناف بچّه، موجب نجاست پوست می‌شود؟ جواب: اشکالی ندارد، پاک است. ه) برخی از داروهای پوستی، نظیر محلولهای جلوگیری از ریزش مو، یا برطرف کننده جوش‌های جلدی، حاوی الکل می‌باشند؛ آیا استفاده از این محلولها موجب نجاست مو و پوست بدن می‌شود؟ جواب: اگر از الکلهای پاک در آن استفاده شده اشکالی ندارد، همچنین اگر شک داشته باشیم. احکام پزشکی، ص: ۱۷۹ و) مصرف عطرها و ادکلن هایی که حاوی الکل می‌باشند از لحاظ طهارت چه حکمی دارد؟ منظور عطرها وادکلن‌های خارجی (فرانسوی، ایتالیایی و مانند آن است) که در مغازه‌های لوازم آرایشی و بهداشتی به فروش می‌رسد. آیا برای نماز اشکال دارد؟ استفاده طلّاب و روحانیّت معزّز از آنها چه صورت دارد؟ جواب: آنها نیز اشکالی ندارد. سؤال ۴۵۹- لطفاً به دو سؤال زیر پیرامون الکل پاسخ دهید: الف) در مواردی که الکل حکم دارو دارد (مثل مسمومیّت با متانول) و خوردن آن ضرورت پیدا می کند، در این گونه موارد شُرب الکل چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که از الکلهای مست کننده و در غلظت‌های قابل شرب باشد، تنها وقتی جایز است که داروی منحصر به فرد محسوب شود و جانشینی نداشته باشد. ب) گروهی از داروهای تزریقی به دلیل مسائل فرمولاسیون حاوی مقادیری الکل هستند. مصرف این گونه داروها چه حکمی دارد؟ جواب: اگر از الکلهای طبی در آن استفاده شود و در شرایط فعلی جنبه مایع مسکر ندارد، اشکالی ندارد. سؤال ۴۶۰- آیا الکلِ سفیدِ خالص، که مسکر است و برای مصارف پزشکی مورد مصرف قرار می گیرد، نجس است و باید از آن پرهیز کرد؟ سایر الکل‌ها که مسکر نیستند چطور؟ جواب: الکلهایی که به صورت فعلی قابل شرب نیست و باید آن را رقیق کرد نجس نمی‌باشد؛ ولی اگر به صورت کنونی‌اش قابل شرب باشد نجس است (بنابر احتیاط واجب) و اگر مشکوک باشد آن نیز پاک است. احکام پزشکی، ص: ۱۸۰ سؤال ۴۶۱- اگر الکل سفید را در ادکلن‌ها و مواد آرایشی بکار ببرند، با توجّه به اینکه موادّ شیمیایی دیگری نیز به این گونه کالاها اضافه می کنند و در نتیجه مثل الکل صنعتی، قابلیّت شرب ندارند، محکوم به طهارت هستند؟ جواب: اگر بدون آن مواد قابل شرب است و مایع مست کننده محسوب می‌شود نجس است (بنابر احتیاط واجب). سؤال ۴۶۲- اگر مقادیر کمی الکل سفید، به منظور استفاده و خواص دارویی، به شربت‌ها اضافه شود، چه حکمی دارد؟ جواب: از جواب بالا معلوم شد. سؤال ۴۶۳- «کامبوجیا» قارچی است که در محلول چای و شکر تکثیر می‌شود و مدّت تکثیر آن، یک هفته تا ۱۵ روز است. قارچ را در محلول شکر و چای قرار می‌دهند و بعد از یک هفته محلول به دست آمده را به مصرف دارویی- که یک نوشیدنی است- می‌رسانند، البتّه بدون بیماری هم می‌توان از آن استفاده کرد؛ ولی این محلول حاوی ۵٪ الکل است. آیا نوشیدن این محلول حلال است؟ جواب: اگر این محلول مست کننده بوده باشد، هرچند مستی خفیف بیاورد، حرام است؛ مگر در مواردی که داروی منحصر به فرد باشد. سؤال ۴۶۴- نوشیدن ماءالشعیر، که برای برخی از بیماریها نیز توصیه می‌شود، چه حکمی دارد؟ جواب: آبی که برای خواصّ طبّی می گیرند، و به آن «ماءالشعیر» می گویند، و ابداً مسکر نیست، پاک و حلال است. ب) خون سؤال ۴۶۵- آیا مایعی که از کیسه آب جنین (مایع آمنیوتیک) خارج احکام پزشکی، ص: ۱۸۱ می‌شودنجس است؟ شایان ذکر است که ممکن است این کیسه قبل از زایمان پاره شود و از طریق مجرای تناسلی خارج گردد؟ جواب: محتوای کیسه آب جنین نجس نیست، مگر اینکه آلوده به خون باشد. سؤال ۴۶۶- آیا استفراغ نجس است؟ آیا تفاوتی بین استفراغ بزرگسالان و کودکان می‌باشد؟ جواب: استفراغ نجس نیست، مگر اینکه بدانید خونی همراه آن است. و تفاوتی بین بچّه و بزرگ، دختر یا پسر نمی‌باشد. سؤال ۴۶۷- سلهای که روی زخم می‌بندد، و خونریزی ندارد (که گاه به آن دلمه گفته می‌شود)، چه حکمی دارد؟ آیا به هنگام غسل باید آن را برداشت؟ جواب: در صورتی که از حالت خون بیرون آمده، و با شستن زایل نمی‌شود پاک است، و به همان حالت غسل می کند. سؤال ۴۶۸-

یونیت دندانپزشکی معمولًا متصل به آب لوله کشی است. با توجّه به این مطلب، آیا ترشّحاتی که به هنگام ترمیم دندان از دهان خارج می‌شود، و غالباً با آب دهان و موادّ مخصوص دندان پزشکی و بخار و قطرات خون ملاقات کرده، پاک است؟ جواب: چنانچه آبی که در دهان می‌ریزد متّصل به آب لوله کشی باشد، و معلوم نباشد ترشّحات از آن آب است یا چیز دیگر، پاک است. سؤال ۴۶۹- هرگاه دندانپزشک هنگام پر کردن دندان متوجّه نجس شدن مادّه پر کننده، یا خود دندان طبیعی شود، که طبعاً بعد از پر کردن باطن آن نجس است، آیا تطهیر ظاهر آن کفایت می‌کند؟ جواب: آری کفایت می‌کند. سؤال ۴۷۰- بیمارانی که دارای ناراحتی لثه می‌باشند، به هنگام خوردن غذا احکام پزشکی، ص: ۱۸۲ مقداری خون از لثه آنها خارج و با غذا مخلوط می‌گردد، خوردن غذای فوق برای آنها چه حکمی دارد؟ جواب: اگر خون قطع نمی‌شود و جنبه ضرورت دارد جایز است، امّا احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است درمان کنند. سؤال ۴۷۱- آیا پوسته‌ای که روی زخمها به وجود می‌آید، و معمولًا متشکّل از خون و ترشحات زخم می‌باشد، نجس است؟ جواب: هرگاه استحاله گردد، یعنی تبدیل به پوست بدن یا شبیه آن شده باشد نجس نیست، و اگر واقعاً خون است و با شستشو از بین می‌رود نجس است. ج) اهل کتاب سؤال ۴۷۲- موادّ خوراکی و دارویی اهل کتاب چه حکمی دارد؟ جواب: استفاده از موادّی که احتمال دارد به وسیله کارخانه‌ها تولید شده باشد، یا به وسیله ابزار و آلاتی، بدون دخالت دست، تهیّه شده باشد، یا احتمال دارد که با دستکش تهیّه کرده باشند اشکالی ندارد. ولی از خوردن گوشتهای ذبح شده آنها باید پرهیز کرد. سؤال ۴۷۳- آیا درمان بیماران اهل کتاب، و استفاده از خدمات درمانی و بهداشتی آنان جایز است؟ جواب: مانعی ندارد، مگر در مواردی که آنها بر ضدّ مسلمین سوء استفاده کنند. د) ژلاتین سؤال ۴۷۴- حکم ژلاتین که از استخوان خوک و یا گاو گرفته می‌شود چیست؟ لازم به ذکر است که بیشتر موادّی که ویتامین دارد، و نیز بیشتر داروها در برخی احکام پزشکی، ص: ۱۸۳ کشورها، و حتّی بعضی از شیرینی‌ها از این ماده درست می‌شود. جواب: استفاده از آن در موارد ضرورت مانعی ندارد. سؤال ۴۷۵- ژلاتین مادّه‌ای است که پس از تأثیر اسید و برخی از موادّ شیمیایی و طیّ روند خاصّی از استخوان و پوست گاو، یا خوک استخراج می‌گردد. از نظر نحوه استخراج می‌توان استخوان و پوست را به پارچه‌ای بافته شده از انواع الیاف تشبیه کرد که به طریقی الیاف آن جدا می‌گردد. این مادّه در صنایع غذایی، دارویی، فیلم سازی و چسب‌سازی مصرف می‌شود، و در حال حاضر کشورهای غربی، سازنده این محصول بوده و بازار مصرف دنیا را پوشش می‌دهند، لطفاً بفرمایید: الف) با توجّه به نحوه استخراج ژلاتین آیا می‌توان آن را نوعی استحاله دانست؟ جواب: در موارد مشکوک که نمی‌دانیم از چه مادّه‌ای گرفته شده حکم حلیّت و طهارت است، و فحص و جستجو لازم نیست. ب) از آنجا که نیاز کشور در حال حاضر از کشورهای خارجی و عمدتاً غربی تأمین می‌گردد، مصرف آن چه حکمی دارد؟ جواب: اگر یقین داشته باشیم که از مادّه حرام و نجس گرفته شده، استحاله صدق نمی‌کند، امّا راه دیگری برای حلیّت و طهارت آن وجود دارد (و آن راه عدم جریان استصحاب نجاست به سبب تغییر موضوع در نظر عرف است).

۲. احکام وسواس

سؤال ۴۷۶- مشکل اصلی من دیوار خانه و شستن بچّه‌ام می‌باشد، زیرا دستمالی را که نجس بود روی لبه دیوار که رنگ روغن شده گذاشتم. البتّه عین احکام پزشکی، ص: ۱۸۴ نجس روی دیوار ریخته نشد، ولی رطوبت دستمال با دیوار ارتباط داشت. و چون بچّه‌ام به تازگی چهار دست و پا راه می‌رود، و دستهایش را مرتّب به دیوارها می‌زند، من مرتّب دستهایش را آب می‌کشم، و این مرا آزار می‌دهد. لطفاً به سؤالهای زیر پاسخ دهید، تا ان شاء اللّه نجات یابم. ۱) راههای سرایت نجاست را خوانده‌ام، ولی نمی‌دانم منظور از رطوبت کم و غیر مسری چقدر است؟ خواهش می‌کنم توضیح دهید. جواب: شما بی شک گرفتار وسواس شده‌اید، و اگر به دستوراتی که می‌دهیم عمل کنید به زودی نجات خواهید یافت، و الّا مشکلات شما زیاد خواهد شد. ابتدا پاسخ سؤالهای شما، و

بعد یک دستور کلّی: منظور از رطوبت برای سرایت این است که وقتی دست خشک بر آن شیء مرطوب بگذارد، انسان به آسانی آثار تری را ببیند. ۲) آیا دیوارهای خانه به خاطر مسأله‌ای که پیش آمده نجس است؟ جواب: دیوارهای خانه به صورتی که نوشته‌اید کاملًا پاک است. ۳) ظرفی که زیر شیر (منظور آب لوله کشی) گذاشته می‌شود، حتّی اگر سر نرود آیا حکم آب کر را دارد؟ آیا می‌توان لباس نجس را در آن آب کشید؟ جواب: ظرفی که زیر آب لوله کشی است حکم آب کر دارد؛ پر باشد، یا خالی. ۴) اگر جایی مثل دسته در، سردی آن احساس شود، آیا نجاست با دست خشک به آن منتقل می گردد؟ جواب: سردی دسته در هیچ ارتباطی به رطوبت ندارد، و نجاست به آن منتقل نمی‌شود، و این سؤال دلیل وسواسی بودن شماست. و امّا دستور کلّی: وسواسی بودن شما به علّت ندانستن مسائل است. اگر مسائل را درست، یاد احکام پزشکی، ص: ۱۸۵ بگیرید، راحت می‌شوید. مسأله مهم این است که علم و یقین وسواسی نه ملاک نجاست است، نه ملاک طهارت؛ و به عبارت واضح‌تر، باید ببینید افراد عادی متدیّن چه موقع علم به نجاست پیدا می کنند، و چه موقع علم به طهارت، به همان مقدار قناعت کنید، و اگر قلب شما راضی نشد به آن اعتنا نکنید، و مسئولیت آن را به عهده ما بگذارید. به شک و تردید اعتنا نکنید، حتّی کف توالت مادامی که با چشم خود نجاستی در آن نبینید بگویید پاک است؛ کوچه‌ها، خیابانها، مغازه‌ها همه پاک است. اتومبیل‌های عمومی، صندلی‌ها و دسته درهای آنها پاک است، حمّام مادامی که چیز نجسی به یقین در آن نباشد پاک است. تمام مسلمانها و بچّه‌های آنها مادامی که نتوانید قسم به نجس بودن آن بخورید پاک هستند. وظیفه شرعی شما این است که به آنچه گفته‌ایم عمل کنید، و بعد از یک هفته آثار مثبت آن را خواهید دید. سؤال ۴۷۷- جوانی بیست و یک ساله هستم، و به شدّت وسواس دارم. این بیماری مانع ترقّی من شده است. یک بار برای شما در این مورد نامه نوشتم و شما این گونه جواب دادید: «ما راهی نشان می‌دهیم که به افراد بسیاری توصیه کرده‌ایم و بسیار مؤثر است و آن این است که شما نگاه کنید به افراد متدیّن معمولی، ببینید آنها چقدر آب می کشند، به همان مقدار قناعت کنید. بقیّه برای شما پاک است و ما مسئولیّت آن را شرعاً می‌پذیریم»، در حالی که من در نامه قید کرده بودم که فقط از شما یک فتوا می‌خواهم و آن اینکه: چیزهای نجس و متنجّس را برای مدّتی بر من پاک بدانید؛ ولی شما جوابی که در بالا ذکر شد را مرقوم داشتید و من باز هم روی حرفم هستم، این فتوا را بدهید تا من چیزهای نجس و متنجّس را پاک بدانم. جواب: شما باید تسلیم حکم خدا باشید. حکم خدا این است که به مقدار احکام پزشکی، ص: ۱۸۶ متعارف بشویید؛ بقیّه برای شما «پاک» است، هرچند حالت وسواس به شما می گوید نجس است، این روشن‌ترین راه است، و بسیاری از این طریق درمان شده‌اند. سؤال ۴۷۸- چند مسأله در مورد طهارت و نجاست برایم پیش آمده که همواره فکر و ذهن مرا مشغول کرده و مرا به شدّت عذاب می‌دهد، از درس و مطالعه افتاده‌ام و خانواده‌ام نیز از رفتار من به تنگ آمده‌اند. شما را به مقام رسول اللَّه صلی الله علیه و آله قسم می‌دهم، مرا نجات دهید. اگر شما بفرمایید: «اعتنا به این موارد حرام است؛ و در صورت اعتنا به جهنّم می‌روی» و گناهش را به گردن بگیرید، نجات پیدا می کنم. جواب: به یقین اعتنا کردن شما به مواردی که برخواسته از وسواس است حرام می‌باشد و باید آن را ترک کنید، و ما مسئولیّت آن را به گردن می گیریم. سؤال ۴۷۹- تکلیف من در موارد زیر چیست؟ الف) گاهی زمینی نجس می‌شود، بعداً برف یا باران می‌آید و تمام زمین‌ها خیس می‌شود، مردم و وسایل نقلیّه از روی آن زمین نجس عبور می کنند و به همه جا می‌روند (مسجد، حرم، نانوایی، قصّابی، داخل اتوبوس شرکت واحد، مدرسه، بازار و ...) و به خاطر خیس بودن زمین‌ها نجاست را به همه آن مکان‌ها منتقل می کنند، به همین جهت آن مکان‌ها را نجس می‌دانم، همان گونه که گرد و خاک‌های آن خیابان‌ها و مکان‌ها را نیز نجس می‌دانم. ب) هر زمان توالت می‌روم با اینکه در موقع بول کردن بسیار مواظب هستم تا بول ترشّح نکند، در عین حال قطع پیدا می کنم که بول به شلوار و پایم ترشّح کرده است؛ لذا توالت رفتن برایم مشکل شده، و تا آن موضع را آب نکشم راحت نمی‌شوم. احکام پزشکی، ص: ۱۸۷ ج) در بعضی مواقع پشت و جاهای دیگر دستم به لبه میز و یا لبه کتاب و یا چیزهای زبر برخورد می کند، و بدون اینکه دستم زخم شود یا خونی بیرون بیاید، از گوشه و کنار ناخنها و جاهای دیگر دستم چیزی با احساس کمی درد جدا

می‌شود، و یا روی انگشت‌های دستم پوست‌های مختصری وجود دارد که با فرو بردن دست به داخل جیب و یا تماس گرفتن با چیز دیگر، آنها با احساس کمی درد از دستم جدا می‌شود، لطفاً در این موارد تکلیف مرا بیان فرمایید: جواب: بدون شک شما گرفتار وسواس هستید؛ وظیفه شما این است که به سایر مردم نگاه کنید و ببینید در چه حد به این امور اعتنا می‌کنند و علم به نجاست پیدا می‌کنند (منظور قشر متدیّن است) آن مقدار که آنها یقین می‌کنند و آب می‌کشند شما هم آب بکشید، و نسبت به بقیّه تکلیفی ندارید؛ هرچند فکر شما به شما بگوید نجس است؛ زیرا در این گونه موارد افراد متدیّن عادی علم و یقین به نجاست پیدا نمی‌کنند. ضمناً پوستهایی که از دست و بدن جدا می‌شود محکوم به پاکی است، مگر اینکه شما آنها را با فشار بکنید و محلّ آنها سوزش پیدا کند، که در این صورت احتیاط کنید. سؤال ۴۸۰- منزل ما از نظر طهارت مشکل دارد؛ فرشها، دربها، دیوارهای اطاقها، پنجره‌ها، پرده‌ها، بخاری زمینی، بخاری دیواری، جارو برقی، کمدها، بعضی از کتابها، بالشت‌ها، رختخواب و تشک‌ها، قاب عکس‌ها و خلاصه تمام زندگی ما نجس است، گفتم نامه‌ای برای شما بنویسم تا بلکه در مورد من فتوای خاص (اجازه مخصوص) بدهید و اینجانب را از معافیّت مخصوصی در مورد چیزهایی که تا به حال نجس شده برخوردار سازید، تا همه چیز و همه کس برای من طاهر باشد. جواب: شما گرفتار وسواس هستید و تنها درمان آن بی اعتنایی است. فتوای ما احکام پزشکی، ص: ۱۸۸ برای شما این است که ببینید مؤمنان دیگر چه اندازه به این امور اعتنا می‌کنند، به همان اندازه اعتنا کنید؛ بقیه برای شما پاک است. سؤال ۴۸۱- اینجانب مبتلا به بیماری وسواس هستم، و متأسّفانه بسیار شدید و غیر قابل تحمّل است. مثلًا در مورد تطهیر و غسل وسواس من خیلی شدید است، به گونه‌ای که گاهی اوقات وقتی شب به حمّام می‌روم نزدیک طلوع آفتاب موفق به تطهیر شده، از حمّام بیرون می‌آیم. باور کنید در طول این چند سال به اندازه بیست سال آب مصرف کرده‌ام، برای درمان به نزد بعضی از علمای شهرمان و یکی از مراجع قم رفتم، اذکاری به من گفتند که مؤثّر واقع نشد. خدمت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در مشهد رفتم، با چه گرفتاریهایی که در سفر و هنگام تشرّف داشتم، و دعا و تضرّع بسیار کردم ولی متأسّفانه شفا نیافتم. این بیماری نزدیک است مرا از پای درآورد، نه تنها خود که خانواده را نیز نگران و در زحمت انداخته‌ام، بلکه باعث شده است عبادتهایم را نتوانم انجام دهم. برای این جهت ماه رمضان را سفر می‌کنم تا مشکل روزه گرفتن نداشته باشم، اگرچه در سفر هم هیچ چیز نمی‌خورم. چه کنم تا از این وضع غمبار نجات یافته، و از زخم زبانهای اطرافیان آسوده گردم؟ جواب: مشکل شما در واقع از خود شماست و مقصّر اصلی خودتان هستید، و به همین دلیل دعای شما هم مستجاب نمی‌شود، و علّت اصلی آن ندانستن مسأله است. مسأله اصلی این است که بر شما واجب نیست یقین به طهارت و غسل و مانند آن پیدا کنید، آنچه بر شما به عنوان یک وظیفه شرعی لازم است اینکه به مقدار سایر مردم آب بریزید و به همان قناعت کنید، هرچند شک در غسل و طهارت داشته باشید، و ما مسئولیّت شرعی این کار را می‌پذیریم. شما از امروز فقط به مقدار مردم آب بریزید و قناعت کنید، و با بدن نجس و حال جنابت (به احکام پزشکی، ص: ۱۸۹ گمان خودتان) نماز بخوانید و هیچ اشکالی هم ندارد، و نماز و روزه شما کاملًا صحیح است. و ما به این وسیله بر شما و تمام افراد وسواسی اتمام حجّت می‌کنیم و مخالفت با آن گناه است. ما از خداوند می‌خواهیم که به شما توفیق توجّه به این مسأله را عنایت نموده، و از دام شیطانی نجات پیدا کنید. سؤال ۴۸۲- مدّتی قبل تقریباً در همه امور در دام وسواس افتادم. اکنون تا حدودی آن را از خود دور کرده‌ام، ولی مشکلی که هنوز دارم طول کشیدن غسل (در حدود ۴۰ دقیقه) و گاهی هم تکرار الفاظ نماز است. لطفاً مرا راهنمایی کنید. جواب: بهترین راه برای ترک وسواس، بی‌اعتنایی به آن است. یعنی ملاحظه کنید دیگران چه مقدار برای غسل معطّل می‌شوند، شما هم چنین کنید، مثلًا ده دقیقه یا حداکثر یک ربع ساعت، و اگر شیطان گفت درست نشد، اعتنا نکنید و عمل شما صحیح است و نگران نباشید، و ما مسئولیّت آن را بر عهده می‌گیریم.

۳. احکام وضو

سؤال ۴۸۳- فردی کـه دسـتهایش دچـار لرزه و رعشه مـداوم است، و بی‌اختیـار تکـان می‌خـورد، چگـونه وضـو بگیرد؟ جـواب: در صورتی که بتواند دسـتش را حرکـت دهد، وضو گرفتن اشکال ندارد، ولی نیّتش این باشد که حرکاتی که از بالا به پایین است جزء وضو باشد، و عکس آن جزء وضو نباشد. سؤال ۴۸۴- شخصی که هر دو دست او فاقد حسّ و حرکت است، به طوری که نمی‌تواند هنگام وضو دستها و صورت را آب بکشـد، و قادر بر مسح سـر و پاها نیز نمی‌باشـد، برای وضو چگونه بایـد عمل کنـد؟ جواب: از کسـی کمـک می‌گیرد که او را وضو دهـد، و اگر وضو گرفتن برای او احکام پزشـکی، ص: ۱۹۰ شاقّ است، با کمک کسـی تیمّم می‌کنـد. و اگر دسترسی به کسـی نبود، با همان حال نماز می‌خواند. سؤال ۴۸۵- وظیفه شخصـی که زخم یا دمل یا شکسـتگی، در محل مسح سـر یا پاهایش دارد و روی آن باز است، و آب ریختن روی آن ضـرر دارد، چیست؟ جواب: هرگاه چیزی از پشت پا، یا پیش سـر برای مسـح کردن- ولو به انـدازه یک انگشت- سالم باشد، بر آن مسح می‌کند. و اگر نباشد، جبیره‌ای بر آن می‌گذارد، و وضوی جبیره‌ای می‌گیرد. «۱» سؤال ۴۸۶- پاهایم به گونه‌ای دچار آسـیب شده که دائماً باید کفش طبّی بپوشم، و بیرون آوردن آن برای مسح پا، بالاخص خارج از منزل، بسیار مشقّت دارد، وظیفه‌ام چیست؟ جواب: در فرض سؤال می‌توانید روی کفش مسح کنید. و اگر به زحمت نمی‌افتید احتیاط آن است که تیمّم را هم اضافه نمایید. سؤال ۴۸۷- اینجانب مبتلا به سینوزیت هستم، ولذا استعمال آب برایم ضـرر دارد، البتّه یک بار هم عمل جرّاحی کردم ولی موثّر واقع نشـد که هیـچ، بلکه مضـر هم واقع شـد. هر وقت که برای وضو از آب اسـتفاده می‌کنم سـر دردم بیشتر می‌شود، و گاه خون از مجرای بینی‌ام ترشـح می‌کنـد، و فعلًا هم با تیمّم نمازهایم را ادا می‌کنم، با توجّه به مطالب بالا آیا باید تیمّم کنم و یا وضو بگیرم (ضـمناً بعضـی معتقدند وضو با آب گرم برای من ضـرری ندارد)؟ جواب: اگر وضو با آب گرم ضـرری نـدارد و تهیّه آن ممکن است باید وضو بگیرید، در غیر این صورت تیمّم کنید و هرچند مدّت طول بکشـد جـای نگرانی نیست. احکـام پزشـکی، ص: ۱۹۱ سـؤال ۴۸۸- شخصـی است که بی‌اختیـار از او ادرار یـا مـدفوع خـارج می‌شود، و بـا کیسه از سـرایت آن به سـایر بـدن جلوگیری می‌کنـد، حـال اگر قبـل از نماز کیسه آلوده باشـد آیا تعویض آن واجب است؟ اگر کیسه پـاک باشـد و در حـال نمـاز مـدفوع و یا بول بـدون اختیار خارج گردد، تکلیف چیست؟ جواب: کسـی که بول یا غایط پی در پی از او خارج می‌شود باید بعد از هر وضو فوراً مشـغول نماز شود، و برای به جا آوردن نماز احتیاط و سـجده و تشـهّد فراموش شـده، وضو گرفتن دیگر لازم نیست، به شـرط اینکه میـان نماز و این کارها فاصـله‌ای نینـدازد، و در حال نماز حمل کیسـه آلوده بـا خود، نماز را باطل نمی‌کنـد. سؤال ۴۸۹- کسـی که به علّت جراحـات جنگی بول و غائـط او بی اختیـار خـارج می‌شود، با توجّه به اینکه هیـچ گونه احساسـی نـدارد تا بفهمد چه موقع خارج می‌گردد، آیا می‌تواند با یک وضو، دو نماز بخواند؟ جواب: در صورتی که بول و مـدفوع مرتّباً از او خارج می‌شود، برای هر نماز یک وضو بگیرد. و اگر احتمال می‌دهـد که بعـد از گرفتن وضـو برای نمـاز اوّل چیزی از او خـارج نشـده، می‌توانـد نمـاز دوّم را بـا آن بخوانـد. سـؤال ۴۹۰- شخصـی چنـد سال پیش به علّت غـدّه پروسـتات تحت عمـل جرّاحی قرار گرفت، تـا یک سال و نیم پیش هیـچ‌گونه ناراحتی نـداشت و فرایض دینی خود را انجام می‌داد، اکنون مکرّر از وی ادرار خـارج می‌شود، به شـکلی که حتّی امکـان رسـیدن به دسـتشویی نیست، وظیفه او چیست؟ جواب: هر گـاه توانایی داشـته باشـد که خود را به اندازه وضو و نماز حفظ کند، و بدن و لباس را پاک نگه دارد، باید این گونه نماز بخواند. و اگر این حالت در وسط نماز دست می‌دهـد، و می‌توانـد ظرف آبی در کنار خود بگـذارد و وضو بگیرد، بایـد چنین کند. و اگر این کار طبق آنچه قبلًا گفته شـد مشـقّت شدیـد دارد می‌توانـد برای احکام پزشـکی، ص: ۱۹۲ نمـاز یـک وضو بگیرد و به همـان حال نماز بخواند، و بعداً نیز قضا لازم نیست. سؤال ۴۹۱- اینجانب از مدّتی قبل دچار بیماری داخلی شده‌ام؛ از نشانه‌های آن تکرّر ادرار و باد شکم می‌باشد، گاهی فکر می‌کنم شاید جنبه وسواس داشـته باشد، فقط در هنگام وضو گرفتن و یا نماز خواندن و یا نشستن در یک جا مقّیدم که چیزی از من خارج نشود؛ با توجّه به توضـیحات فوق به دو سؤال زیر پاسخ دهید: الف) آیا به احساس دوّم که فقط در مواقع خاص (وضو و نماز) به من دست می‌دهـد اعتنا نکنم؟ جواب: در مورد شک، مخصوصاً اگر ناشـی از وسواس باشـد، ابداً اعتنا

نکنید. ب) آیا به قطراتی که امکان دارد بعد از چند دقیقه از من خارج شود اعتنا کنم، یا حکم دیگری می‌فرمایید؟ جواب: اگر استبرا کرده‌اید و قطرات مشکوک است که بول است یا چیز دیگر، باز اعتنا نکنید. و اگر یقین دارید بول است، چنانچه تجدید وضو مایه مشقّت زیاد می‌شود یک بار وضو برای هر نماز کافی است.

۴. احکام غسل

سؤال ۴۹۲- وظیفه شرعی کسی که بی‌اختیار از وی منی خارج می‌شود چیست؟ جواب: خروج منی به هر صورت موجب غسل است، به شرط اینکه یقین حاصل شود. و هر گاه به خاطر عمل پروستات ذرّات منی در بول مستهلک گردد، موجب جنابت نخواهد شد. سؤال ۴۹۳- بیمارانی که به علّت قطع نخاع یا علل دیگر نمی‌توانند غسل کنند، احکام پزشکی، ص: ۱۹۳ و مجبورند نایب بگیرند، نایب چگونه این افراد را غسل دهد؟ جواب: باید طبق آداب غسل ترتیبی یا ارتماسی آنها را غسل دهند. یعنی در غسل ترتیبی اوّل آب را روی سر و گردن آنها بریزند، سپس طرف راست را بشویند، و بعد طرف چپ را، البتّه خود آنها نیّت غسل می‌کنند. سؤال ۴۹۴- گاه در موقع عمل جرّاحی، لوله انزال منی در مثانه قرار گرفته و با ادرار دفع می‌شود. این ترشّحات چه حکمی دارد؟ جواب: هر گاه منی در ادرار مستهلک شود، یعنی به صورت چیز ناپیدایی در آید، موجب جنابت نمی‌شود، ولی اگر منی به طور آشکار دفع گردد باید غسل کند، و اگر مشقّت دارد تیمّم نماید. ولی در این گونه موارد معمولًا از قبیل قسم اوّل است. سؤال ۴۹۵- رطوبت مشکوکی که از بیمار خارج می‌شود در چه صورتی موجب غسل است؟ جواب: اگر رطوبت هنگامی خارج شود که به اوج شهوت جنسی رسیده، حکم منی دارد و باید غسل کند، و لازم نیست با جستن بیرون آید. سؤال ۴۹۶- آیا غسل جبیره‌ای با وضوی جبیره‌ای تفاوت دارد؟ جواب: غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است؛ ولی تا ممکن است باید غسل را ترتیبی به جا آورد، بنا بر احتیاط واجب. غسل حیض سؤال ۴۹۷- خانمی چند ماه است که لکّه‌های پی در پی می‌بیند، و برخی از پزشکان احتمال می‌دهند که مربوط به زخم‌های درونی باشد. وظیفه چنین شخصی چیست؟ جواب: اگر ثابت شود که خون مربوط به زخم یا دمل و یا رحم است غسل احکام پزشکی، ص: ۱۹۴ ندارد، بلکه طبق معمول باید وضو بگیرد و نماز بخواند. و اگر خون مربوط به عوارض رحم باشد استحاضه محسوب می‌شود؛ و در این صورت چنانچه کم باشد، در حدّ لکّه‌های مختصر، غسل ندارد، ولی باید برای هر نماز وضو بگیرد و بدن را بشوید و نماز بخواند، و اگر خون جریان دارد غسل واجب می‌شود (یک غسل برای نماز صبح، و غسل دیگر برای نماز ظهر و عصر، و غسل سوم برای نماز مغرب و عشا) و اگر غسل برایش ضرر یا مشقّت شدید دارد می‌تواند به جای آن تیمّم کند. حکم خون زخم‌های درونی بانوان سؤال ۴۹۸- خانمی عمل جرّاحی کرده و رحمش را برداشته‌اند، و در سنّ خانم‌هایی است که عادتاً حیض می‌شوند. لطفاً بفرمایید: خونی که می‌بیند حکم حیض دارد یا استحاضه؟ در صورتی که احتمال دهد، یا یقین کند که خون از زخم و عمل جرّاحی است چه صورت دارد؟ جواب: اگر یقین داشته باشد یا احتمال دهد خون زخم یا جرّاحی است تکلیفی برای او ایجاد نمی‌کند. تنها خود را می‌شوید وغسل و وضو بخاطر آن واجب نیست. سؤال ۴۹۹- در صورت شک بین خون نفاس و خون زخم تکلیف زن چیست؟ جواب: در این مورد احتیاط کند، یعنی عبادات را انجام دهد و از آنچه بر حائض حرام است پرهیز کند تا وضع او روشن شود.

۵. احکام تیمّم بیماران

الف) موارد وجوب تیمّم برای بیمار سؤال ۵۰۰- در چه مواردی به خاطر بیماری باید تیمّم کرد؟ جواب: هر گاه آب دارد ولی می‌ترسد اگر وضو بگیرد بیمار شود، یا بیماریش احکام پزشکی، ص: ۱۹۵ به طول انجامد، یا شدّت پیدا کند، یا معالجه آن سخت شود، در تمام این موارد باید تیمّم کند. ولی اگر مثلًا آب گرم برایش ضرر ندارد باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند. و لازم

نیست یقین به ضـرر داشـته باشد، همین اندازه که خوف ضرر داشته باشد کافی است که وضو نگیرد و تیمّم کند. سؤال ۵۰۱- کسی که مبتلا به چشم درد است و آب برای او ضـرر دارد، وظیفه‌اش چیست؟ جواب: اگر بتواند اطراف چشم را بشوید، باید وضو بگیرد والّا تیمّم کند. سؤال ۵۰۲- کسی که می‌داند آب برای او ضرر دارد، چنانچه تیمّم کند و بعداً بفهمد که آب برایش ضرر نداشته چه حکمی دارد؟ جواب: تیمّم او باطل است، واگر با آن نماز خوانـده بنابر احتیاط واجب اعاده کنـد. سؤال ۵۰۳- اگر یقین داشت آب برایش ضرر ندارد و وضو گرفت و غسل کرد، ولی بعد فهمید آب برایش ضرر داشته، وظیفه‌اش چیست؟ جواب: احتیاط واجب آن است که تیمّم کنـد و اگر نماز خوانـده اعاده نماید. ب) طریقه تیمّم سؤال ۵۰۴- کسـی که یک دست او قطع گردیده، ولی ذراع او باقی است و دست دیگرش سالم می‌باشـد، چگونه تیمّم نمایـد؟ جواب: ذراع را به جای کف دست قطع شده قرار دهد. سؤال ۵۰۵- کسـی که هر دو دسـتش به گونه‌ای قطع گردیـده که حتّی ذراع او هم باقی نمانده است، چگونه باید تیمّم نماید؟ جواب: پیشانی را آهسته بر روی خاک تمیز، یا قطعه سـنگ صافی مسـح کنـد. احکام پزشـکی، ص: ۱۹۶ سؤال ۵۰۶- کسـی که هر دو دسـتش قطع گردیـده، ولی ذراع هر دو دست او بـاقی است، وظیفه او در تیمّم چیست؟ جـواب: از ذراع به جـای کف دست اسـتفاده کنـد. سؤال ۵۰۷- کسـی که یـک دست او به گونه‌ای قطع شـده است که ذراع هم بـاقی نمانـده و دست دیگر او سـالم است، چگونه بایـد تیمّم نماید؟ جواب: دست سالم را روی خاک می‌زند و با آن صورت را مسح می‌کند، سپس پشت دست را به روی خاک مسح می‌کند. ج) احکام تیمّم سؤال ۵۰۸- شخصـی که به علّت بیماری، برای انجام وضو و غسل، نمی‌تواند از آب سـرد استفاده کند، و آب گرم نیز در دسترس نـدارد، چنانچه تیمّم نماید تکلیف او بعد از یافتن آب گرم، قبل و بعد از نماز چیست؟ جواب: اگر داخل وقت باشـد احتیاطاً اعاده کند، و اگر وقت گذشته است قضا لازم نیست. سؤال ۵۰۹- کسی که به خاطر بیماری ناگزیر از تیمّم شده، اگر قبل از شروع به نمـاز بتوانـد وضو بگیرد یـا غسل کنـد، تکلیفش چیست؟ جواب: لازم است وضو یا غسل بجا آورد. سؤال ۵۱۰- کسی که همواره موقع ادرار اجزای منی هم از مجرای او خـارج می‌شود، و امیـد خوب شـدن نیز نـدارد، آیا می‌توانـد تیمّم کنـد و اعمالش را انجـام دهـد؟ چون فرض بر این است که غسـل جنـابت به صورت همیشـگی برای او زیـان غیر قابل جبران جسـمی دارد. جواب: در فرض مسأله احتیاط واجب آن است که به مقداری که ضرر ندارد احکام پزشکی، ص: ۱۹۷ غسل کند، و در مواردی که ضرر دارد تیمّم جایز است، ولی وضو را نیز احتیاطاً بگیرد. این در صورتی است که ذرّات منی در بول مستهلک نشود، ولی اگر مستهلک شود احتیـاج به غسـل نیست. همچنین اگر شـک داشـته باشـد که آن ذرّات منی است یا رطوبتهای چسـبنده دیگر، که احیاناً از انسان دفع می‌شود، غسل نـدارد. سؤال ۵۱۱- کسـی که مبتلاـ به مرضـی است که نمی‌توانـد از خروج بـاد جلـوگیری کنـد، و وضو گرفتن هم برایش ضـرر دارد، آیا بایـد در محلی (مثلًا روی سـنگ) نماز بخواند تا بتواند بعد از اینکه چیزی از او خارج شد تیمّم کند و نماز را ادامه دهـد؟ جواب: اگر تجدید تیمّم در وسط نماز برای او میسّر باشد بی آنکه منافی نماز بجا آورد، این کار لازم است. مگر اینکه تکرار آن باعث عسر و حرج گردد، که در این صورت واجب نیست.

۶. احکام نماز

اشاره

الف) وقت نماز سؤال ۵۱۲- جهت معالجه به یکی از شهرهای «آلمان»، که در ۷۵ کیلومتری «فرانکفورت» می‌باشد، رفتم. چون هوا ابری و مه آلود بود، تشـخیص طلوع و غروب آفتـاب امکـان نـداشت، یک مسـجد که مربوط به برادران اهل تسـنّن ترکیه بود، پیـدا نمودم. کسـی جز امـام مسـجد در آنجا نبود، اوقات شـرعی را از او سؤال کردم. ایشان تقویم دیواری که اوقات نماز هر روز زیر آن نوشـته شده بود را به من داد، مطابق آن نماز صـبح و ظهر را بجا آوردم، ولی نماز مغرب و عشا را ده دقیقه بعد از زمان تقویم انجام

دادم، تا اینکه در تاریخ ۱۳/ ۶/ ۷۶ روزنامه احکام پزشکی، ص: ۱۹۸ اطلاعات خارج از کشور، شماره ۸۱۱ به دستم رسید. اوقات شرعی که در آن قید شده بود با اوقات شرعی ترکها تفاوت فاحشی به شرح زیر داشت: اوقات شرعی روزنامه اطّلاعات: طلوع آفتاب (۴۵ و ۵)، ظهر (۲۴ و ۱۲)، مغرب (۲۴ و ۱۹) (که البتّه ساعت ۴۵ و ۱۹ هم آفتاب روی دیوار مشاهده می‌شد!). وامّا اوقات شرعی ترکها: طلوع آفتاب (۳۹ و ۶)، ظهر (۳۹ و ۱۳)، مغرب (۱۰ و ۲۰) از آن تاریخ نمازها را بدین شرح بجا آوردم: طبق روزنامه اطّلاعات نماز صبح را در ساعت ۵، ظهر را در ساعت ۴۰ و ۱۳ و نماز مغرب را، با توجّه به رؤیت آفتاب، ساعت ۱۵ و ۲۰، آیا نمازهایم صحیح بوده است؟ جواب: چنانچه در آنجا، مطمئن‌ترین طریق شما برای وقت، همان شیوه‌ای بوده که عمل کرده‌اید عمل شما صحیح و کافی بوده است. البتّه در این‌گونه موارد اگر مقداری احتیاط در تأخیر بشود، بهتر است. ب) قبله سؤال ۵۱۳- مجروحان و معلولان و بیمارانی که به هیچ وجه نمی‌توانند روبه قبله نماز بخوانند، آیا جهت‌های غیر قبله برای آنان یکسان است؟ جواب: فرقی با هم ندارد. ج) لباس نمازگزار سؤال ۵۱۴- بیماران یا بعضی از مجروحین جنگی که چند جای بدنشان ترکش خورده، گاه در طول شبانه روز از بدن آنها خون می‌آید. وظیفه این عزیزان برای نماز چیست؟ جواب: آن مقدار که می‌توانند، از سرایت به سایر اعضا جلوگیری می‌کنند، و احکام پزشکی، ص: ۱۹۹ بقیّه مانعی ندارد و نمازشان صحیح است. سؤال ۵۱۵- هر گاه در حال نماز دهان نمازگزار بیمار خون بیاید نمازش چه حکمی دارد؟ جواب: اگر خون در دهان بوده باشد موجب بطلان نماز نیست. ولی اگر به ظاهر لب به مقدار درهم (یک بند انگشت) یا بیشتر رسیده باشد باید نماز را رها کند و دهان را آب بکشد و سپس آن را اعاده نماید. و اگر کمتر از درهم باشد و با آب دهان آمیخته شود و خارج گردد آن هم برای نماز اشکال دارد. سؤال ۵۱۶- بیماری که بنا بر عللی نمی‌تواند پس از ادرار محل را با آب بشوید، اگر با پارچه‌ای خود را تمیز کند می‌تواند نماز را بخواند؟ جواب: در فرض مسأله که ضرورت است اشکالی ندارد. سؤال ۵۱۷- کسی که ادرار و مدفوع وی غیر ارادی است، با توجّه به اینکه هر لحظه امکان دارد از او ادرار یا مدفوع خارج گردد، علاوه بر اینکه اطراف عورتین و لباس او اکثر اوقات نجس است حتی اگر عوض کند مجدداً نجس می‌شود چگونه نماز بخواند؟ جواب: با همان حال نماز بخواند، و در مورد وضو گرفتن مطابق دستوری که در رساله توضیح المسائل مسأله ۳۲۹ داده‌ایم عمل کند. سؤال ۵۱۸- کسانی که عمل جرّاحی روده بزرگ انجام داده، و محل خروج مدفوع را بسته‌اند، و مدفوع توسّط کیسه‌ای جمع آوری می‌گردد. تکلیف آنها در موقع نماز چیست؟ جواب: اگر کیسه به صورت محمول است اشکالی ندارد، و اگر بدن آلوده شود چنانچه عسر و حرجی نباشد آن را بشویند، و اگر عسر و حرجی است به همان حالت نماز بخوانند. احکام پزشکی، ص: ۲۰۰ سؤال ۵۱۹- بدن برخی از بیماران بستری در بیمارستان به واسطه خون‌گیری و مانند آن نجس است، و بعضی نیز دارای لباس نجس می‌باشند. در صورتی که امکان غسل و دسترسی به لباس پاک نباشد، برای ادای نماز چگونه عمل کنند؟ جواب: با همان حال نماز می‌خوانند، و اگر غسل بر آنها واجب شده باشد، تیمّم می‌کنند. سؤال ۵۲۰- آیا با خون هموروئید (بواسیر) داخلی یا خارجی، می‌توان نماز خواند؟ جواب: در صورتی که زخم‌ها در خارج بوده باشد، نماز خواندن مانعی ندارد و ملحق به قروح و جروح است؛ ولی اگر زخم، داخل باشد و خون بیرون آید، نماز خواندن با آن اشکال دارد؛ مگر در مواردی که عسر و حرج داشته باشد. سؤال ۵۲۱- اگر در دو جای بدن یا لباس، لکه خونی، که هر کدام به اندازه حدوداً یک درهم است، باشد. آیا نماز خواندن با آن اشکال دارد؟ جواب: آری، اشکال دارد. «۱» د) مکان نمازگزار سؤال ۵۲۲- نجس بودن صندلی چرخدار یا عصای بیماران، برای نماز چه حکمی دارد؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۵۲۳- نماز خواندن بیماران و پزشکان و پرستاران و کارمندان بیمارستانهایی که طبق حکم دادگاه مصادره شده، یا اجاره‌ای بوده و مدّت اجاره احکام پزشکی، ص: ۲۰۱ سپری شده و مالک حاضر به تجدید اجاره نیست، چه حکمی دارد؟ جواب: در مورد بیمارستان‌های مصادره‌ای هر گاه توسّط حکومت اسلامی مصادره شده مجاز هستید در آن نماز بخوانید، و در مورد اماکن اجاره‌ای که مدّت اجاره تمام و صاحبش راضی به ادامه تصرّف نیست، چنانچه مجبور نباشید در بیرون نماز خود را بخوانید، و در صورت

اجبار مانعی ندارد. سؤال ۵۲۴- بیمارانی که بدن و لباس آنها نجس است و قادر بر جلوگیری از سرایت نجاست به‌جایی که می‌نشینندنیستند، آیا می‌توانند جهت اقامه نماز جماعت یا فراگیری احکام یا شرکت در سایر مراسم دینی در مساجد حاضر شوند؟ جواب: در صورتی که فرش یا زیراندازی زیرپایشان بیندازند که مسجد را نجس نکنند مانعی ندارد. سؤال ۵۲۵- در صورتی که زیرزمین مسجدی را تبدیل به درمانگاه کنند، مراجعه بیمارانی که عذر شرعی دارند (مانند زنانی که خون نفاس می‌بینند) یا بیماران غیر مسلمان به چنان درمانگاهی چه حکمی دارد؟ جواب: اوّلًا در صورتی می‌توان زیر زمین مسجد را تبدیل به درمانگاه کرد که هیچ گونه مزاحمتی برای نمازگزاران نداشته باشد، و مردم نخواهند از آنجا برای نماز خواندن استفاده کنند. و ثانیاً زنان معذور نمی‌توانند به آنجا مراجعه کنند، و غیر مسلمانان اگر سبب آلوده شدن آنجا نشوند مانعی ندارد. و این در صورتی است که درمانگاه بعداً ایجاد شده باشد. امّا اگر از اوّل آنجا وقف بر درمانگاه شده است مشکلی ندارد. ه) واجبات نماز ۱. قیام سؤال ۵۲۶- بیمارانی که از پای مصنوعی استفاده می‌کنند و بدین وسیله نماز را احکام پزشکی، ص: ۲۰۲ ایستاده می‌خوانند، گاه به علّت خستگی پا و یا احتمال زخم شدن آن، پای مصنوعی را در آورده، نشسته نماز می‌خوانند. لطفاً بفرمایید: الف) آیا بر این افراد واجب است همواره به کمک پای مصنوعی نماز را ایستاده بخوانند؟ جواب: اگر عسر و حرج نداشته باشد ایستاده نماز بخوانند، ولو با تکیه بر عصا و مانند آن باشد. و اگر موجب عسر و حرج و ناراحتی است نشسته نماز بخوانند. ب) اگرایستادن لازم بوده، تکلیف نمازهایی که در حال نشسته خوانده چیست؟ جواب: چنانچه جاهل قاصر بوده نمازهای او صحیح است. سؤال ۵۲۷- بیماری که ایستاده نماز می‌گذارد، بناگاه احساس سرگیجه و عجز می‌کند، آیا می‌تواند بقیه نماز را به حالت نشسته یا خوابیده بخواند؟ جواب: مانعی ندارد، ولی اگر تا آخر وقت قدرت پیدا کند احتیاط اعاده است. ۲. رکوع سؤال ۵۲۸- تکلیف بیماری که نمی‌تواند به مقدار رکوع در حالت رکوع باقی بماند، (یعنی تنها قسمتی از ذکر را می‌تواند در حالت رکوع بگوید) چیست؟ جواب: همان مقدار که می‌تواند بگوید؛ مثلًا یک سبحان اللّه. سؤال ۵۲۹- خانم من به علّت بیماری به هنگام شرکت در نماز جماعت نمی‌تواند در رکوع و سجده بطور کامل از امام تبعیّت کند، زیرا اگر تا آخر سجده یا رکوع همراه امام باشد سرگیجه می‌گیرد، آیا می‌تواند قبل از امام سر از رکوع بردارد، یا در نماز جماعت شرکت نکند؟ جواب: شرکت کردن او در نماز جماعت به این صورت اشکال دارد، نماز خود را فرادی بخواند خداوند ثواب جماعت را به وی می‌دهد. احکام پزشکی، ص: ۲۰۳ ۳. سجده سؤال ۵۳۰- بیماری که سجده را روی صندلی بجا می‌آورد، اگر با کفش نماز بخواند چه حکمی دارد؟ جواب: اشکالی ندارد، ولی بهتر است کفش را بیرون آورد.

نماز مسافر

سؤال ۵۳۱- بیماری در شهری غیر از وطن خود بستری شده، و مدّت یک ماه از بستری شدنش می‌گذرد، و مشخّص نیست چه مدّت دیگر درمان وی طول خواهد کشید. تکلیف نماز و روزه‌اش چیست؟ جواب: بعد از گذشت یک ماه، نماز و روزه‌اش تمام است.

نماز قضا

سؤال ۵۳۲- برخی از بیماران در اثر بیماری به حالت اغماء می‌روند، یا طیّ عمل جرّاحی توسّط پزشک بیهوش می‌شوند و نمی‌توانند نماز بخوانند. آیا نمازهای این مدّت را باید قضا کنند؟ جواب: نماز در موقع بیهوشی قضا ندارد. سؤال ۵۳۳- شخصی بر اثر سکته مغزی چند سال حواس درستی نداشته، به گونه‌ای که اگر به او تذکّر می‌دادند نماز را بدون شرایط آن می‌خوانده، و گرنه نمی‌خوانده است. آیا چنین فردی مانند شخص بی هوش است که نمازش قضا ندارد، یا نمازهای او بر پسر بزرگتر واجب است؟ جواب: در فرض مسأله نماز از او ساقط است، و قضای آن بر عهده فرزند او نیست. امّا اگر عقل و شعور کافی دارد، ولی گرفتار

فراموشی می‌شود احتیاط احکام پزشکی، ص: ۲۰۴ واجب آن است که فرزند بزرگتر بعد از فوت او نمازهایش را قضا کند. سؤال ۵۳۴- شخصی چندین ماه است که در حال کما است، اگر از کما خارج شود قضای نمازها و روزه‌های زمان کما بر او واجب است؟ و اگر به همان شکل فوت کند، پسر بزرگترش باید آنها را قضا کند؟ جواب: نمازهای مذکور قضا ندارد. و بر پسرش نیز نسبت به آن زمان چیزی نیست. سؤال ۵۳۵- اکنون به خاطر بیماری در بیمارستان بستری هستم، با توجّه به اینکه در اینجا فرصت زیادی دارم، آیا می‌توانم نمازهای قضای خود یا دیگران را (چه مجّانی یا در برابر اجرت) بجا آورم، با توجه به اینکه باید نشسته نماز بخوانم و گاه امکان تطهیر بدن یا لباس‌ها وجود ندارد؟ جواب: قضای نمازهای واجب در این حالت اشکال دارد؛ خواه برای خودتان یا به نیابت از دیگری. ولی می‌توانید برای خودتان یا به نیابت از دیگران نمازهای مستحبّی بخوانید. سؤال ۵۳۶- کسی که با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز می‌خواند، آیا می‌تواند نمازهایی را که در زمان سلامتی‌اش فوت شده، در این حال قضا کند؟ جواب: مانعی ندارد. سؤال ۵۳۷- نماز و روزه‌های فراوانی از من فوت شده است، ولی متأسّفانه اکنون بیمارم و قادر بر انجام آن نیستم، و امیدی به بهبودی در آینده نیست، آیا می‌توانم در حال حیات، شخصی را اجیر کنم که آنها را از سوی من بجا آورد؟ جواب: می‌توانید وصیّت کنید که پس از شما این کار را انجام دهند، ولی در حال حیات جایز نیست.

نماز جماعت

سؤال ۵۳۸- اقتدا به امام جماعت بیمار در بیمارستانها چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که بتواند وظیفه امام جماعت را انجام دهد مانعی ندارد. سؤال ۵۳۹- امامت کسی که مبتلا به بیماری جذام (خوره) یا برص (پیسی) می‌باشد، چه حکمی دارد؟ جواب: بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند امام جماعت شود؛ حتّی برای مثل خودش. سؤال ۵۴۰- آیا می‌توان به امام جماعتی که بر اثر بیماری نشسته نماز می‌خواند، اقتدا کرد؟ جواب: کسی که ایستاده نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند، اقتدا کند. سؤال ۵۴۱- امامت جماعت مجروحان و معلولان در فروض زیر چه حکمی دارد؟ الف) دست امام جماعت به گونه‌ای است که نمی‌تواند تمام کف دست خود را روی زمین بگذارد. ب) دست امام جماعت مصنوعی است. ج) رکوع و سجود را با اشاره انجام می‌دهد. جواب: در صورت اوّل و دوم جایز است، و در صورت سوم اشکال دارد. سؤال ۵۴۲- شخصی امام جماعت مسجدی است که تمام شرایط امامت جماعت را دارا بوده، و حتّی به درجه اجتهاد هم رسیده، ولی اخیراً مبتلا به بیماری آرتروز (درد زانو) شده است. اطبّای معالج وی می‌گویند: «به هنگام نماز بایستی مهر را مقداری بلند کرده، سپس روی آن سجده نماید» خلاصه به طور احکام پزشکی، ص: ۲۰۶ طبیعی نمی‌تواند سجده کند، ولی بقیّه نماز را به صورت طبیعی بجا می‌آورد. آیا این مورد از مصادیق اقتدای شخص ایستاده به نشسته است که جایز نمی‌باشد؟ جواب: از نظر ما دلیلی بر عدم جواز نیست، و ادلّه جماعت (ولو به اطلاق مقامی) شامل چنین اشخاصی می‌شود؛ بنابراین، اقتدا به چنین کسی جایز است. سؤال ۵۴۳- برخی از بیماران مجبورند روی تخت یا ویلچر نماز بخوانند، آیا این امر موجب به هم خوردن اتّصال صفهای نماز جماعت نمی‌شود؟ جواب: اتّصال صفوف به هم نمی‌خورد.

نماز جمعه

سؤال ۵۴۴- با توجّه به اینکه برای ما بیماران حضور در نماز جمعه امکان ندارد، آیا می‌توانیم نماز ظهر جمعه را اوّل وقت بجا آوریم، یا باید تا پایان وقت نماز جمعه صبر کنیم؟ جواب: شما می‌توانید نماز ظهر را در اوّل وقت بجا آورید.

بیماری و سقوط نماز

سؤال ۵۴۵- تا چه حد از بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی، باعث ساقط شدن نماز و روزه می‌شود؟ تشخیص آن بر عهده کیست؟ جواب: در صورتی که عرفاً به او دیوانه و مجنون بگویند، و یا اینکه نتواند وقت نماز را تشخیص دهد، نماز از او ساقط می‌شود. سؤال ۵۴۶- اگر انسان افسرده باشد، البتّه نه از نوع خیلی شدید، بلکه از نوعی که دکترها و روانشناسان تشخیص افسردگی می‌دهند، و در این مدّت عمداً نمازش را ترک نموده و روزه هم نگیرد، و به خدا بدگمان شود، و از رحمت او احکام پزشکی، ص: ۲۰۷ مأیوس گردد، و کشف حجاب نماید، در حالی که آگاه و عاقل است، حکمش چیست؟ جواب: انسان باید همیشه به خداوند قادر مهربان امیدوار باشد، و آنچه را او دستور داده از نماز و روزه و حجاب و سایر وظایف دینی انجام دهد، و از رحمت واسعه او مأیوس نباشد، که نا امیدی از گناهان کبیره است. و هیچ کس حق ندارد به بهانه افسردگی وظایف شرعی خود را ترک کند؛ مگر اینکه بر اثر افسردگی عقل و هوش خود را از دست بدهد.

۷. احکام روزه

الف) مبطلات روزه سؤال ۵۴۷- آیا فرو بردن وسایل غیر خوراکی (مانند وسایل معاینات پزشکی و دندانپزشکی) در دهان به هنگام روزه، باعث بطلان روزه می‌گردد؟ جواب: موجب بطلان روزه نمی‌شود، مگر اینکه آلوده به آب دهان شود و آن را بیرون آورد و سپس وارد دهان کند و رطوبت آن ابزار به قدری باشد که در آب دهان مستهلك نشود و آن را فرو برد. سؤال ۵۴۸- فردی مبتلا به نفس تنگی شدید است، و از یك نوع وسیله طبّی استفاده می‌نماید که با فشار دادن سوزن آن، داروی مایع به صورت پودر گاز از راه دهان به ریه‌ها پاشیده می‌شود و باعث تسکین می‌گردد (این عمل چندین بار در روز تکرار می‌گردد) آیا می‌تواند با وجود استفاده از این وسیله روزه‌دار هم باشد، با توجّه به اینکه بدون استفاده از این دستگاه روزه گرفتن مشقّتی غیر قابل تحمّل دارد؟ جواب: اگر به صورت گاز رقیق وارد بدن می‌شود مانعی ندارد و روزه‌اش احکام پزشکی، ص: ۲۰۸ صحیح است. و ما نمونه‌های معمول آن را دیده‌ایم اشکالی ندارد. سؤال ۵۴۹- آیا فرو بردن چرك گلو باعث باطل شدن روزه می‌گردد؟ جواب: اگر به فضای دهان وارد نشود یا بدون اختیار فرو رود مانعی ندارد. سؤال ۵۵۰- آیا فرو بردن اخلاط سینه موجب ابطال روزه می‌شود؟ جواب: اگر به فضای دهان نرسد موجب ابطال نیست. سؤال ۵۵۱- حکم روزه بیمارانی که از دارو استفاده می‌کنند، در فروض زیر چیست؟ الف) تزریق آمپول یا سرم از طریق رگ انجام می‌شود و دارو: ۱. فقط جنبه تقویتی داشته باشد. ۲. جنبه درمانی و تقویتی داشته باشد. ۳. جنبه غیر تقویتی داشته باشد. جواب: تمام تزریقات مذکور برای روزه‌دار اشکال دارد؛ ولی تزریق در عضله مانعی ندارد. ب) استفاده از قطره، در سه فرض فوق نسبت به دارو، از طریق چشم، گوش، یا بینی چه حکمی دارد؟ جواب: اگر به حلق وارد نشود، یا شك داشته باشیم، اشکالی ندارد. ج) وارد کردن دارو از طریق سوند معده (لوله‌ای که از طریق دهان یا بینی وارد معده بیمار می‌شود) چه حکمی دارد؟ جواب: جایز نیست؛ مگر در مواقع ضرورت که آن نیز موجب بطلان روزه است. سؤال ۵۵۲- آیا تزریق آمپول‌هایی که جهت بی‌حسی، کاهش درد، کشتار میکروبها و مانند آن به کار می‌رود، در صورتی که هیچ خاصیّتی جهت رساندن احکام پزشکی، ص: ۲۰۹ ویتامین یا موّاد غذایی به بدن نداشته باشد، روزه را باطل می‌کند؟ جواب: تمام تزریقات دارویی و تقویتی و بی‌حسّی و واکسن هر گاه در عضله باشد برای روزه‌دار اشکال ندارد، ولی از تزریق در رگ مطلقاً پرهیز شود. سؤال ۵۵۳- آیا خوردن داروهای خوراکی که به هیچ وجه جنبه غذایی نداشته باشد، بلکه جهت تسکین آلام بیمار به کار می‌رود مبطل روزه است؟ جواب: بدون شك مبطل روزه است. سؤال ۵۵۴- آیا شستشوی معده از طریق سوند معده، باعث ابطال روزه بیمار می‌شود؟ (توضیح اینکه شستشوی معده با مایعات از طریق سوند انجام می‌گیرد، سپس مایع وارد شده از طریق سوند به بیرون کشیده می‌شود). جواب: جایز نیست، مگر در حال ضرورت، که در این صورت باید روزه آن روز را قضا کند. سؤال ۵۵۵- روزه بیماری که تنقیه می‌کند، اما مایع به شکم او نمی‌رسد و فقط به نشیمنگاه وارد می‌شود، چه حکمی دارد؟ جواب: روزه او باطل

است، هر چند به شکم نرسد. سؤال ۵۵۶- بیماری که ناچار است هر روز، یا یک روز در میان، با آب خالص تنقیه کند، تکلیف روزه‌هایش چه می‌شود؟ جواب: اگر می‌تواند، این کار را در شب انجام دهد. و اگر نمی‌تواند، باید روزه را قضا کند. ب) تشخیص ضرر با کیست؟ سؤال ۵۵۷- پزشکان شخص بیماری را از روزه گرفتن منع می‌کنند، ولی او می‌داند که روزه برایش ضرر ندارد. وظیفه‌اش چیست؟ جواب: باید روزه بگیرد. احکام پزشکی، ص: ۲۱۰ سؤال ۵۵۸- در بعضی از موارد، پزشکان در مورد بیماران چنین اظهار نظر می‌کنند: «روزه برای فلان بیمار ۸۰٪ مضرّ است» و منظورشان این است که طبق آمار علمی ۸۰٪ افرادی که با این بیماری روزه گرفته‌اند دچار ضرر شده‌اند. چنانچه این اظهار نظر برای انسان یقین آور باشد، ولی وضعیّت خود را از نظر تطبیق آمار بر خودش نداند، حکم روزه‌اش چیست؟ جواب: چنین آمارهایی در صورتی که از اطبّای متعهد شنیده شود طبعاً موجب خوف ضرر می‌شود، و روزه با آن واجب نیست. سؤال ۵۵۹- آیا توصیه پزشک و پرستار، مبنی بر ضرر داشتن روزه، یا حرکت اعضای بدن بیمار، یا استعمال آب برای وضو، یا ایستاده نماز خواندن، یا خم شدن برای سجده و مانند آن، مجوّز شرعی محسوب می‌شود؟ جواب: چنانچه در مخالفت دستور او خوف ضرر باشد مجوّز شرعی دارد. سؤال ۵۶۰- چنانچه طبیبی، بیماری را از روزه گرفتن منع کند (با توجّه به اینکه برخی از اطبّا نسبت به مسائل شرعی بی اطّلاع هستند) آیا نظر او در این زمینه قابل قبول است؟ جواب: اگر طبیب مورد اطمینانی باشد نظریّه‌اش قابل قبول است. سؤال ۵۶۱- متأسّفانه کلیه‌ام سنگ‌ساز است. بدین جهت پزشک مرا از روزه منع کرده، و دستور داده که روزانه حداقل ۱۰ لیوان آب بنوشم. آیا نظر ایشان، که فردی متدیّن می‌باشد، لازم الاتبّاع است؟ اگر روزه بگیرم، و به علّت عدم شرب مایعات در روزه‌های ماه رمضان، کلیه‌ام طبق پیش بینی پزشک دچار مشکل شود، آیا مرتکب معصیت شده و روزه‌ام باطل است؟ جواب: هر گاه از گفته طبیب حاذق متعهّد خوف ضرر پیدا کنید که روزه برایتان احکام پزشکی، ص: ۲۱۱ ضرر دارد، روزه را افطار می‌کنید. و چنانچه پس از ماه مبارک توانستید، قضای آن را به جا آورید. و اگر بیماری شما تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرد، قضا بر شما واجب نیست؛ بلکه برای هر روز فقط یک مدّ طعام (هفتصد و پنجاه گرم، یا مانند آن) به فقیری می‌پردازید. و با توجّه به اینکه اشتیاق زیادی برای روزه گرفتن دارید، خداوند ان شاء اللّه به شما اجر روزه داران را عنایت خواهد کرد. ج) مکروهات روزه سؤال ۵۶۲- کشیدن دندان، یا هرگونه اعمال جرّاحی لثه و دندان، که باعث خونریزی می‌شود، در حال روزه چه حکمی دارد؟ جواب: مکروه است، ولی روزه را باطل نمی‌کند. د) بیمارانی که روزه بر آنها واجب نیست سؤال ۵۶۳- زنی ۶۳ ساله هستم که شش بچه به دنیا آورده‌ام. در دوران حاملگی و شیرخوارگی بچّه‌ها (حدود ۱۲ سال) نتوانستم روزه بگیرم، پس از آن نیز تاکنون هر وقت خواستم روزه بگیرم دچار خونریزی معده شده، و با توصیه پزشکان روزه نگرفته‌ام، اکنون تکلیف بنده چیست؟ جواب: در حال حاضر شما مکلّف به روزه نیستید، و احتیاط واجب آن است که اگر قدرت دارید برای هر روز به اندازه یک مدّ طعام (۷۵۰. گرم گندم) به شخص نیازمندی بدهید. همچنین برای ایّام گذشته که روزه نگرفته‌اید، و تا سال بعد هم توانایی بر روزه نداشته‌اید. سؤال ۵۶۴- بعضی از برادران قطع نخاعی طبق دستور پزشک باید هر چند ساعت مقداری مایعات بنوشند. وظیفه آنان برای روزه چیست؟ جواب: روزه از آنها ساقط است. و به جای آن، در صورتی که قدرت مالی احکام پزشکی، ص: ۲۱۲ داشته باشند برای هر روز یک مدّ طعام کفّاره می‌دهند. سؤال ۵۶۵- هرگاه بیمار در اثنای روز ماه مبارک رمضان خوب شود، در چه صورت باید نیّت روزه کند؟ جواب: اگر پیش از ظهر خوب شود، و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیّت روزه کند، و احتیاطاً قضا هم نماید. ولی اگر بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز واجب نیست، فقط باید قضای آن را بجا آورد.

۸. احکام حجّ بیماران

الف) استطاعت سؤال ۵۶۶- از آنجا که متأسّفانه معتاد هستم، اداره بهداشت طبق مقرّرات جمهوری اسلامی از رفتن من به حج

جلوگیری می‌کند. تکلیف من با وجود استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن چیست؟ جواب: اگر قبلًا مستطیع بوده و قادر بر رفتن به مکّه نیز بوده‌اید و نرفته‌اید، حج بر شما مستقر شده است، و اگر مأیوس از ترک اعتیاد هستید باید نایب بگیرید. ولی اگر قبلًا استطاعت نداشته‌اید، در فرض سؤال مستطیع نیستید؛ مگر اینکه بتوانید- هر چند با ترک اعتیاد- اجازه بگیرید و به حج بروید. ب) محرّمات احرام سؤال ۵۶۷- اینجانب به علّت قطع نخاع و عدم کنترل ادرار و ... نمی‌توانم بدن و لباس احرام خود را پاک نگه دارم. وظیفه‌ام چیست؟ جواب: آن مقدار که می‌توانید محافظت کنید، و آنچه موجب عسرو حرج است اشکال ندارد. احکام پزشکی، ص: ۲۱۳ سؤال ۵۶۸- وظیفه بیماری که مجبور است در حال احرام از لباس دوخته شده استفاده کند چیست؟ جواب: این کار برای او مجاز است، ولی باید برای هر احرام یک کفّاره بدهد. سؤال ۵۶۹- تزریق آمپول در حال احرام در صورتی که خون بیاید، برای تزریق کننده و شخص محرم که به او تزریق می‌شود، چه صورتی دارد؟ جواب: حرام نیست، خواه خون بیاید یا نیاید. سؤال ۵۷۰- آیا خون گرفتن از بدن با سرنگ، از مصادیق ادمای محرّم است، و در حال احرام پرهیز از آن لازم می‌باشد؟ جواب: جزء ادما محسوب می‌شود، ولی به فتوای ما، ادما برای مُحرِم مکروه است، نه حرام. سؤال ۵۷۱- آیا در حال احرام می‌توان دندانی که شدیداً درد دارد، و پزشک سفارش به کشیدن آن کرده را کشید، هر چند باعث خونریزی شود؟ جواب: خارج کردن خون از بدن در حال احرام، چه در حال ضرورت و غیر ضرورت، حرام نیست و کفّاره‌ای ندارد، ولی مکروه است. سؤال ۵۷۲- آیا منظور از کشیدن دندان- که در فرض خونریزی مکروه است- دندان شخص محرم است، یا شامل دندان دیگری هم می‌شود؟ مثلًا اگر دندانپزشک محرم باشد، و دندان شخص محرم یا غیر محرمی را بکشد، آیا کراهت دارد؟ جواب: شامل دندان غیر نمی‌شود. ج) طواف سؤال ۵۷۳- با توجّه به اینکه به علّت بیماری همواره کیسه مخصوص ادرار احکام پزشکی، ص: ۲۱۴ همراه خود دارم و با حرکت بدن بول خارج می‌شود، برای طواف و نماز طواف چه کنم؟ جواب: یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز کافی است. سؤال ۵۷۴- اخیراً مأمورین سعودی مانع طواف وسعی افراد بیمار و معذور (که با ویلچر طواف می‌کنند) در طبقه همکف می‌شوند. طواف و نماز طواف وسعی چنین افرادی در طبقه بالا چه صورت دارد؟ جواب: در فرض سؤال طواف آنها در طبقه بالا اشکالی ندارد. و در مورد نماز طواف و سعی، اگر اجازه ندهند در پایین انجام گیرد، یا اجازه می‌دهند ولی مشقّت و عسر و حرج دارد، آن هم اشکالی ندارد. د) مصدود و محصور سؤال ۵۷۵- وظیفه کسی که به خاطر بیماری و مانند آن قادر بر انجام اعمال منی یا طواف وسعی و اعمال مکّه نیست چیست؟ جواب: این شخص در حکم محصور است، ولی اگر می‌تواند نایب بگیرد این کار از اعاده حج کفایت می‌کند، و لازم نیست در سال آینده حج را مجدّداً به جا آورد.

۹. احکام معاملات بیماران

سؤال ۵۷۶- پدرم پس از سکته مغزی و بستری شدن در بیمارستان، بعد از دو روز بیهوشی از مرگ نجات یافته، و از بیمارستان مرخّص شد. نامبرده که در حال صحّت جسمی و فکری کامل نبود بنا به توصیه یک نفر، ملک خود را بین پسر و دخترش بطور مساوی تقسیم کرد، و این تقسیم به خاطر دریافت سند عادی از احکام پزشکی، ص: ۲۱۵ ثبت اسناد به صورت خرید و فروش نوشته شده است، بدین گونه که فروشنده پدرم و خریدار هر یک از فرزندان هستند؛ ولی در واقع هیچ گونه مبادله‌ای صورت نگرفته، و از طرف خریداران هیچ مبلغی پرداخت نشده، و قبض و اقباضی صورت نگرفته است، لطفاً در این باره به پرسشهای زیر پاسخ دهید: الف) آیا شخص مذکور با چنین حالی، که در اثر سکته مغزی قسمتی از مغزش از کار افتاده، می‌تواند شخصاً به نقل و انتقال مالی دست بزند؟ جواب: اگر این مقدار از بیماری موجب اختلال در عقل او نشده باشد، نقل وانتقالات او اشکالی ندارد، و فلج شدن بدن ارتباطی به اختلال فکری ندارد. ب) آیا تقسیم مزبور در تمام مال نافذ است، یا نسبت به ثلث مال اثر دارد؟ جواب: هرگاه واقعاً بیمار بوده، و سرانجام بیماری‌اش سبب مرگ او شده، تصرّفات او که شکل بخشش داشته باشد تنها در یک سوم مال نافذ است بنا

بر احتیاط واجب. و اگر بیمار نباشد و یا آن بیماری سبب مرگ او نشود تصرّفات او بطور کامل جایز است، مشروط بر اینکه در صورت بخشش آن را تحویل دهد. ج) آیا نوشتن قرار داد بیع بدون نقل و انتقال مال، و یا ردّ و بدل اسناد، صحیح است؟ جواب: اگر قرارداد معامله را بنویسند و امضا کنند و پول آن را نقداً بپردازند یا در ذمّه باشد مانعی ندارد، همچنین اگر قرائنی باشد که منظور از بیع هبه است آن هم مانعی ندارد، ولی باید ملک را تحویل طرف بدهد. سؤال ۵۷۷- شخصی، که دارای ۵۰۰ هزار تومان پول نقد بوده سکته مغزی نموده، و در اثر آن در مشاعر و حواسّ او اختلال پیش آمده، بطوری که عملًا سفیه شرعی محسوب شده، و محجور می‌گردد؛ همسر و یکی از فرزندان او تصمیم می‌گیرند خانه‌ای با همان پول خریداری کنند، تا این فرزندی که در سنّ احکام پزشکی، ص: ۲۱۶ از دواج بوده در آن سکونت نماید؛ قابل توجّه اینکه شخص محجور، ولیّ خاصّی ندارد و همسر و فرزندان او نیز از طرف حاکم شرع یا به حکم قانون قیّم او نیستند، و از طرف دیگر، هیچ یک از همسر و دو فرزند مذکور قصد تملّک و خرید خانه برای خود نداشته، و قصد قرض گرفتن پول را نیز نداشته‌اند، لطفاً به فرمایید: الف) شرعاً چه کسی مالک آن خانه است؟ جواب: چنانچه خانه را با پول پدر گرفته‌اند و او در آن زمان محجور بوده، معامله باطل است؛ مگر اینکه قیّم شرعی آن را اجازه دهد، که در این صورت خانه تعلّق به پدر دارد. ب) فرزندی که در آن خانه سکونت کرده و سند به نام اوست، مخارجی در آن منزل نموده است، اگر قرار باشد مخارج به او داده شود، باید همان مبلغی را که آن زمان خرج نموده به او داده شود؟ یا با قدرت خرید و نرخ امروز محاسبه شود؟ جواب: هزینه‌هایی که آن فرزند در آن منزل کرده از کیسه خود او رفته است، ولی اگر چیزهای قابل انتقالی، مانند کابینت و امثال آن باشد، متعلّق به خود اوست.

۱۰. روشهای پیشگیری از بیماری

سؤال ۵۷۸- با توجّه به مصیبت بار بودن بیماری ایذر، آیا آموزش گروهای مختلف سنّی در مورد راههای انتقال و نحوه پیشگیری از این بیماری را جایز می‌دانید؟ جواب: جایز است؛ ولی باید به شکلی باشد که بد آموزی یا مفسده دیگری بر آن مترتّب نشود. احکام پزشکی، ص: ۲۱۷ سؤال ۵۷۹- آیا توصیه به استفاده از کاندوم، برای پیشگیری از بیماری‌های واگیردارآمیزشی، در رده‌های مختلف سنّی، بدون اطّلاع از مجرّد یا متأهل بودن آموزش گیرنده جایز است؟ جواب: ممکن است این مطلب به صورتی که ذکر کرده‌اید سبب بد آموزی باشد، و مسأله فحشا یا سایر انحرافات جنسی را یک مسأله عادی جلوه دهد، لذا جایز نیست. سؤال ۵۸۰- آیا تجویز داروی اعتیاد آور خوراکی به جای داروی اعتیادآور تزریقی، جهت پیشگیری از بروز بیماری‌های واگیردار جایز است؟ جواب: در صورتی که هدف ترک اعتیاد باشد، و این معنا به طرف نیزتفهیم گردد، مانعی ندارد. سؤال ۵۸۱- آیا توزیع سرنگ بین معتادین، برای پیشگیری از بروز بیماری‌های واگیردار مجازاست؟ (لازم به ذکر است که این روش تغییری در اعتیاد آنها ایجاد نمی‌کند.) جواب: درصورتی که به معتادان تفهیم شود که هدف کمک به اعتیاد آنها نیست، بلکه منظور جلوگیری از آلودگی به بیماری‌های خطرناک است، مانعی ندارد. سؤال ۵۸۲- با توجّه به معضلات کنونی اجتماع، که بعضاً نتیجه عدم آگاهی صحیح جوانان از مسائل جنسی است، آیا آموزش مسائل جنسی را در جامعه، برای پیشگیری از بیماری‌های واگیردار، با رعایت حریم خانواده، و با توجّه به سنّ نوجوانان و جوانان، و با استفاده از متون آموزشی مناسب، مجاز می‌دانید؟ جواب: تجربه نشان داده که آموزش مسائل جنسی به سبک غربی، که فعلًا مطرح است، مفاسد زیادی در بر دارد، و در بسیاری از اوقات نتیجه معکوس می‌دهد.

۱۱. مراجعه به پزشک غیر همجنس

سؤال ۵۸۳- مراجعه بیمار به پزشک غیر همجنس در هر یک از دو حالت زیر چه صورتی دارد؟ الف) در صورتی که فقط مستلزم نگاه به غیر وجه و کفّین باشد. ب) در صورتی که علاوه بر نگاه، نیاز به لمس و سایر معاینات نیز باشد. جواب: مادام که دسترسی

به پزشـک همجنس است به غیر همجنس مراجعه ننمایـد، مگر در موارد ضـرورت یـا جایی که همجنس توانایی کافی نـدارد. سؤال ۵۸۴- در صورتی که عمل جرّاحی، یا پانسـمان، منوط به نظر یا لمس عورت باشـد، آیا اولویّت با هم جنس است؟ جواب: همجنس اولویّت دارد. سؤال ۵۸۵- چنانچه در شـهری هم پزشك زن و هم پزشك مرد باشـد، مراجعه بیمار زن به پزشك مرد در دو صورت زیر چه حکمی دارد؟ الف) در صورت تسـاوی علمی و مهـارت تخصّصـی دو پزشك (زن و مرد)، ب) در صورتی که احتمال برود متخصّص مرد عـالم‌تر است؟ جواب: الف) اگر احتیـاج به معـاینه بـدنی و نظر و لمس داشـته باشـد بایـد به پزشك زن رجوع کنـد. جواب: ب) اگر احتمـال قوی به تفاوت آن دو بدهـد، و این تفاوت در درمان او یا رفع خطرات مؤثّر باشـد، می‌توانـد پزشك مرد را مقـدّم بدارد. سؤال ۵۸۶- آیا اظهارات مسؤولین بیمارسـتانها مبنی بر کمبود پرسـنل جهت جداسازی پرسـتاران، ضـرورت انجام امور بیماران توسّط پرسـتاران غیر همجنس را فراهم می‌نماید؟ جواب: در صورتی که مورد اعتماد باشـند اشـکالی ندارد. احکام پزشکی، ص: ۲۱۹ سؤال ۵۸۷- مراجعه زنان نامحرم به دندان پزشکانی که با دستکش پلاستیکی کار می‌کنند، و تماس دست آنان با صورت به وسـیله دسـتکش است، چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که همجنس یـافت نشود، جایز است. سؤال ۵۸۸- آیا مراجعه زن به پزشك مرد، در صورتی که بتواند پزشك زن بیابد، جایز است (با توجّه به اینکه معمولًا پزشکان مرد به دلیل سابقه زیادتر از مهارت بیشتری برخوردار بوده، و در امر طبـابت از بـانوان پزشـك موفّق‌تر و حـاذق‌تر هسـتند)؟ فرض سؤال در جـایی است که از او معـاینه جسـمی به عمل می‌آید. جواب: در صورتی جایز است که تفاوت آگاهی آن دو در حدّی باشد که بیم آن برود پزشك زن موفّق به معالجه نشود، و بیماری ادامه یابـد، یا تشدیـد شود، یا بهبودی به تأخیر افتـد. سؤال ۵۸۹- بعضـی ازخانم‌ها برای معالجه به دکتر مرد مراجعه می‌کننـد. آیا با علم به اینکه این خانم قادر است به دکتر زن مراجعه کند، می‌توان او را معالجه کرد؟ جواب: در فرض سؤال دکتر بایـد او را به طبیب زن راهنمایی کنـد؛ مگر اینکه آن زن واقعاً اعتقادی به طبیب زن نداشـته باشد، و خود را ناچار بداند. سؤال ۵۹۰- در صورت عدم ضـرورت، آیا پرسـتاران می‌توانند پانسـمان بیمارهای غیر همجنس را بررسـی و تعویض نمایند؟ جواب: جایز نیست. سؤال ۵۹۱- سونوگرافی نسوج نرم، مثل بیضه‌ها، پستان، عروق دست و پا، نیازمند عریان شدن موضع است، و این موضع در معرض دید سونوگراف قرار احکام پزشـکی، ص: ۲۲۰ می‌گیرد. با توجّه به اینکه متخصّص سونوگراف زن، بسیار کم، و در برخی از شـهرها وجود نـدارد، رجوع به مردان چه حکمی دارد؟ جواب: تنهـا در صورت ضـرورت برای درمان جایز است. سؤال ۵۹۲- در موارد فوق معمولًا غیر از محلّ مورد معاینه، اطراف آن نیز عریان می‌شود. عریان کردن اطراف، که در معرض دید قرار می‌گیرد، چه حکمی دارد؟ جواب: به مقـداری که لازم است بایـد عریان شود. سؤال ۵۹۳- آیا در سونوگرافی از شـکم یا پستان خانم‌ها، از نظر حرمت نگاه پزشك غیر همجنس، تفاوتی وجود دارد؟ جواب: تفاوتی میان این دو نیست. سؤال ۵۹۴- در صورت وجود پزشك زن و مرد به تعداد کافی، آیا ملاك مراجعه بیماران، همجنس بودن پزشك است یا حاذق بودن؟ جواب: درصورتی که در عدم مراجعه به حاذق‌تر، بیم خطر و ضرر باشد، باید حاذق‌تر را مقدّم بشمرد. و اگر بیم ضرر و خطری نباشد، معیار همجنس بودن است. (البتّه در مواردی که معاینـات بـدنی لازم است). سؤال ۵۹۵- تعیین حـاذق بـودن طـبیب به عهـده چه مرجعی است؟ بیمـار یـا مراجع دیگر؟ جواب: بدیهی است حاذق بودن را تنها اهل خبره می‌توانند تشـخیص دهند. سؤال ۵۹۶- آیا می‌توان بیماران را به مراجعه به پزشك هم جنس، حتّی با ادّعای اضـطرار و مجوّز شرعی، ملزم کرد؟ جواب: در صورتی که بیمار خود را نا گزیر از مراجعه به غیر همجنس ببیند، مراجعه به غیر همجنس مجاز است. احکام پزشـکی، ص: ۲۲۱ سؤال ۵۹۷- لمس و نظر بیماران غیر همجنس تا چه سنّی جایز است؟ جـواب: مـادامی که ممیّز نباشـند، لمس و نظر جـایز است. و هنگـامی که به حـدّ تمیز رسـیدند نگـاه کردن قبـل از بلـوغ، اگر مفسده خاصّی نداشـته باشد، اشکالی ندارد. سؤال ۵۹۸- آیـا پزشـك می‌توانـد از معاینه بیمار غیر همجنس، که به او مراجعه کرده، خودداری کند؟ جواب: در صورتی که بیمار بتواند به وسـیله طبیب همجنس مشکل خود را حل کند، باید به او مراجعه نماید. سؤال ۵۹۹- اگر بطور مثـال، خانم بیماری که جانش در خطر است به تنها پزشك یك روسـتای دور افتاده که مرد است مراجعه کنـد، آیا

این پزشک مجاز است هر گونه معاینه ضروری را در مورد بیمار انجام دهد؟ جواب: اگر دسترسی به طبیب زن یا مرد محرم نباشد جایز است. سؤال ۶۰۰- در فرض سؤال فوق، اگر جان بیمار در خطر نباشد بلکه یک بیماری خفیف یا متوسّط باشد، آیا خانم بیمار حتماً باید به پزشک همجنس در شهر مراجعه کند، یا پزشک مرد مجاز است با انجام معاینات ضروری، اقدام به تشخیص و درمان نماید؟ جواب: اگر رفتن به شهر کاری شاقّ و موجب عسر و حرج باشد، و بیمار مزبور نیاز به مراجعه به طبیب داشته باشد جایز است. سؤال ۶۰۱- در صورت لزوم، به طور کلّی چه پزشک همجنس در دسترس باشد چه نباشد، لمس بدن خانم بیمار از روی لباس، چه صورتی دارد؟ جواب: در فرض مسأله برای مقاصد پزشکی مانعی ندارد. سؤال ۶۰۲- ذکر نکته مهمّی در اینجا ضروری به نظر می‌رسد، و آن اینکه: احکام پزشکی، ص: ۲۲۲ اگر با یک سری تمهیدات لازم بتوانیم در سطح کشور، موفّق به جداسازی مراکز درمانی خواهران از برادران شویم، با توجّه به اینکه هر پزشکی در طول دوران دانشجویی خود باید هر چند مختصر از انواع و اقسام اختلالات و بیماری‌ها چه در مورد آقایان و چه خانمها آگاهی یافته و آموزش ببیند، اعمّ از انجام معاینات کامل، آگاهی از بیماری‌های زنان، و چگونگی انجام زایمان سالم و مانند آن، و با توجّه به اینکه در مورد دانشجویان، این موارد بیشتر آموزشی هستند تا درمانی، یعنی ممکن است نجات جان بیمار در همان زمان وابسته به این درمان نباشد، امّا به وسیله این آموزش (که در بیمارستانهای آموزشی صورت می‌گیرد) دانشجو برای مراحلی که در آینده زندگی بیماران وابسته به وجود او خواهد بود، آماده می‌شود. و از این رو هر یک از دانشجویان در دوره‌های مختلف، ملزم و مجبور به گذراندن واحدهای درسی (در بیمارستانهایی که بیماران آن اعم از زنان و مردان می‌باشند)، و فراگیری تمام مسائل و امتحان دادن در پایان دوره می‌باشند، تا بتوانند در نهایت فارغ‌التحصیل موفّقی باشند. با در نظر گرفتن تمامی این شرایط، بفرمایید تکلیف و وظیفه دانشجو چیست؟ آیا می‌تواند به خاطر رعایت مسائل شرعی از فراگیری کامل بسیاری از مسائل بگذرد، و در نتیجه در گذراندن واحدهای درسی هم ناموفّق باشد، و یا در هر شرایطی و با هر وسیله‌ای باید به فراگیری صحیح کارش بپردازد، تا در آینده دچار مشکل نشود؟ و به طور کلی، چگونه می‌توان بین وظیفه پزشکی و دانشجویی که در کتب پزشکی بر انجام آن تأکید شده، و وظیفه شرعی و اسلامی که طبیعتاً نباید با وظیفه پزشکی تناقض داشته باشد جمع کرد؟ جواب: چنانچه نجات مسلمین (ولو در آینده) متوقّف بر این گونه آموزشها احکام پزشکی، ص: ۲۲۳ باشد، و راه منحصر به این معاینات و مشاهدات باشد جایز است. سؤال ۶۰۳- همان طور که مستحضرید تخصّصهای علوم پزشکی بسیار زیاد، و متخصّصین خانم در هر رشته در حال حاضر در ایران به جز در برخی رشته‌ها معمولًا نادر و کم می‌باشند، فلذا در شهرهای کوچک و بزرگ نیز باید به خاطر تعداد زیاد بیماران و تعداد کم پزشک و یا تحمیل هزینه گزاف، همان طور که بسیار شایع است خانم‌های بیمار به پزشک مرد مراجعه کنند. در این صورت وظیفه پزشک مورد مراجعه چیست؟ اگر بتواند و یا احتمال دهد که می‌تواند با معاینات مختلف و ضروری بیماری را تشخیص دهد و درمان کند مکلّف است چنین کاری را انجام دهد، یا باید وی را به یک پزشک خانم ارجاع دهد؟ در شرایطی که خیلی از بیماران، به دلایل فوق قادر به این کار نیستند، آیا در صورت ارجاع و تأخیر در تشخیص و درمان بیماری وی، این پزشک مسؤول نیست؟ جواب: در فرض مسأله نباید در درمان او تعلّل ورزد، چون نوعی ضرورت است، و اگر تعلّل ورزد مسؤول است. سؤال ۶۰۴- در صورت لزوم، مشاهده و لمس موهای خانم بیمار، جهت معاینه توسط پزشک مرد چه صورتی دارد؟ جواب: در صورتی که لمس یا مشاهده برای تشخیص بیماری ضرورت داشته باشد جایز است. سؤال ۶۰۵- اگر پزشک مرد مجبور به معاینه خانم بیمار شود، یا برعکس خانم بیمار ناچار به مراجعه به پزشک مرد گردد، با توجّه به اینکه در صورت رعایت کامل مسائل شرعی و اخلاقی در معاینه کامل خانمها شاید بتوان گفت بیش از ۹۰٪ معاینات که در کتب پزشکی به انجام آنها تأکید شده نباید انجام بگیرد. اگر با این گونه معاینه سطحی و غیر کامل، بیماری وی تشخیص داده نشده، و درمان احکام پزشکی، ص: ۲۲۴ کامل صورت نگیرد، آیا پزشک مسؤول است؟ اگر مسؤول است چاره چیست؟ آیا باید بر خلاف مسائل شرعی عمل کند؟ تذکّر این نکته ضروری است که پزشکان متخصّص و مجرّب بدون احتیاج به

معاینات کامل ممکن است بتوانند تشخیص دهند و درمان کنند، امّا برای افراد نامجرب و دانشجویان تا رسیدن به این مرحله، زمان زیادی لازم است. جواب: مانند مسأله سابق است. سؤال ۶۰۶- با توجّه به اینکه جهت معاینه ساده پروستات، حتماً باید از طریق مقعد، بیماری را مورد بررسی قرار داد، تا تشخیص قطعی بیماریهای پروستات داده شود؛ همچنین در بسیاری از بیماریهای آلت تناسلی، مشاهده و گاه لمس آن ضروری است. آیا در چنین مواردی پزشک مرد می‌تواند بیمار مرد را بدون اشکال شرعی معاینه نماید؟ اگر با عدم انجام این معاینه، بیماری را تشخیص ندهد، و بیماری- مثلًا سرطان- پیشرفت کند، آیا پزشک مسئول است؟ (با توجّه به اینکه استفاده از آیینه همیشه امکان‌پذیر نیست، و در ضمن عمل لمس نیز باید با دید کامل و با دست انجام شود، و از این رو در حال حاضر در تمامی مراکز درمانی این معاینه مستقیماً انجام می‌شود). جواب: از سؤال استفاده می‌شود که این امر ضروری است، و در این صورت معاینات مزبور اشکالی ندارد. و اگر در این گونه موارد پزشک کوتاهی کند مسئولیّت دارد. سؤال ۶۰۷- طبق نظرات عموم پزشکان، یکی از معایناتی که امروزه در هر بیماری، به خصوص در بیماریهای ادراری- تناسلی جزء معاینات اصلی اوّلیه به شمار می‌آید؛ اگرچه در انجام آن متأسفانه یا خوشبختانه مسامحه می‌شود، عملی به نام «توشه رکتال» است- که یک نوع معاینه نظری و لمسی از طریق مقعد احکام پزشکی، ص: ۲۲۵ می‌باشد، و از طرفی یکی از دقیقترین روشهای تعیین درجه حرارت فرد از طریق مقعد می‌باشد. با توجّه به مطالب فوق، و اینکه این معاینات گاه به خاطر احتیاط در جهت تشخیص یا ردّ برخی بیماریها انجام می‌شود، و گاه در تشخیص برخی بیماریها بسیار مؤثّر و روش کم خرج و ساده‌ای به نظر می‌آید. آیا پزشک مرد مجاز است چنین معاینه‌ای را چه جهت آموزش (به وسیله دانشجویان) و چه جهت تشخیص احتمالی یا قطعی در مورد بیمار مرد انجام دهد؟ و اگر با عدم انجام آن، متوجّه بیماری و راه درمان وی نشود آیا مسئول نیست؟ جواب: دقیقاً مانند مسأله سابق است. سؤال ۶۰۸- مراجعه به دکتر متخصّص غیرمسلمان چه حکمی دارد؟ جواب: اگر مفسده خاصّی بر آن مترتّب نشود اشکالی ندارد.

۱۲. تمایلات هم جنس گرایانه

سؤال ۶۰۹- در بین بیماران مراجعه کننده به کلینیک‌های روانپزشکی، بیمارانی وجود دارند که دارای تمایلات همجنس گرایی می‌باشند، علم روانپزشکی امروز این بیماران را به دو گروه تقسیم می‌کند: گروه اوّل، که اصطلاحاً به آنها (اگودیستانیک) می‌گویند، از اینکه دارای تمایلات همجنس‌گرایی هستند احساس ناراحتی نموده، و این احساس را به درون خود متعلّق ندانسته، و مایل هستند درمان شوند، علم روانپزشکی این بیماران را مداوا نموده، و درمان اکثر این بیماران موفقیت‌آمیز است. و این بیماران پس از درمان، به جنس مخالف علاقه پیدا نموده، و می‌توانند ازدواج کنند. احکام پزشکی، ص: ۲۲۶ گروه دوم که اصطلاحاً به آنها (اگوسینتانیک) می‌گویند، این افراد دارای تمایلات همجنس‌گرایانه هستند، امّا از داشتن چنین تمایلاتی ناراحت نیستند، و آن را با درون خود موافق و مطابق می‌بینند، و نسبت به جنس مخالف احساس کششی ندارند، بلکه بعضاً از جنس مخالف بیزار و متنفّرند. علم روانپزشکی جدید برای این دسته درمانی نیافته است، این نوع بیماران چنانچه جبراً ازدواج کنند با همسر خود دچار مشکلات جنسی و عاطفی خود می‌شوند، و معمولًا حاصل ازدواجشان طلاق و جدایی است (چنان که مشاهده گردیده است). البتّه از نظر پزشکی ثابت گردیده است که سه عامل مهم در ایجاد حالت همجنس گرایی در گروه دوّم نقش دارد که عبارتند از: الف) ژنتیک ب) هورمونهای بدن مادر در طی دوران بارداری ج) نحوه تربیت فرد در کودکی و تأثیر پدر و مادر در این دوران. توصیه روانپزشکی نوین به افراد گروه دوّم این است که رابطه جنسی خود را با یک فرد هم‌جنس برقرار کنند، و از اقدام به ازدواج با غیر هم‌جنس خودداری نمایند. زیرا کراراً مشاهده گردیده که این افراد قادر به تحمّل جنس مخالف نبوده، و ازدواج آنها به طلاق می‌انجامد. نظر حضرت عالی در مورد درمان گروه دوم چیست؟ جواب: از نظر موازین شرع اسلام نمی‌توان به این گروه اجازه برقرار ساختن رابطه با جنس موافق هر چند در مراحل سطحی و ابتدایی داد و آن را یک ضرورت شمرد، بلکه باید از طرق مختلف

مخصوصاً عواطف مـذهبی که بسیار قوی و مؤثر است، روی آنان کار کرد تا مشکلشان حل شود. و هرگز نباید تسـلیم توصـیه‌های بعضـی از روانپزشـکان شـد که می‌خواهند کار را بر خودشان آسان و بر دیگران مشکل کنند، بلکه باید پزشـکان مؤمن بکوشـند و طرق درمان معقول و مشروع را بیان کنند.

۱۳. احکام وصیّت

سؤال ۶۱۰- اگر کسـی در حال حیات وصیّت کنـد که بعـد از مرگش اعضای بـدنش را جهت پیوند در اختیار بیماران نیازمند قرار دهنـد، آیا ورثه می‌توانند مانع اجرای وصـیت شوند؟ جواب: جلوگیری ورثه تأثیری در این مسأله ندارد، و در صورتی که آن اعضـا برای نجات جان بیماران لازم باشد برداشتن آن جایز است، همچنین اگر برای نجات عضو مهمّی مانند چشم لازم باشد. سؤال ۶۱۱- وصیّت بیماران با چه شـرایطی و در چه مقدار از اموالشان نافذ است؟ جواب: در صورتی که از عقل و هوش کافی برخوردار باشـند وصیّت آنها مانند افراد سالم در ۱ ۳ اموالشان صحیح است، و فرقی بین بیمار و غیر بیمار در این قسمت نیست.

۱۴. احکام حدود و تعزیرات

سؤال ۶۱۲- در صورتی که حدّی بر شـخص مریضی واجب شود، آیا می‌توان هشتاد چوب نازك در کنار هم گذاشت و با آن یک ضربه بر بدن بیمار زد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، آیا تعزیر هم همین حکم را دارد؟ با توجّه به این مقدّمه حکم مسأله زیر را بیـان فرماییـد: زنی در زمان مجرّد بودن کاری کرده که حکمش تعزیر بوده، و اکنون پس از ازدواج در حالی که در دوران حمل به سر می‌برد و شوهرش نیز از این کار او مطّلع نبوده، جرم او ثابت شده است، با توجّه به اینکه این زن در حال حاضر هم بیمار است و هم دوران حمل را سپری می‌کند و هم اگر تعزیر شود شوهر وی مطّلع گشـته و ممکن است وی را طلاق احکام پزشـکی، ص: ۲۲۸ دهـد، یا مفاسـد دیگری ایجاد می‌شود، آیا در چنین مواردی مثلًا می‌توان سـی ترکه نازك کنار هم گـذاشت و به عنوان تعزیر با آن یک ضـربه بر بـدن او وارد کرد؟ جواب: در مورد بیمار می‌توان به تعـداد حد، چوبه روی هم گذارد و بر بدن او زد. و در مورد زن حامل بایـد بعـد از وضع حمل اجرای حـد شود. امّا در مورد تعزیر می‌توان به یک یا چنـد شـلّاق هم قناعت کرد، و تعزیر منحصـر به شلّاق نیست، و می‌توان در این گونه موارد به وسـیله توبیـخ یا نصـیحت به شـرط اینکه امید اثر در آن باشد قناعت کرد. سؤال ۶۱۳- شخصی که حالت صرع (غش) دارد محکوم به شلاق شده، و هر زمان که او را برای اجرای حدّ حاضر می‌کنیم دچار صرع می‌شود. چه باید کرد؟ جواب: باید حدّ را متوقف کرد، تا از این حالت بهبودی یابد. و اگر امید بهبودی نیست باید از «ضغث و شماریخ» «۱» استفاده کرد. سؤال ۶۱۴- آیا خوردن شـراب به مقـدار کم (که فقط و فقط برای معالجه باشد، و به هیچ وجه موجب مستی نشود، و توأم بـا اسـتغفار و اکراه باشـد، و معـالجه هم بـدین طریق میسّـِر شود، به نحوی که هیـچ دارویی نتوانـد تا این حـد مؤثّر باشـد، و در حقیقت برای حفظ جان و بقای وجود باشـد ولا غیر) مجاز است؟ جواب: تنها در صورتی جایز است که ضـرورت قطعی پیـدا کند و داروی منحصـر به فرد باشـد، و جانشـینی نداشـته باشد، و غالباً چنین نیست. سؤال ۶۱۵- هزینه درمـان و بهبودی شخصـی که در اثر اجرای حـدّ یـا قصـاص، یکی از اعضـای خود را از دست داده بر عهـده بیت المـال است یا محکوم؟ جواب: در صورتی که شـخص محکوم توانایی درمان داشـته باشد برعهده خود احکام پزشکی، ص: ۲۲۹ اوست. در عین حال مطابق بعضـی از روایات حاکم شرع در مـورد حـدود می‌توانـد دربـاره او ارفـاق کرده، و هزینـه آن را بپردازد. ولی اگر تمکّن نـدارد هزینه آن، هم در حـدود و هم در قصاص بر عهده بیت المال است. سؤال ۶۱۶- در صورتی که هزینه بر بیت المال باشد، اختصاص به معالجات اوّلیّه دارد یا معالجات بعدی را نیز شامل می‌شود؟ جواب: تفاوتی نمی‌کند. سؤال ۶۱۷- در بعضی از بیمارستان‌ها برای اینکه بفهمند انسان بچّه دار می‌شود یا نه، از مرد می‌خواهند که با عمل استمنا منی خود را در اختیار آزمایشـگاه قرار دهد، آیا این کار جایز است؟ جواب: تا ضـرورتی

ایجاب نکند و راه چاره منحصر به آن نباشد، جایز نیست. سؤال ۶۱۸- خارج کردن منی به وسیله استمنا در صورتی که باقی ماندن آن در بدن ضرر داشته باشد چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که واقعاً ضرورتی باشد حرام نیست.

۱۵. احکام قصاص

سؤال ۶۱۹- آیا مجنی‌علیه (کسی که جنایتی بر او واقع شده) می‌تواند قبل از آنکه بمیرد جانی را از قصاص نفس عفو نماید؟ در فرض قصاص عضو چطور؟ جواب: در قصاص عضو جایز است، ولی در قصاص نفس در میان فقها اختلاف است، و جواز عفو بعید نیست و احتیاط در مصالحه است. سؤال ۶۲۰- در ضرب‌وجرح عمدی اگر مجنی علیه قبل از مرگ جانی را از قصاص نفس یا عضو عفو کند، و همان جنایت سرایت کند و موجب مرگ مجنی علیه شود، آیا حقّ قصاص نفس ساقط می‌شود، یا اینکه ولیّ دم می‌تواند قصاص احکام پزشکی، ص: ۲۳۰ را مطالبه کند؟ جواب: بخشیدن قصاص عضو موجب بخشش قصاص خون نمی‌شود (در مواردی که جراحت سبب قتل گردد یا جانی قصد قتل داشته باشد).

۱۶. احکام دیات

سؤال ۶۲۱- شخصی دارای ناراحتی قلبی بوده است. دوستش به قصد شوخی از طریق تلفن خبر دروغین مرگ فرزندش را به او می‌دهد، او هم سکته قلبی کرده و می‌میرد. حکم مسأله چیست؟ جواب: اگر یقین داشته باشد که بر اثر خبر دادن او سکته کرده، باید دیه او را بپردازد. و اگر می‌دانسته بیماری قلبی دارد و چنین خبری برای بیماری قلبی غالباً کشنده است، بعید نیست حکم قصاص درباره او جاری شود. سؤال ۶۲۲- شخص مبتلا به ایدز و مانند آن، دیگری را به گونه‌ای به آن بیماری آلوده کرده که نوعاً پس از مدّتی سبب صدمات یا مرگ وی خواهد شد. چنانچه ناقل زودتر از مجنی علیه فوت کند دیه مجنی علیه و یا خسارات وارده بر او پس از مرگ جانی، در هر کدام از فروض عمد و شبه عمد و خطای محض بر عهده چه کسی است؟ جواب: هرگاه ناقل سبب مرگ باشد از اموال او بر می‌دارند. سؤال ۶۲۳- طبق مقررات دولتی پزشک و بیمارستان مکلف به پذیرش و درمان مصدوم می‌باشند. چنانچه پزشکی قبل از اتمام درمان مصدوم، وی را (با وجود آنکه می‌دانسته نیاز به مراقبتهای ویژه دارد) از بیمارستان مرخّص کند، و مصدوم طبق نظر پزشکی قانونی در اثر بالا رفتن قند خون، و خون ریزی داخلی، چند روز پس از ترخیص فوت کند، آیا پزشک یا بیمارستان در فرض سؤال احکام پزشکی، ص: ۲۳۱ ضامن پرداخت دیه هستند؟ جواب: کار بسیار بدی کرده‌اند، ولی دیه‌ای بر آنها نیست. سؤال ۶۲۴- پسرم توسّط یک پزشک ختنه شد. به دلیل بی‌احتیاطی و عدم مهارت در عمل جرّاحی، خسارات ذیل برایشان وارد شد: ۱. از بین رفتن تمام پوست روی آلت ۲. قطع قسمتی از آلت ۳. تنگ شدن مجرای بول و کج شدن آلت ۴. از بین رفتن توان مقاربت و لذّت جنسی (به دلیل فقدان پوست طبیعی روی آلت) و عدم انزال، که نتیجه آن عدم تولید مثل و باروری است. ۵. عمل جراحی آلت و ترمیم پلاستیکی لطفاً بفرمایید: دیه ضایعات فوق چیست؟ جواب: نسبت به ضایعاتی که در پوست آلت و تنگی مجرا و کج شدن به وجود آمده، طبق تشخیص کارشناس ارش تعلّق می‌گیرد، و در مورد عدم باروری، اگر پس از معالجه مشکل حل نشود آن نیز ارش دارد. سؤال ۶۲۵- دکتر مقداری از پوست بدن را برای ترمیم جراحت یا سوختگی برداشته است. آیا برای این قسمت دیه یا ارشی جداگانه در نظر گرفته می‌شود؟ جواب: برای این قسمت دیه و ارشی نیست. سؤال ۶۲۶- با توجّه به اینکه افراد زیادی (از جمله پزشک، فروشنده، خریدار، تزریق کننده، پدر و مادر جنین) در سقط به وسیله دارو نقش دارند، دیه سقط بر عهده کیست؟ جواب: دیه سقط بر عهده کسی است که داروها را مصرف می‌کند. سؤال ۶۲۷- اگر تزریق کننده از اثر داروی سقط جنین با خبر نباشد، دیه بر احکام پزشکی، ص: ۲۳۲ عهده چه کسی است؟ جواب: بر عهده کسی است که این دستور را به او داده است.

۱۷. احکام حفظ جان

سؤال ۶۲۸- لطفاً در مورد حفظ جان دیگران به سؤالات زیر پاسخ دهید: ۱. آیا دروغ گفتن برای حفظ جان مسلمانان جایز است؟ ۲. دروغ گفتن جهت حفظ جان کفّار ذمّی چه صورتی دارد؟ ۳. در جایی که انسان می‌تواند با دروغ گفتن و به خطر انداختن جان خود یا شخص دیگر، موجب نجات جان چند مسلمان شود، آیا این کار جایز است؟ و در صورت به خطر افتادن جان شخص دیگر (با دروغ این انسان) و تلف شدن، دیه بر عهده کیست؟ جواب: ۱. نه تنها جایز، بلکه واجب است. ۲. اشکال ندارد. ۳. دروغ گفتن برای نجات جان افراد اشکال ندارد، ولی به خطر انداختن جان خود یا دیگری برای حفظ جان دیگران لازم نیست. و اگر جان دیگری را به خطر بیندازد ضامن است. سؤال ۶۲۹- آیا محافظت از جنین در رحم واجب است؟ آیا بر مادر لازم است تمام شرایط لازم را جهت حفظ جان و سلامتی جنین فراهم کند؟ جواب: تا آنجا که مایه عسر و حرج نشود لازم است. سؤال ۶۳۰- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید: ۱. آیا برای نجات جان یک مسلمان، می‌توان عضوی از اعضای خود را به او هدیه کرد، مشروط بر اینکه هیچ خطر جانی متوجّه دهنده عضو نباشد؟ احکام پزشکی، ص: ۲۳۳ ۲. آیا دهنده عضو می‌تواند پولی دریافت نماید؟ ۳. اگر برای دهنده عضو، احتمال آسیب و خطر کمتر از مرگ وجود داشته باشد، ولی با این کار مسلمانی از مرگ نجات می‌یابد، آیا این اقدام جایز است؟ جواب: ۱. نه تنها اشکالی ندارد، بلکه راجح و خوب است، و گاه ممکن است واجب شود. ۲. جایز است، ولی بهتر این است که پول را در مقابل اجازه برداشتن عضو بگیرد، نه در مقابل خود عضو. ۳. جایز است. سؤال ۶۳۱- نسبت به شخصی که به گونه‌ای می‌خواهد اقدام به خودکشی نماید بفرمایید: ۱. آیا جلوگیری از خودکشی وی بر دیگران واجب است؟ ۲. اگر ممانعت از خودکشی آن شخص، مستلزم مخارجی باشد، تا چه مبلغی باید تحمّل کرد؟ و پرداخت آن بر عهده کیست؟ ۳. اگر بازداری شخص فوق از خودکشی، مستلزم استقبال از خطر جانی یا به خطر افتادن سلامت نجات دهنده باشد، تا چه اندازه باید از این خطر استقبال نماید؟ ۴. آیا در نجات جان چنین فردی، فرقی بین مسلمان، کافر حربی و کافر غیر حربی وجود دارد؟ ۵. آیا برای ممانعت از خودکشی آن شخص، رضایت یا عدم رضایت وی- برای نجات- در تکلیف نجات دهنده، مدخلیّت دارد؟ ۶. در صورت عدم رضایت برای نجات جان خود، اگر کسی اقدامی در جهت نجات وی انجام داد که در ضمن آسیبی هم به شخص خودکشی کننده وارد شد، احکام پزشکی، ص: ۲۳۴ آیا منجی ضامن است؟ جواب: ۱ تا ۳. جلوگیری از خودکشی بر هر مسلمانی واجب است، و اگر هزینه کمی داشته باشد باید شخص بازدارنده بپردازد. امّا اگر هزینه آن سنگین باشد، یا مستلزم خطر جانی باشد، بر آن شخص لازم نیست؛ ولی چنانچه بیت المال توانایی داشته باشد باید آن را بپردازد. ۴. نجات جان کافر حربی لازم نیست، و در مورد کافر ذمّی احتیاط نجات دادن است. ۵. رضایت او لازم نیست. ۶. در صورتی که نجاتش منحصر به راهی است که آسیبی به او می‌رسد اشکالی ندارد و ضامن نیست. سؤال ۶۳۲- آیا بیمار حق دارد از درمان سرپیچی کند، حتّی اگر وضعیّت او بدتر شود، یا بمیرد؟ جواب: در صورت خطر مرگ، بیمار نمی‌تواند درمان را قطع کند. همچنین جایی که ضرر مهمّی به او می‌رسد، و درمان آزار مهمّی به او نمی‌رساند. سؤال ۶۳۳- نسبت به کسی که اعتصاب غذا نموده، و جان خود را به خطر انداخته، یا لااقل سلامتی خود را دچار مخاطره کرده، و تنها با تغذیه اجباری توسّط پزشک می‌توان او را از خطر جانی حفظ نمود، بفرمایید: ۱. آیا این کار برای پزشک واجب است، یا می‌تواند اقدامی نکند؟ ۲. اگر تغذیه واجب، و راه آن منحصر به ضرب و جرح اعتصاب کننده باشد، برای نجات وی، چه مقدار ضرب و جرح او مجاز است؟ ۳. اگر ضرب و جرح چنین کسی موجب تغییر رنگ پوست وی، و مستلزم دیه گردد، دیه آن بر عهده کیست؟ احکام پزشکی، ص: ۲۳۵ ۴. آیا حکم فوق نسبت به اعتصاب کننده‌ای که می‌داند با اعتصاب غذا، خود را در معرض مرگ قرار می‌دهد، با شخصی که از عواقب کارش بی خبر است فرق می‌کند؟ اگر فرق دارد، وظیفه طبیب در مورد او چیست؟ ۵. اگر پزشک را مجبور به تغذیه اجباری نسبت به اعتصاب کننده غذا بنمایند، نه به جهت حفظ جان اعتصاب

کننده، بلکه برای اقرار گرفتن از وی نسبت به امری، پزشک چه تکلیفی دارد؟ جواب: ۱. این کار برای پزشک و سایر مسلمانان در موارد وجوب، واجب است. ۲. حدّاقلّ لازم در موارد احساس خطر برای اعتصاب کننده غذا جایز است. ۳. در موارد وجوب دیه ندارد. ۴. برای طبیب تفاوتی ندارد. ۵. هرگاه جان بیمار در خطر نباشد، طبیب نمی‌تواند او را مجبور به غذا خوردن کند؛ مگر در مواردی که مصالح مهمّ کشور و جامعه اسلامی در میان باشد.

۱۸. احکام ضرورت و اضطرار

سؤال ۶۳۴- آیا تعیین ضرورت بر عهده عرف است، یا شخص مکلّف، یا افراد صاحب نظر و اهل خبره؟ جواب: موارد مختلف است؛ در امور ساده بسته به نظر عرف، و در موارد پیچیده بسته به نظر اهل خبره است. سؤال ۶۳۵- آیا در موردی که احتمال ضرورت می‌رود، می‌توان معامله ضرورت نمود؟ جواب: احتمال ضرورت کافی نیست، باید ضرورت ثابت شود؛ ولی در موارد احکام پزشکی، ص: ۲۳۶ خطر، خوف خطر کافی است، و یقین به خطر لازم نیست. سؤال ۶۳۶- در صورتی که در یک بیمار بنا به ادلّه‌ای (همچون خلق فرزندان ناقص‌الخلقه، داشتن بیماریها، زمینه‌ای که باعث خطر جانی برای زوجه گردد) طبق تشخیص طبیب جلوگیری از حاملگی لازم باشد، و از طرفی بهترین روش پیشنهادی اطبا نیز مستلزم لمس یا نظر است. آیا این مورد از مصادیق اضطرار است؟ جواب: آری از مصادیق اضطرار است. سؤال ۶۳۷- آیا ضیق امکانات مکانی، لوازم، کارکنان و وقت بیمار، جزء موارد اضطرار است؟ جواب: اضطرار یک امر عرفی است، هرگاه تشخیص داده شود راه منحصر به پزشک جنس مخالف است، یا اگر منحصر نیست عسر و حرج دارد، مصداق ضرورت محسوب می‌شود. سؤال ۶۳۸- آیا معطّل شدن بیمار جهت دریافت خدمات درمانی، اضطرار شمرده می‌شود؟ جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۱۹. خوردنیهای غیر مجاز

سؤال ۶۳۹- با توجّه به اینکه گوشت داخل صدف طبق نظر متخصّصین از بهترین گوشتهاست، و مصداق جدّی «لحماً طریاً» می‌باشد، و خواص بی‌شماری دارد، و بعضاً اطبا برای معالجه بعضی از امراض تجویز می‌کنند، استفاده از آن در صورت اختیار و اضطرار و معالجه چه حکمی دارد؟ جواب: تنها در صورت ضرورت بی اشکال است. احکام پزشکی، ص: ۲۳۷ سؤال ۶۴۰- گوشت برخی از حیوانات حرام گوشت در معالجه بعضی از امراض مؤثّر است، هر چند سند معتبر علمی و فقهی ندارد. شکار و استفاده از گوشت یا خون این‌گونه حیوانات چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که طبق تشخیص طبیب متدیّن تنها راه علاج نباشد، جایز نیست. سؤال ۶۴۱- خوردن بعضی از مواد، میوه‌ها و غذاها برای برخی از بیماران ضرر دارد، مصرف این خوردنی‌ها برای بیماران چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که ضرر مهمّی داشته باشد، خوردن آن حرام است.

۲۰. متفرّقه

الف) استفاده از دفترچه بیمه دیگران سؤال ۶۴۲- استفاده از دفترچه بیمه دیگران چگونه است؟ آیا تحقیق و تفحّص توسّط پزشک لازم است؟ جواب: هرگونه استفاده از دفترچه بیمه بر خلاف مقرّرات و قرارداد شرعاً مجاز نیست؛ ولی برای طبیب، تفحّص لازم نیست. ب) مراجعه به فالگیر و جادوگر سؤال ۶۴۳- مراجعه به فالگیرها و جادوگران برای معالجه چه حکمی دارد، در حالی که گاه امراض سختی را معالجه می‌کنند؟ جواب: رجوع به آنها حرام است. ج) استفاده از توالت فرنگی سؤال ۶۴۴- توالت‌های سنّتی ایران، برای برخی از بیماران از جمله بعضی احکام پزشکی، ص: ۲۳۸ بیماران قلبی مضر است، آیا استفاده از توالت فرنگی مجاز است؟ جواب: استفاده از توالت فرنگی برای همه مجاز است. د) تقاضای مخفی ماندن برنامه‌های درمانی سؤال ۶۴۵- آیا بیمار می‌تواند

درخواست کند که کلّیه برنامه‌های درمانی او محرمانه انجام شود؟ جواب: در صورتی که افشا شدن آن لطمه‌ای به او بزند، حقّ دارد چنین درخواستی کند. ه) انتخاب عمل جرّاحی یا ترک آن سؤال ۶۴۶- بیماری که طبق تشخیص اطبای حاذق در صورت ترک عمل جرّاحی به زودی خواهد مرد، و در صورت اقدام به این عمل به احتمال قوی زنده می‌ماند، ولی تا پایان عمر دچار درد و رنج شدید و طاقت‌فرسا خواهد شد و هرچند احتمال مرگ در این صورت نیز منتفی نیست، ولی در صورتی که زنده بماند، دچار درد و رنج شدید و طاقت فرسا خواهد شد، تکلیفش چیست؟ جواب: مخیّر است که یکی از این دو طرف را انتخاب کند. سؤال ۶۴۷- استخوان پای شخصی شکسته است، چنانچه جرّاحی نکند، تا پایان عمر زمین‌گیر شده، و باید درد و رنج را تحمّل کند، و اگر عمل کند احتمال بهبودی داده می‌شود، بفرمایید: ۱. با چند درصد احتمال بهبودی، تکلیف وی اقدام برای عمل می‌باشد؟ ۲. چنانچه عمل و شرایط به گونه‌ای است که احتمال مرگ هم بعید نباشد، بفرمایید با چند درصد احتمال مرگ وظیفه ترک عمل می‌باشد؟ جواب: ۱. اگر احتمال قابل ملاحظه‌ای برای بهبودی باشد، احتیاط آن است که احکام پزشکی، ص: ۲۳۹ کوتاهی نکند. ۲. اگر احتمال مرگ زیاد نباشد جایز است. و) مراعات نوبت سؤال ۶۴۸- آیا مراعات نوبت در اموری که طبق نوبت به کار افراد رسیدگی می‌شود (مانند نوبت ویزیت پزشکان) یک حق عقلایی و شرعی محسوب شده، و تخلّف از آن حرام است؟ جواب: در حال حاضر که بسیاری از کارها در اجتماع به صورت صف و قرار گرفتن در نوبت انجام می‌شود این امر یک حق عقلایی محسوب می گردد. و به تعبیر دیگر، از بین بردن آن نوعی ظلم به حساب می‌آید و مشمول ادلّه حرمت ظلم و تعدّی بر حقوق مردم است (و می‌دانیم که در همه جا احکام از شرع گرفته می‌شود و موضوعات از عرف، جز در موضوعات مخترعه) آری در مواردی که در عرفِ عقلا استثنا می‌شود، مثل یک بیمار اورژانسی در مطب دکتر و مانند آن، اشکالی ندارد. ز) زمان عیادت از بیمار سؤال ۶۴۹- در چه روزهایی از هفته نباید به عیادت بیمار رفت؟ جواب: در روایات آمده است که همه روز به عیادت مریض نروید، بلکه یک روز در میان باشد. و اگر بیماری طولانی شود عیادت پی در پی لزومی ندارد (مگر آن مقدار که باعث شادی بیمار یا پیشرفت بهبودی او گردد) و درباره تفاوت ایّام هفته در مسأله عیادت روایت معتبری نیافتیم. احکام پزشکی، ص: ۲۴۰ ج) سفر به بلاد کفر برای درمان سؤال ۶۵۰- سفر به بلاد کفر به منظور درمان بیماری چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که درمان در بلاد اسلامی ممکن نشود، و یا بلاد غیر اسلامی در آن مورد ترجیح روشنی داشته باشد مانعی ندارد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به

بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز

بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹